

رسانه ها و ماهواره ها، کوساله های زرین سامری،

قرآن و جنگ نرم

ترجمه آیات به نظم

مؤلف: محمود زارع پور

سرشناسه: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۶۵.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: فراز اندیش سبز

آدرس نویسنده: [m5736z.blog.ir](http://m5736z.blog.ir) لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: [zarepoorketab.blog.ir](http://zarepoorketab.blog.ir)



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

## فهرست مطالب

تفحص در خبرها	فسق چیست و فاسق کیست؟
خبر در اسلام	(در کار دشمن) تحقیق کنید
رسانه‌های استکباری	تأثیر شعر و جادو بر افکار عمومی صدر اسلام
رسانه‌ها و ماهواره‌ها، گوساله‌های زرین سامری	ظهور بدعتها
خطر سهل‌انگاری در مهندسی فرهنگی	هالیوود سامری چگونه تیشه به ریشه
اصول و مبانی روزنامه‌نگاری در قرآن	استکبارستیزی و دفاع از مستضعف
اصول روزنامه‌نگاری	آداب روزنامه‌نگاری
اراجیف رسانه‌ای از نظر قرآن	رسانه‌ها در گسترش مفاهیم دینی
اراجیف خبری و شایعات بی‌اساس	احکام شرعی ارجاف و حکم مرجفون
کارکردهای متضاد رسانه	رویکرد رسانه‌ای برای انتقال مفاهیم دینی
جایگاه قدرت و تأثیر رسانه رهیافتی برنقش	
جنگ نرم از منظر قرآن	ابعاد جنگ نرم از منظر قرآن
روش‌شناسی و رفتارشناسی دشمنان	ابزارهای جنگ نرم
بصیرت زایی و بصیرت افزایی	هیاهوگرایی (کف و سوت) در برابر منطق قرآن
ضرورت آمادگی دائمی برای جنگ نرم و سخت	ابعاد آمادگی نظامی و جنگ روانی
روش‌های شیطانی در جنگ نرم	جنگ نرم، جنگ اندیشه‌ها و رسانه‌ها
توصیه‌های قرآن درباره جنگ نرم	مسجد ضرار، همانندسازی با پایگاه دین
مسجدهای ضرار در عصر حاضر	زنان و جنگ نرم
بایدهای رسانه‌ای برای مبارزه با خرافات	ویژگی‌های جنگ نرم
رد پای جنگ نرم در سیمای خرافات	علت شکل‌گیری خرافات

## مقدمه مؤلف

در صدر اسلام از اتهام کافر به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان شاعر و مجنون سخن می گفتند، تا بگویند رسول خدا به قصد سلطه، از دستگاه فریب و تسخیر چون شعر و سحر استفاده کرده تا افکار مردم و عقاید و ایمان آنان را به دست گرفته و مردم را برده و بنده فکری و عملی خود سازد.

البته در همین دوره نقش کلمات چه در شعر یا قصه بر کسی پوشیده نبود ولی شعر و سحر قوی ترین ابزارها و فنونی بود که در اختیار بود.

در آغاز اسلام همین مسأله بارها مشکل زا شده بود و شاعران علیه مسلمانان و قبایل اشعاری می ساختند که افکار عمومی را نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام بدبین می کردند

در آیاتی چون ۳۶ صافات، وَ يَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ.

**بگفتند آیا به گفتار خام که این شاعر مست گوید مدام**

**بشوئیم دست از خدایان خویش؟ نگیریم هرگز چنین کار پیش**

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ طُورِ ۳۰ و (۵ انبیاء و ۴۱ حاقه)

**بگویند کاین مصطفی شاعریست در این کار استاد و هم ماهرست**

**نشستیم در انتظاری به خشم که بینیم مرگ نبی را به چشم**

بعدها نیز دستگاه های خلفای ظالم تبلیغاتی یزید به سرعت با بهره گیری از همه امکانات بویژه شعر و روایت سازی دروغین، تصویری غلط و باطل

از کربلا و قیام امام حسین (علیه السلام) ارائه داد به طوری که مردم باور کردند که امام حسین (علیه السلام) یک خارجی و یاغی بر خلیفه مسلمین است. پس به طور طبیعی مستحق قتل و اسارت و غارت است.

همچنانکه شعر و جادو بر افکار عمومی در صدر اسلام تاثیر داشت، در زمان حاضر نیز با توجه به نقش جهانی ارتباطات، استکبار خیلی سریع تر برای انحراف جوامع به منظور و هدف خود میرسد. روزنامه ها، تلفن های همراه، ماهواره ها، رسانه های همگانی و اینترنت و شبکه جهانی آن، در کنار ابزارهای دیگر، مهم ترین ابزارهای جنگ نرم است که در بسیاری از کشورها و ملت ها تأثیرات مخرب خود را گذاشته و زمینه را برای تسلط جهانخواران و دشمنان مردم فراهم آورده.

یک نمونه : ماهواره ها و شبکه های سامری، ایران را منشاء انتقال ویروس کرونا می دانند دقیقا برخلاف آنچه که دیگران می گویند. و جو جهانی را مسموم کرده و سعی دارند مامور خوبی برای استکبار جهانی باشند.

کتاب حاضر سعی کرده که با مقایسه ی تاریخ گذشته و حال با آیات قرآن رسنه ها که نقش گوساله های سامری را دارند، تبیین نماید.

**محمود زارع پور**

## جهانی شدن ارتباطات در (عصر اطلاعات)

در اواخر قرن ۲۰ دانشمندان پیشرفتهای علمی را شروع تحولی در زمینه تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی می دانند که آن را (عصر اطلاعات) نامگذاری کردند. عصر اطلاعات زمینه ساز تحولات گسترده ای در تمدن بشری است که این دوران محور و مدار تاثیرگذاری در آینده و در فرآیند جهانی شدن می باشد.

جهانی شدن ارتباطات در هزاره سوم میلادی، تمامی عرصه های فرهنگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر را بیش از پیش تحت تاثیر قرار داده است، رسانه در عصر ارتباطات دارای جایگاهی کلیدی می باشد و در جامعه امروز به عنوان یک ضرورت، بخشی از زندگی بشر را تشکیل داده است، آمارهای نشان می دهد که فقط در قاره امریکا هر شخص به طور متوسط نزدیک به ۱۰ ساعت در روز، وقت خود را به دیدن کانالهای تلویزیونی و ماهواره ای و جستجوی در اینترنت اختصاص می دهد.

## جایگاه قدرت و تأثیر رسانه

جایگاه رسانه در دنیای معاصر بالاتر از یک نیاز را فرا گرفته و به یک ضرورت تبدیل شده است، به طوری که عدم حضور این ضرورت می تواند اختلالات گستردهای را در رفتارهای اجتماعی ایجاد کند.

در حقیقت رسانه مدرن امروز، زمینه ساز و بستر ساز ایجاد پیام و انتقال آن با فراهم آوری ارتباط بین گروه‌های انسانی است، و به واسطه پیامی که حمل می‌کند می‌تواند نگرش انسان را نسبت به محیط پیرامونی اش دچار تغییر کند، و اقتضائات و کنشهای متفاوتی را فراهم آورد.

رسانه‌های جمعی با استفاده از روش‌ها و فنون مختلف سعی در چیدمان ذهنی افکار عمومی دارند و در این راستا انبوه اطلاعات که به وسیله رسانه‌های همگانی، به‌ویژه رادیو و تلویزیون، به لایه‌های گوناگون طبقاتی جوامع القاء گردیده و در نهایت به تدریج تمامی جامعه را در تحت تاثیر قرار می‌دهد

امروزه فرهنگ بر اساس خصوصیت کثرت‌گرایانه‌ای که دارد، دچار تکثر و تنوع است. ظهور ابزارهای جدید رسانه‌ای و ارتباط جمعی منجر به ایجاد واکنشهای جدیدی در جوامع بشری می‌شود، که معرف الگوهای رفتاری جدید بر اساس جهان بینی‌های القائی از ناحیه این ابزار است. بسیاری از این ابزارها در خدمت القائات ناهمگون و غیر مطابق با ارزشهای انسانی قرار گرفته که توسط سیاست‌های صهیون طیف وسیعی از مردم دنیا را مخاطب قرار داده است.

و با تبلیغات وسیع در قالب بازتعریف غیرالهی انسان، سرنوشت، خدا، شیطان، جهان، موعود و منجی، به صورت غیر محسوس مؤلفه‌های

ارزشی ادیان الهی را مورد هجوم قرار داده و تراژدی جدیدی را از نمایش تمدن مدرن برای انسان رقم زده است.

کارشناسان، رسانه را به مثابه ابزاری توصیف می کنند، که می تواند در بسط و اشاعه معارف و مفاهیم ارزشی دین نقش قابل توجهی ایفا کنند. از سویی ذات و ذهن مذهب نیز به خودی خود شامل رسانه است، که ماموریت برقراری ارتباط میان انسان و خدا و همچنین انتقال کلام وحی به انسانها را به عهده دارد. بر این اساس ایجاد معرفت نسبت به عالم هستی و آفریدگار آن، همچنین آگاهی یافتن از فلسفه حضور انسان در جهان هستی مهم ترین دلیل ارسال رسل، به جامعه انسانی است

از این جهت پیامبران الهی به عنوان رسانا و مبلغ دین، وظیفه انتقال وحی را به عهده داشته و از رسانه های سمعی و مکتوب، برای ارائه حجت در دعوت راستین خویش بهره می بردند. اگر چه دریافتهای دینی پیامبران عمدتاً به صورت وحی و انتقال آن به صورت مسموع بود. دین به عنوان یک خاستگاه الهی و وحیانی قابلیت و استعداد پایش و پویش را در فضای رسانه داراست و حتی می توان گفت که روح رسانه جزئی از ذات دین است .

هر چند که دین با هر تعریفی که از آن داشته باشیم، از جنس پیام است. دین به مثابه یک پیام در برگیرنده بینش ها است و نتیجه آن در گرایش

ها و عملکردها آشکار می شود و از این رو، گسترش طلبی، خصیصه ذاتی آن است. دین می خواهد بگوید که انسان ها چگونه بیندیشند و چگونه عمل کنند و این جز با یافتن مخاطب معنی ندارد. ماهیت و حیات فکر، اندیشه و اعتقاد با نشر و گسترش آن رابطه ای تنگاتنگ دارد. اندیشه ای که به دنبال یافتن مخاطب و گسترش پیام خویش نباشد، یا به «درستی» خویش بی اعتماد است و یا به «تداوم» خود بی علاقه. به همین دلیل است که مفهوم دین (بطور کلی) با مفهوم پیامبری و تبلیغ گره خورده است

دین اسلام نیز خود را «پیام» می داند که بر دل های آماده مخاطبان مستعد، «ارسال» می شود و آنان نیز به نوبه خود باید نبی و پیامبری برای همه آدمیان باشند و همه را دعوت به شنیدن این پیام، پذیرش و در نهایت بسط بیشتر آن کنند. بنابراین دین به رسانه به عنوان ابزاری برای ادامه حیات و گسترش پیام خویش نگاه می کند.

اما در سوی دیگر، رسانه نیز مانند بلندگویی است، که صدای دین را به دیگران می رساند و از این باب است که دین برای آن احترام قائل است. اهتمام همه ادیان بشری و الهی به تشریح آیین ها و عبادت های جمعی، گفتن و شنیدن پندها و درس های مورد نظر، ترویج ساخت، توسعه و آبادانی مکانهای مذهبی، تشویق به قرائت کتاب مقدس و آموزش آن،



نمونه هایی از علاقه دین به بهره مندی از توانایی رسانه ها است (استفاده سنت از مدرنیته برای بقا و تداوم خویش) لذا در اصطلاح رسانه دینی به جرات می توان گفت، که دین اصل است و رسانه فرع، چرا که دین می خواهد خود را بوسیله رسانه معرفی کند. رسانه، می تواند موجب روشنگری، دانش، وحدت و رشد فردی و اجتماعی شود، و هم عامل تخدیر، جهالت، تفرقه و نابودی فکر و فرهنگ جامعه.

رسانه به عنوان ابزار اطلاع رسانی دارای کارکردهای دوگانه و متقابلی است. نمی توان به مقام ارزشگذاری، رسانه را خوب یا بد دانست؛ زیرا خوبی یا بدی رسانه بستگی به اموری دارد و داوری درباره آن می بایست در چارچوب ملاکهای مشخصی انجام گیرد.

همان اندازه که رسانه در طول تاریخ به عنوان عامل رشد و روشنگری و انتقال دانش و اطلاع رسانی از واقعیت ها و حقایق مطرح بوده است؛ به همان اندازه می تواند دشمن بشریت باشد و آسیب های جدی به فرد و جامعه انسانی وارد سازد. نقش رسانه در جهان غرب به سبب معیارهای لیبرالی و سرمایه داری، نقش مثبتی نیست. از این رو به عنوان ابزاری در دست سرمایه داران و مستکبران عمل می کند. سرمایه داران با ابزار رسانه می کوشند تا بر اذهان و قلوب مردم حکومت کنند و با افکارسازی، افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار داده و به عنوان بردگان بلکه بندگان در اختیار بگیرند. بنابراین، تحلیل و تبیین اصول رسانه ها مانند روزنامه

نگاری بستگی تمام به مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی کسی دارد که به ارزیابی یا بهره‌برداری از رسانه می‌پردازد.

### **نقش رسانه‌ها در گسترش مفاهیم دینی**

دین به مثابه آبی است که قرار است در ظرف رسانه برای تشنگان واقعی جهان عرضه شود و روح آنها را صیقل دهد. متولیان امر رسانه زمانی در این مهم موفق می‌شوند، که آنها خالص و گوارا و در ظرفی زیبا و دلچسب نشان دهند.

استاد شهید مرتضی مطهری، نه تنها استفاده از رسانه‌های جدید را ممکن، بلکه ضروری می‌داند و معتقد است: وسایل هدایت، هر زمانی مخصوص خود آن زمان است. امام خمینی (ره) نیز در خصوص حکم فقهی استفاده از رادیو، تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی جدید، چنین نوشته‌اند: این وسایل نوپیدا، هم کارکرد حلال عقلایی و هم کارکرد حرام غیر مشروع دارند

در این میان رسانه‌های غربی با القائات مخاطره‌آمیز خود، عصر حاضر را عصر بحران معرفی نموده و با فرقه‌سازیهایی مبتنی بر دکترین یهود و آموزه‌ها...، فرقه‌های گوناگونی را ایجاد نموده‌اند، که داعیه نجات بخشی آنها طیف وسیعی از تبلیغات رسانه‌ای دنیا را تشکیل می‌دهد. از طرفی دیگر ناکارآمدی و عدم ارائه برنامه مبتنی بر نیازهای روز بشر

آیین مسیحیت در جوامع غربی نوعی واپس زدگی تاریخی را نسبت به دین به وجود آورده است. از سوی القائنات کاذب نحله ها و گروههای منحرف به عنوان داعیه داران نجات بخشی، زمیه های بسیاری از انحرافات را بیش از پیش فراهم آورده است. نتایج این واپس زدگی تاریخی، نوعی آشفتگی فردی و اجتماعی را دامن زده که انسان و ارزشهای انسانی را در معرض اضمحلال ارزشها، و نوعی از خود بیگانگی و خود گرایی مفرط قرار داده است او را به بن بست تمدنی کشانده است.

این در حالی است که در آموزه های اسلامی دین به عنوان متغیری مستقل و تاثیر گذار بر فرآیند کلی جامعه، از جمله پیامد های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شناخته می شود، رسالت دین در ابلاغ و تبیین آموزه های الهی، به صورت فراگیر تمام جوانب زندگی انسانی را در بر می گیرد.

با این همه گستره فراگیر آموزه های اسلامی این ظرفیت را داراست که با قابلیت به روزرسانی محتوا در همه ابعاد زندگی بشر طوری نقش آفرینی کرده و بتواند به عنوان متغیری مستقل و تاثیر گذار بر پیامد های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی در اثر بگذارد.

که با تاسف باید اعتراف کرد که از این پتانسیل و ظرفیت پویا چنان که باید بهره برداری نمی شود. دلیل این مساله را می توان در تعاریفی که نسبت به رسانه دینی یا رسانه در جامعه دینی به معنای خاص ارائه می

شود جستجو کرد، چرا که هنوز دیدگاه کارشناسان این حوزه در ایجاد ارتباط دینی رسانه‌ای بسیار متفاوت است و همین عامل منجر به عدم وجود وحدت رویه و عملکردهای نامتوازن رسانه‌ای در جامعه ما گردیده، که عمدتاً به دلیل عدم نگرش جامع به نظریه تأثیر دینی رسانه می‌باشد.

**رسالت کنونی رسانه دینی** آنچه از یک رسانه دینی توقع می‌رود اینست که با تبیین کارکردهای و خلاقیت‌های جدید بتواند حلقه ارتباطی مفیدی میان دین و زندگی مردم باشد که این مساله در پرتو تأثیر گذاری، عینی سازی، جذابیت آفرینی می‌تواند به وقوع پیوندد.

در صورتی که ادراکات در قالب مشاهدات حسی و به صورت ملموس در اختیار مخاطب قرار گیرد، کوتاه‌ترین پیام با برد موضوعی بالا به راحتی مورد پذیرش مخاطب قرار می‌گیرد.

با این همه هنوز هم برخی از کارشناسان دینی معتقدند، رسانه ابزار و جایگاهی مناسب برای تبلیغ معارف دینی نیست، و یا حیثه فعالیت آن در حوزه دین بسیار محدود است، بر اساس این نگرش دین صرفاً بر اساس دایره‌ای محدود از باورهای وحیانی و آن هم فقط به صورت مکتوب یا نهایتاً سمعی قابل ارائه می‌باشد.

## رسانه های خبری و جهان امروز

رسانه، نقش مهمی در انتقال اطلاعات و تجربیات دارد. در جهان امروز رسانه ها نه تنها ابزار مهمی در انتقال علم و دانش هستند و مسائل مربوط به جامعه را در اختیار مخاطبان می گذارند، بلکه در حوزه عمل اجتماعی و سیاسی نقش بسیار حساسی را دارند و اصولاً جنگ نرم و جنگ روانی در حوزه رسانه ها تعریف و تبیین می شود.

**خبر در اسلام :** اسلام درباره‌ی چگونگی سخن و نقل خبر تأکیده‌های فراوانی کرده است از جمله :

**(الف)** قرآن از کسانی که هر خبری را می‌شنوند و نسنجیده آن را نشر می‌دهند، به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: خبر را به اهل استنباط عرضه کنید و اگر حقانیت آن ثابت شد، آنگاه آن را پخش کنید.

**(ب)** قرآن برای کسانی که با پخش اخبار دروغ، در جامعه دغدغه ایجاد می‌کنند، کیفی سخت معین فرموده است.

**(ج)** پیامبر صلی الله علیه و آله در سال آخر عمر شریف خود در سفر حج فرمودند: کسانی که خبرهای دروغی از من نقل می‌کنند، زیادند و در آینده زیادتیر خواهند شد، هر کس آگاهانه به من نسبت دروغ بدهد، جایگاهش دوزخ است و هر چه از من شنیدید، به قرآن و سنت من عرضه کنید، پس اگر موافق آن دو بود بپذیرید وگرنه رد کنید.

**د** امام صادق علیه السلام به کسی که خبرهای دروغی را به پدرش امام باقر علیه السلام نسبت می‌داد، لعنت کردند، هر چه از ما شنیدید، اگر شاهد و گواهی از قرآن یا سایر سخنان ما بر آن پیدا کردید، بپذیرید وگرنه نپذیرید.

**ه** امام رضا علیه السلام: سند سخنان ما، قرآن و سنت رسول خداست صلی الله و یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی، علم رجال است که برای شناخت خبر صحیح از غیر صحیح، افرادی را که حدیث نقل می‌کنند، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد.

### تفحص در خبرها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوهَا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ حَجرات ۶

الا مؤمنان به یزدان اگر یکی فاسق آورد ناگه خبر

نمایید تحقیق بر سقم و راست که آیا درست است یا نه خطاست

مبادا که از جهل آن شخص و بس رسانید رنجی به قومی و کس

وز آن پس پشیمان بگردید و زار که بیهوده کردیم این گونه کار

شیخ طوسی : بر اساس روایات متعدّد از طرق شیعه و سنی، این آیه

درباره ولیدبن عقبه نازل شده. زیرا پیامبر او را برای جمع‌آوری زکات از

قبیله بنی مصطلق اعزام داشت، اما از آنجا که میان او و این قبیله در

دوران جاهلیت، خصومتی شدید بود، هنگامی که اهل قبیله به استقبال او می‌آمدند، گمان کرد که به قصد کشتن او آمده‌اند. لذا جلوتر نرفت و نزد پیامبر بازگشت و خبر داد که مردم از پرداخت زکات خودداری کرده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله از این خبر ناراحت شد و خواست آنان را گوشمالی دهد. آیه فوق نازل و در مورد خبر فاسق دستور تحقیق داد.

امام حسین علیه السلام در احتجاجی که با ولید بن عقبه داشت فرمود: به خدا سوگند من تو را در دشمنی‌ات با علی بن ابی طالب علیه السلام ملامت نمی‌کنم، زیرا خداوند، پدرم را مؤمن و تو را فاسق خوانده است. سپس آیه فوق را تلاوت کردند.

در این آیه دستور تحقیق و بررسی آمده، ولی در آیه‌ی ۱۲ همین سوره، تجسس، حرام شمرده شده **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا....**

الا مؤمنان به پروردگار                      که دارید ایمان به روز شمار  
همه در حق هم چه مرد چه زن              نماید پرهیز از شك و ظن  
چه بسیار پندارهائی که هست              که همچون گناهی به دل برنشست  
ز حال درونی هم هیچگاه                      تجسس نورزید باشد گناه  
آیا می‌شود تحقیق و تفحص، هم حرام باشد و هم واجب؟

آنجا که تجسس حرام است، درباره‌ی رفتار شخصی مردم است که ربطی به زندگی اجتماعی ندارد، ولی آنجا که واجب است، موردی است که به جامعه مربوط است و می‌خواهیم بر اساس آن، اقدام و عملی انجام دهیم که اگر به خاطر احترام فرد، تحقیق و بررسی نکنیم ممکن است جامعه در معرض فتنه و آشوب قرار گیرد.

### فسق چیست و فاسق کیست؟

«فسق» در لغت به معنای خارج شدن است و در اصطلاح قرآنی، به خارج شدن از راه مستقیم گفته می‌شود. این کلمه در برابر عدالت به کار می‌رود و فاسق به کسی گویند که مرتکب گناه کبیره‌ای شود و توبه نکند. واژه فسق، در قالب‌های گوناگون، ۵۴ بار در قرآن آمده و در موضوعات و مصادیق مختلفی به کار رفته است از جمله:

**الف.** در مورد انحراف‌های فرعون و قوم او: **إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ**

**ب.** در مورد افراد چند چهره و منافق: **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ**

**ج.** در مورد آزار دهندگان به انبیا و سرکشان از دستورات آنان: **قَالُوا يَا**

**مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا**

**د.** در مورد کسانی که طبق قانون الهی داوری و قضاوت نمی‌کنند:

**وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ**

**ه.** در مورد حيله گران: ... **بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ**



- و.** در مورد کسانی که وظیفه‌ی مهم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند: **الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا ... بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ**
- ز.** در مورد کسانی که خانه، تجارت، فامیل و مادیات را بر جهاد در راه خدا ترجیح دهند **إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ ... أَحَبَّ ... وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ**
- ح.** در مورد گناهان علنی و انحرافات جنسی و شهوت‌رانی‌های ناروا. (قرآن به قوم لوط که گناه را در مجالس علنی و بی‌پروا انجام می‌دادند، لقب فاسق داده است) **رَجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ .**
- ط.** در مورد بهره‌گیری از غذاهای حرام **حُرِّمَتْ... الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ... ذَلِكَمُ فَسْقٌ**
- ی.** در مورد تهمت زدن به زنان پاکدامن **يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... هُمُ الْفَاسِقُونَ**

### **پیام های آیه .... إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا ..... حجات ۸**

- ۱- افراد مؤمن باید اهل تحقیق و بررسی باشند، نه افرادی زودباور و سطحی‌نگر ...
۲. همه اصحاب پیامبر عادل نبوده‌اند، بلکه در میان آنان افراد فاسق و منافق بوده‌اند
- ۳- افشاگری و رسوا کردن افرادی که کارشان سبب فتنه است، مانعی ندارد.
- ۴- زمینه فتنه دو چیز است: تلاش فاسق، زود باوری مؤمن فاسق... فَتَبَيَّنُوا
- ۵- اصل در اسلام، اعتماد به مردم است، اما حساب کسی که فسق او بر همه روشن شد، از افراد عادی جداست.

۶- افراد فاسق، در صدد ترویج اخبار دروغ و نوعی شایعه پراکنی هستند.

۷- ایمان، با خوش باوری سازگار نیست. جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ

۸- تحقیق و بررسی را به تأخیر نیندازید. فَتَبَيَّنُوا (فاء نشانه‌ی اقدام سریع)

۹- گاهی فاسق راست می‌گوید، بنابراین نباید همه جا سخن او را تکذیب

کرد، بلکه باید تحقیق شود. فَتَبَيَّنُوا

۱۰- جامعه اسلامی، در معرض تهاجم خبری است باید هوشیار بود.

۱۱- در مدیریت، باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد. ابتدا تحقیق بعد اقدام

۱۲- بیان فلسفه و رمز و راز احکام الهی، انگیزه‌ی مردم را برای انجام

دستورات زیاد می‌کند. (فلسفه تحقیق، دوری از ایجاد فتنه است.)

۱۳- یکی از اهداف خبرگزاری‌های فاسق، ایجاد فتنه و بهم زدن امنیت

نظام است.

۱۴- اقدام بر اساس يك گزارش بررسی نشده، می‌تواند جامعه‌ای را به

نابودی بکشاند.

۱۵- اقدام عجولانه و بدون بررسی و تحقیق، نوعی جهالت است. بِجَهَالَةٍ

۱۶- عمل به دستورات الهی، مانع پشیمانی است. تحقیق کنیم تا مبادا

پشیمان شویم.

۱۷- پایان کار نسنجیده، پشیمانی است. نَادِمِينَ

## تحقیق، داروی دردهای اجتماعی

در طول تاریخ، انبیا با مردم و اجتماعاتی روبرو بوده‌اند که به انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی مبتلا بوده‌اند و حتی امروز با آن همه پیشرفت‌های مهمی که در زندگی بشر شده، هنوز آن بیماری‌ها به قوت خود باقی است. بیماری‌هایی همچون: تقلید کورکورانه از نیاکان و پیروی از عادات و آداب و رسوم خرافی. پیروی از خیالات، شایعات، پیشگویی‌ها و رؤیاهای بی‌اساس. داوری و موضع‌گیری بدون علم، ستایش یا انتقاد بدون علم و نوشتن و گفتن بدون علم.

داورپی شفاف‌بخش برای همه آن بیماری‌ها، تحقیق و بررسی است که در این آیه آمده. اگر جامعه اهل دقت و تحقیق و بررسی باشد، همه‌ی این آفات و بلاهای اجتماعی یکسره درمان می‌شود.



## (در کار دشمن) تحقیق کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا نساء ۹۴

پس ای مؤمنان چونکه بهر جهاد	بگشتید راهی به دیگر بلاد
به تحقیق آید و در جستجو	در آیین یار و مرام عدو
بر آن کس کز اسلام دم بر زند	ز تن جامه کفر را بر کند
مبادا که بر او زنید افترا	بگویند کافر بود بر خدا
که با خود بگویند باشد حلال	گر از او ستانیم جانی و مال
مبادا بر این کار رو آورید	که اندک غنیمت ز دنیا برید
شما را به درگاه پروردگار	غنائم بود بی حد و بی شمار
که حتی شما نیز در ابتدا	که گشتید تسلیم یکتا خدا
جز اظهار تسلیم چیزی نبود	چرا هوشتان را ظواهر ربود
خداوندتان لیک منت نهاد	که بر قلبتان نور ایمان بداد
پس اکنون بدقت به وجهی نکو	به تحقیق آید در جستجو
مبادا که سر بر هوس برنهدید	به کس نسبت کفر و عصیان دهید
که هرچه نمایید بی کم و کاست	بدانید آگاه از آن خداست

پس از جنگ خیبر، پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی به نام اسامه بن زید را همراه گروهی از مسلمانان به سوی یهودیانی که در یکی از روستاهای فدک بودند فرستاد تا آنان را به اسلام یا قبول شرایط ذمه و تحت‌الحمایه بودن دعوت نماید، یکی از یهودیان (به نام مرداس) با شنیدن خبر، اموال و خانواده خود را در پناه کوهی قرار داد و با گفتن لا اله الا الله محمد رسول الله به استقبال مسلمانان آمد.

اسامه به گمان این که او از ترس، اسلام آورده و اسلام او واقعی نیست، او را کشت. رسول خدا پس از اطلاع، به شدت ناراحت شدند و آیه فوق نازل شد.

انگیزه‌ی مادی و کسب غنائم در جهاد، چیزی است که اسلام آن را نکوهش کرده و از اقدام شتابزده و کشتن بی تحقیق، زیر عنوان حرکت انقلابی و قاطعیت، انتقاد نموده است. جمله‌ی **كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ هُمْ** می‌تواند اشاره به این باشد که شما خودتان هم در آغاز، به ظاهر ادعای اسلام می‌کردید و هم می‌تواند (آن گونه که در المیزان آمده) اشاره به این باشد که خود شما نیز در جاهلیت با انگیزه‌های مادی و برای رسیدن به غنائم می‌جنگیدید

و اسلام آن انگیزه‌ها را از میان برد. ممکن است مراد از **أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ** اظهار اسلام و گفتن شهادتین باشد که با شأن نزول موافق است

و یا مراد از القای سلام، پیشنهاد آتش بس و ترك جنگ و تسلیم باشد نه اسلام آوردن، که معنای آیه این می شود : به کسی که پیشنهاد عدم تعرّض می کند و اظهار تسلیم و ترك جنگ دارد، نگوید : تو به حرقت ایمان نداری و دروغ می گویی تا بتوانید او را بکشید و غنائمی بدست آورید.

ممکن است مراد از جمله **فَتَبَيَّنُوا** در آخر آیه، تحقیق در تاریخ جاهلیت باشد. یعنی شما قبل از اسلام برای دنیا جنگ می کردید پس تحقیق کنید یعنی تاریخ را بررسی کنید که چگونه اسلام به شما رشد داد، پس از تازه مسلمانان توقع بالا نداشته باشید.

### **پیام ها :**

- بر چسبِ بی دینی به دیگران زدن و عجله در نسبت دادن کفر به افراد مشکوک ممنوع.

- ما مأمور به ظاهریم، نه درون افراد، اگر گفتارشان را نمی پذیریم، فوری هم ردّ نکنیم.

- نه تنها ادّعا دلیل می خواهد، بلکه ردّ مطلب نیز دلیل می خواهد.

- شما بی تحقیق و بی پروا گام برنذارید، خدا مسائل مادّی را حل می کند.

- نه ساده اندیش باشید، نه زود باور. نه بد اندیش و نه کینه توز. **فَتَبَيَّنُوا**

## (رسانه ها و ماهواره ها، گوساله های زرین سامری)

در گذشته رسانه‌هایی چون شعر، و ابزارهایی چون سحر و جادو بیشترین کاربرد را در افکار مردم به جا می گذاشت. اگر تا دیروز شعر بود، در جهان امروز رمان ها و سریال ها و فیلم ها هستند که همانند گوساله سامری مسحورکننده هستند. همان گونه که سامری به دروغ گوساله زرین را به عنوان خدای موسی علیه السلام معرفی می کند و به پرستش و پیروی و اطاعت از آن دعوت می نماید، امروز نیز رسانه ها و ماهواره های زیبا و چشم نواز و مسحورکننده، به دروغ معنویت های مردم را مصادره کرده و با عرفان های کاذب و نمادهای دروغین، فکر و فرهنگ مردم را تحت تاثیر و مدیریت خویش در می آورند تا بتوانند بر جامعه مدیریت کنند.

در دیپلماسی عمومی، کنترل فرهنگی جامعه و مهندسی آن به معنای فراهم آوری لشکری بی مزد و مواجب است که از جان و دل برای تحقق مقاصد رهبرانی که کنترل کنندگان فرهنگ جامعه هستند، تلاش می کند. دیگر نیازی نیست که استکبار جهانی ستون پنجمی را ایجاد کند و جاسوسانی را تربیت نماید و هزینه آن را پردازد. این سربازان فرهنگی در خیابان ها همان کاری را می کنند که دشمنان در اتاق های فکر در واشنگتن و لندن و فلسطین اشغالی دستور می دهند.

بلکه گاه نیازی به دستور مستقیم و غیرمستقیم آنان نیست، زیرا نخبگان مدیریت شده فرهنگی و فکری خود، در مسیر اهداف استکباری فکر می کنند و برنامه می ریزند و عمل می کنند. اجرای درست برنامه ها نیز می تواند از هرگونه نفوذ احتمالی و تخریب و تغییر مهندسی های انجام شده جلوگیری کند.

حضور رهبری در جامعه و مراقبت و کنترل دقیق و کامل توده های مردم، به معنای همراهی با مردمانی است که تحت شدیدترین تبلیغات دشمنان قرار دارند. رهبران جامعه با درایت بایستی مراکز فرهنگی و علمی را از حضور سامری های بت پرست و استکبارگرا مانع شوند و در مقام ضعف و زبونی قرار نگیرند و تهدید به قتل و طرد اجتماعی نشوند.

### سامری گری فرهنگی

سامری در آموزه های قرآنی، نمونه ای از عالمان برجسته ای است که در مسیر بدعت ها گام برمی دارد و جامعه ای را به تباهی می کشاند. وی که از عالمان دارای کرامت بوده، از کرامت و قدرت معنوی خود برای تغییر فرهنگی جامعه سوء استفاده می کند. قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي [موسی] گفت ای سامری منظور تو چه بود؟ گفت به چیزی که [دیگران] به آن پی نبردند پی بردم و به قدر مشت



از رد پای فرستاده [خدا جبرئیل] برداشتم و آن را در پیکر [گوساله]  
انداختم و نفس من برایم چنین فریبکاری کرد (طه ۹۵ و ۹۶)

بدان سامری کرد آنگه ندا      چسان فتنه ای بُد که کردی به پا

بگفتا که پی برده ام من عیان      به چیزی که از دیگران بُد نهان

بدیدم رد پائی از جبرئیل      ندیدند آن را بنی اسریل

از آن ردّ پا توشه ای ساختم      در آن پیکر سرد انداختم

به چشمم مزین شد این گونه کار      که این بود دستوری از نفس خوار

وقتی حضرت علی علیه السلام بصره را فتح کرد، مردم دور آن حضرت را گرفتند تا سخنان او را بشنوند، چشم حضرت در میان مردم به حسن بصری افتاد که چیزی را یادداشت می کرد. امام با صدای بلند او را مخاطب قرار داده و فرمودند: چه می کنی؟ عرض کرد سخنان شما را می نویسم تا برای دیگران بازگو نمایم. امام فرمودند: آگاه باشید که هر قوم و جمعیتی يك سامری دارد و تو ای حسن! سامری این امت هستی، تو از من آثار رسول خدا را می گیری و با هوای نفس و تفسیر به رأی خودت، مکتب تازه ای می سازی و مردم را به آن فرا می خوانی .

بر طبق تفاسیر المیزان، فرقان و نمونه، مراد سامری از فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ  
أَثَرِ الرَّسُولِ آن است که من مقداری از آثار موسی را فراگرفته و بر آن  
مؤمن شدم، سپس آن را رها کرده و گوساله را ساختم و قهراً جمله ای

بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا یعنی به طرحی برای انجام این کار پی بردم که دیگران از آن غافل بودند و این معنا با حدیث فوق مناسبتر است .

۱- برای برطرف کردن انحراف، ابتدا باید ریشه‌ی انحراف را بررسی کرد.  
۲- با منحرفان و مفسدان فرهنگی باید برخورد کرد فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ جامعه یهودی که از فشار مضاعف و سخت فرعون رهایی یافته بود نیازمند مدیریت و مهندسی فرهنگی بود. آنان به مدت چند سده در مصر زندگی کرده بودند و فرهنگ بت پرستی مصر بر ایشان تاثیرات شگرفی به جا گذاشته بود. از این رو، لازم بود تا این قوم از مصر خارج شود و در جایی دیگر آموزش و پرورش یابد و ملتی برگزیده و الهی شود .

حضرت موسی (علیه السلام) نیازمند برنامه ای کامل بود تا ملتی را بر اساس آن بسازد و تربیت کند، از این رو به کوه طور می رود تا برنامه جامع را از خداوند دریافت کند. در زمانی که آن حضرت (علیه السلام) در کوه طور بود، سامری از فقدان برنامه و رهبری استفاده می کند و به مهندسی فرهنگی می پردازد. هرچند که هارون نبی (علیه السلام) در زمان عدم حضور موسی (علیه السلام) به عنوان خلیفه حضور داشت، ولی از موقعیت اجتماعی هم چون حضرت موسی (علیه السلام) برخوردار نبود. همین مسئله موجب می شود تا سامری با توجه به ضعف نفوذ اجتماعی جانشین رهبری و فقدان برنامه رسمی فرهنگی و درخواست های مکرر مردم برای ارایه برنامه استفاده کند و با کنار زدن جانشین، مدیریت جامعه را در اختیار گیرد. از آن جایی

که قوم موسی (علیه السلام) خواهان برنامه جامع فرهنگی بودند، سامری از فقدان برنامه بهره برداری می کند و می کوشد تا با دروغی، نیاز حقیقی را به پاسخی دروغین برآورده سازد. البته این قوم بارها از موسی (علیه السلام) خدایی را خواسته بودند که قابل رویت باشد و بتوانند در برابر آن تعظیم کنند. خداوند در آیه ۱۳۸ اعراف گزارش می کند که قوم یهود همین که از سرزمین مصر بیرون آمدند، برای این که هویت مشخص و جامعه ای با هویت جداگانه داشته باشند، خواهان خدایی خاص برای خود می شوند.

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

به ساحل رساندی بنی اسریل

پس از آنکه پروردگار جلیل

که بر بت پرستی برآورده دست

دیدند يك ملت بت پرست

همانند بتها ز سنگ و جماد

به موسی بگفتند ای مرد راد

که ما هم پرستش کنیم آن خدا

خدائی مقرر نما بهر ما

ز درك حقایق همه غافلید

بفرمود موسی شما جاهلید

این درخواست بت به عنوان خدا، هرچند که برای هویت یابی مستقل ارایه می شود، ولی بیانگر این نکته است که هنوز فرهنگ بت پرستی و مصری در ایشان باقی و برقرار است. و خداوند یکتا و یگانه غیرمجسم را نمی پسندند.

## عوامل انحراف عبارتند از:

الف: رهبر گمراه. «وَجَدْتُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ»

ب: زرق و برق. «يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ»

ج: امکانات و رفاه. «أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»

د: شیطان و تزئین‌های او. «رَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ» بهترین وسیله‌ی انحراف

مردم، تزئین کارهای زشت آنهاست. «رَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ»



**ظهور بدعتها** از آن جایی که حکومت بر دلها به معنای حکومت بر شخص و شخصیت، بدون هزینه یا با کمترین هزینه است، هر کسی دوست دارد از این حکومت مطلق بهره مند شود. از این رو مثلی از زر و زور و تزویر پدید می آید تا کنترل فرهنگی و در نهایت کنترل جامعه را در اختیار گیرد.

اصحاب قدرت و دولت، در کنار ثروت اشراف برای کنترل و مدیریت جامعه نیازمند عالمانی هستند که بر دلها حکومت میکنند. این جاست که عالمان تزویر در جامعه شکل می گیرند که ظاهری آراسته و نیک دارند، ولی در باطن همراهان زر و زور هستند. این عالمان برای دست یابی به قدرت و ثروت، حاضر می شوند تا علم خویش را به بها عرضه دارند و این گونه است که بدعت در جوامع بشری شکل می گیرد.

**بدعت در دین** که به معنای ایجاد چیزی بی هیچ پیشینه و نوآوری است، آوردن اموری در دین است که برخلاف حکم خدا و پیامبر و آموزه های دینی است. این نوآوری ها برای این نیست تا مشکلات جامعه حل و فصل شود و راهکارهایی برای برون رفت جامعه ارایه گردد، بلکه از آن روست که دل اصحاب زر و زور به دست آید و توده ها مردم را به ظاهری پسندیده فریب دهند و در جهت منافع دولتمردان و ثروتمندان به کار گیرند.

لذا خداوند در آیات بسیاری عالمان بدعت گزار را تهدید می کند؛ زیرا این جماعت از نخبگان جامعه به سبب نفوذ بر دل های مردم، زمینه دگرگونی در دین و اهداف متعالی آن را سبب می شوند بقره ۷۹ و آل عمران ۷۵

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتُرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

کسانی که از پیش خود در کتاب نویسنند بس چیزها ناصواب

بگویند باشد ز یکتا خدا فروشند آن را به اندک بها

بر آنها بسی وای بادا ز حق از آنچه نویسنند بر این نسق

ز مالی کز این کار آید به کف چه حاصل بود عاقبت جز اسف

۱- دین سازی، جریانی خطرناک در طول تاریخ بوده است. يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ

۲- بدعت، دین سازی، دین فروشی و استحمار مردم، از خطراتی است

که از ناحیهی دانشمندان فاسد، جامعه را تهدید می کند هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

۳- مواظب قلم ها، کتاب ها، مقالات زهرآلود، تحریف گر و بدعت گزار

باشید و به هر عالمی اعتماد نکنید. يَكْتُبُونَ ... يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

۴- مردم به صورت فطری علاقمند به مذهب هستند، لذا بسیاری از

شیادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم تحویل می دهند.

۵- یکی از انگیزه های بدعت و افتراء رسیدن به دنیا است. ثَمَنًا قَلِيلًا

۶- از بدترین درآمدها، درآمد دین فروشی است. وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

۷- شدیدترین عذاب‌ها برای آنکه به تفکر و اعتقاد مردم خیانت کنند.  
 ۸- هر انحرافی که در طول تاریخ در اثر بدعتی بوجود آید، گناهِش به گردن بدعت‌گزار است. در بدعت‌ها همواره بخش‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرد که منافع طبقه یا قشری را تهدید می‌کند. از این رو بدعت‌ها زمینه را برای گسترش فساد و ستم فراهم می‌آورد و زمینه انباشت ثروت، خیانت در امانت، نقض تعهدات اجتماعی و مانند آن می‌شود و در نهایت جامعه و مردمان آن را از مسیر اصلی گمراه می‌سازد.

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ  
 افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ انعام ۱۴۰

زیانکار هستند آن قوم و کیش      که از جهل کشتند اطفال خویش

نبینند سودی از آنچه خدا      ز روزی بر آنها بکرده عطا

زدند افترا بر یگانه اله      بگشتند مغبون و گم گشته راه

خداوند ریشه بسیاری از بدعت‌هایی که از سوی عالمان گذشته شده را هواپرستی و کسب در آمد و ثروت می‌داند. سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ انعام ۱۴۸

بگشتند غرقه به کفر و شغب	کسانی که هستند مشرک به رب
همی کرد اراده به دور قضا	بگویند گر خود یگانه خدا
نگشتیم مشرک به یکتا اله	نه ما نه پدرهایمان هیچگاه
که بر ما بدادست یکتا خدا	نکردیم هرگز حرام آن غذا
رسل را نمودند تکذیب تام	که پیشینیان هم بدین قول خام
گرفتار گشته به قهر و عقاب	چشیدند تا اینکه طعم عذاب
ارائه نمایند آن را به من	بگو گر دلیلی است بر این سخن
رهی از اطاعت نگیرید پیش	شما جز ز اوهام و پندار خویش
نگوید غیر از دروغی و لاف	سخنهایتان هست جمله گزاف

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (انعام ۱۵۰)

بیارید بر هر حلال و حرام	بگو خود گواهان خود را تمام
تو هرگز بر آنها گواهی مده	کمان گواهی چو کردند زه
مبادا که دنبال ایشان روی	ز اهواء آنان مکن پیروی
نگشتند مؤمن به روز جزا	که کردند تکذیب آیات ما
گرایند سوی بتان بی سبب	بتابند رخ با لجاجت ز ربّ



- ۱- یکی از وظایف مبلغان دینی، برخورد با بدعت‌هاست. ... حَرَّمَ هَذَا...
- ۲- هر گواهی و شهادتی، اعتبار ندارد. فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ
- ۳- مواظب باشیم شرایط و جوّ اجتماع، ما را به اشتباه نیافکند فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ (تصدیق کردن و همگام شدن با گواهان ناحق حرام.)
- ۴- انسان‌های با ایمان نباید از سنّت‌های مشرکان تقلید کنند لَا تَتَّبِعْ... كَذَّبُوا

عالمان با سوءاستفاده از علم و نفوذ اجتماعی خود، مهندسی فرهنگی جامعه را به گونه ای سامان می دهند که نیازهای زودگذر دنیوی ایشان برآورده شود و اصحاب قدرت و ثروت خشنود شوند. از این رو حقایق را کتمان و آن را دگرگونه جلوه می دهند و باطل را حق می نمایانند و مردم را به گمراهی دعوت می کنند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ وَ يُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (نساء ۴۴) (و آل عمران ۷۱)

نبینی مگر حال اهل کتاب      که کم بهره ای یافتند از صواب  
 خریدار گمراهیند و ضرر      به دریای ظلمت شده غوطه ور  
 به دل دوست دارند با میل و خواست      شما هم بگردید گمراه ز راست  
 آنان برخلاف مسئولیت و وظیفه خود، به کتمان حقایق می پردازند و با  
 نوآوری ها و بدعت های نادرست در دین، مردم را به سوی گمراهی و

ضلالت و فساد رهنمون می سازند و آلت و ابزار دست قدرتمندان و ثروتمندان قرار می دهند. **وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (بقره ۴۲)

به باطل نسازید حق را نهان      که پنهان شود راستی پشت آن  
بلی خویش دانید این نکته راست      که حق و حقیقت همانا کراست

**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**

شما ای که هستید اهل کتاب آل عمران ۷۱ چرا می نمایید حق را خراب

هرآنچه که حقست را بی اساس      ز باطل بیوشانده برآن لباس

که با شبهه سازید حق را نهان      ولی خویش دانید حق باشد آن

- مشتبه کردن و کتمان حق، دو اهرم نیرومند دشمن برای ایجاد انحراف

در بین مؤمنان است. در دو آیهی قبل فرمود: **يُضِلُّونَكُمْ** ... در این آیه

**تَلْبِسُونَ، تَكْتُمُونَ**

- کتمان حق، حرام و اظهار آن واجب است. **تَكْتُمُونَ الْحَقَّ** ...

- کلمه **لَبَسَ** به معنای پوشاندن و **لَبَسَ** به معنای شک و تردید است.

امتیاز انسان، به شناخت اوست و کسانی که با ایجاد شک و وسوسه و

شیطنت، حق را می پوشانند و شناخت صحیح را از مردم می گیرند، در

حقیقت یگانه امتیاز انسان بودن را گرفته اند و این بزرگترین ظلم است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اگر باطل خالصانه مطرح شود، نگرانی نیست. (چون مردم آگاه می‌شوند و آن را ترك می‌کنند.) و اگر حق نیز خالصانه مطرح شود، زبان مخالف بسته می‌شود. لکن خطر آنجاست که حق و باطل، بهم آمیخته شده و از هر کدام بخشی چنان جلوه داده شود که زمینه‌ی تسلط شیطان بر هوادارانش فراهم شود.

۱- نه حق را با باطل مخلوط کنیم و آن را تغییر دهیم و نه باطل را در لباس حق مطرح سازیم. لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ، لا تَكْتُمُوا الْحَقَّ

۲ - تلبیس، مشتبه کردن و کتمان حق، دو اهرم نیرومند دشمن برای ایجاد انحراف در بین مؤمنان است.

۳- کتمان حق، حرام و اظهار آن واجب است. (تکتمون الحق...)

۴- وجدان و فطرت، بهترین گواه بر حق پوشی انسان است و أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ امام صادق علیه السلام درباره‌ی و انتم تعلمون: یعنی اهل کتاب به صفات ذکر شده برای پیامبر در تورات آگاهند، (ولی آن را کتمان می‌کنند) بسیاری از تحریف‌گران سامری صفت، با نام اسلام‌شناس، مستشرق، مورخ و جهانگرد، در کتاب‌ها و ثبت مکان‌ها و زمان‌های تاریخی تصرّف کردند و در دائرةالمعارف‌ها به عنوان محقق چنان سیمایی از اسلام ترسیم کردند که خواننده به فکر ایمان و تأمل در عقاید اسلامی نیفتد.

**فقدان رهبری و برنامه فرهنگی مشخص**، باعث می شود که سامری از علم و دانش خویش برای افزایش نفوذ اجتماعی بهره گیرد و به مهندسی فرهنگی قوم پردازد. این بدان معناست که اگر رهبران جامعه اقدام به مهندسی کامل و جامع فرهنگی نکنند و کار را با امروز و فردا کردن به تاخیر اندازند، دیگران به کنترل و مهندسی فرهنگی جامعه می پردازند و جامعه را به سمت و سوی اهداف خویش سوق می دهند.

این که خداوند در هنگام رفتن موسی (علیه السلام) به سوی کوه طور او را مورد مواخذه و بازخواست قرار می دهد و می فرماید: ای موسی! چه چیز موجب شد تو جلوتر از قومت به وعده گاه بشتابی. گفت: اینک آنها پشت سر من هستند و من به حضورت شتافتم (ای پروردگار من) تا خشنود شوی. فرمود: ما از پس تو قومت را امتحان کردیم و سامری آنها را گمراه کرد. **قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ۸۴**

**چنین داد موسی جواب سخن      بیایند قومم به دنبال من**

**از این روی تعجیل کردم به کار      که خشنود گردد ز من کردگار.**

**قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ۸۵**

**خدا گفت قوم ترا بعد تو      بکردیم خود آزمایش ز نو**

**یکی سامری گولشان زد به راه      در افکندشان در صراط تباه**

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا  
حَسَنًا أَ قَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ  
فَأَخَلَفْتُمْ مَوْعِدِي ۚ ۸۶

چو موسی بر آن طایفه بازگشت      غضبناك بر سوی آنان گذشت  
بگفتا مگر کردگار ای عباد      شما را بسی قول احسان نداد  
مگر مهلت قول آمد طویل      به چشم شما ای بنی اسریل  
که این سان شکستید پیمان من      که نهاده اید ارج بر آن سخن  
بخواهید آیا که قهر خدا      گریبانتان را بگیرد سزا

(طه ۸۴ تا ۸۶) اگر حضرت موسی (علیه السلام) درنگ می کرد و پیش از موعد به  
میقات نمی رفت بلکه با قوم خویش به میعاد و میقات می رفت، شاید  
شرایط برای تاثیرگذاری سامری و مهندسی فرهنگی و کنترل جامعه به  
دست نمی آمد. این در حالی است که عجله حضرت موسی (علیه السلام)  
موجب شد تا سامری بتواند به اهداف شوم خویش برسد و نفوذ  
اجتماعی خود را برای مهندسی فرهنگی و تغییر رهبری به کار گیرد. وَ لَمَّا  
رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي  
أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاخَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ  
إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءُ وَ لَا  
تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (اعراف ۱۵۰)

چونکه موسی به قوم باز آمد  
 خشمگین و غمین بگفت چه بد  
 جانشین بدی شدید مرا  
 سبقت آورده بر کلام خدا  
 لوحها را فکند و پیش کشید  
 سر هارون [چو کار قوم بدید]  
 گفت هارون که یا بن ام موسی  
 قوم بیچاره کرده است مرا  
 بود نزدیک تا کشند مرا  
 نپسندم ملامت اعدا  
 تو مدان ای نبی من مضطر  
 همره فرقه ستم گستر

و اما پس از مخالفت‌هایی که با حضرت علی علیه السلام صورت گرفت، روزی آن حضرت خطاب به مردم فرمود: سیره و الگوی من انبیا هستند ... اَمَا الْكُوفِيُّ مِنْ اَزْ بَرَادِرِمِ هَارُونَ اِیْنِ اِسْتِ اَكَّةِ هَارُونَ بَهْ بَرَادِرِشْ فَرَمُود: اِبْنُ اُمِّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِیْ وَ كَادُوْا یَقْتُلُوْنِیْ، حال اگر بگویند او را به استضعاف نکشیدند و خوار نکردند و برای قتل او هیچ اقدامی نکردند، منکر قرآن شده‌اید و اگر همان باشد و شما آن را پذیرفتید، پس هارون معذور بوده و سکوتش لازم بوده است. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن حضرت فرمودند: یا علی ... فَاِنَّكَ مَنِّیْ بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ لَكَ بِهَارُونَ اِسْوَةٌ اِذْ اسْتَضَعَّفَهُ قَوْمُهُ وَ كَادُوْا یَقْتُلُوْنَهُ. پس تو نیز در برابر دشمنی قریش صبر پیشه کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حضرت موسی برای نشان دادن نهایت ناراحتی خود، هنگامی که به میان مردم رسید، آن رفتار توبیخ آمیز را با هارون نمود و گرنه خدا به موسی در طور گوساله‌پرستی قومش را خبر داده بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: هارون با آن همه اذیت و آزاری که از قومش دید، باز در میان آنان ماند، زیرا اگر آنان را ترك می کرد و به سوی موسی می رفت، قطعاً عذاب الهی بر آنان نازل می شد.

۱- در برابر انحراف های فکری، باید غیرت دینی نشان داد. غَضَبَانَ أَسِفًا (برخورد امام خمینی "ره" با توطئه های آیات شیطانی سلمان رشدی مرتد)

۲- حتی غضب اولیای خدا، از روی تأسّف بر حال مردم است.

۳- از آفات هر انقلاب و حرکت اصلاحی، ارتداد و ارتجاع می باشد. بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي (پس رهبر باید آن را پیش بینی کرده و پیشگیری کند).

۴- در جامعه ی فاسد و منحرف، گاهی تلاش انبیا هم بی نتیجه می ماند.

۵- نباید بر امر و فرمان الهی پیشی گرفت. أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

۶- تأخیر موسی و تمديد مدّت حضور در کوه طور، فرمان الهی بود، نه

خواستِ موسی و البته جنبه ی تربیتی داشت. أَمْرَ رَبِّكُمْ

۷- هرگاه اصول در خطر افتد، فروع را باید رها کرد. أَلْقَى الْأَلْوَاخَ هَنَگَامِي

که موسی دید مردم مشرك شده و دست از اصل خدا پرستی برداشته اند،

الواح تورات را که يك سری دستورات و قوانین الهی بود، به کناری گذارد

و پیگیر اصل مهم تر شد .

۸- برای ایجاد شوک در جامعه منحرف، باید حرکت توبیخی چشمگیر و

به یاد ماندنی کرد. نهج البلاغه می خوانیم: حضرت علی علیه السلام برای ایجاد

تحرك در شنوندگان بی تفاوت، گاهی سیلی به صورت مبارك خود می زد.

أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ گاهی توبیخ به موقع نزدیکان و در میان جمع، برای نشان دادن اهمیتِ مطلب و هشدار و زهر چشم گرفتن از بیگانگان است. چنانکه خدا پیامبرش را خطاب قرار داده لَيْسَ أَشْرَكَتَ لِيْخَبَطَنَّ عَمَلَكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ در حالی که هدف، هشدار به دیگران است .

۹- در برابر فرد عصبانی باید برخوردی عاطفی داشت ابْنُ أُمِّ (با هارون علیه السلام از يك پدر و مادر بودند، اما هارون، موسی را فرزند مادر خطاب کرد).  
۱۰- مستضعفان دیروز که به دست موسی از فرعون نجات یافتند، امروز عاملِ استضعاف رهبران خود شده‌اند. اسْتَضْعَفُونِي

۱۱- سقوط اخلاقی انسان تا آنجاست که به خاطر هوا و هوس و گوساله پرستی، ولی نعمت خود را تهدید به قتل می کند. وَ كَادُوا يَفْتُلُونَنِي

۱۲- سکوت و بی تفاوتی نسبت به ظلم و انحراف، انسان را هم سنگ ظالم قرار می دهد. لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ هارون سکوت را ظلم می دانست، فرمود سکوت نکردم، بلکه مرا مجبور به سکوت و تهدید به قتل کردند. بنابراین، اگر رهبران جامعه ای، برنامه فرهنگی نداشته و به درستی فرهنگ جامعه را مهندسی نکنند، دیگران برای دست یابی به اهداف خاص گام به جلو می گذارند و مدیریت فرهنگی و در نهایت کنترل جامعه و رهبری آن را در دست می گیرند؛ زیرا هیچ شکی نیست که قدرت و مدیریت جامعه در دست کسی است که مدیریت فرهنگی را در اختیار دارد.



در جهان امروز، رسانه ها، همان نقش گوساله زرین سامری را بازی می کنند که دارای قدرت مسحورکنندگی هستند. از گوساله سامری صدایی بر می آمد که مردم را شگفت زده و به خود جلب و جذب می کرد. **وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ** اعراف ۴۸

پس از آن ز سوی خدا لوط پاک      پیمبر بگردید در روی خاک

به قومش بفرمود آیا شما      ندارید شرمی ز یکتا خدا؟

نمایید اعمال زشت از هوس      که ناکرده زین پیشتر هیچ کس

**إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ** بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۸۱

کنار زنان را بگردید طرد      برانید شهوت به بالین مرد

همانا که باشید بس نابکار      بیاورده رو بر فساد آشکار

حضرت لوط، فامیل حضرت ابراهیم و تنها مردی بود که به او ایمان آورد و با او هجرت کرد **فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ** حضرت ابراهیم او را به منطقه‌ای که در آن گناه و فحشا رواج داشت فرستاد. لذا بخش مهم کار حضرت لوط، مبارزه با فحشا و منکرات جنسی بود، که بیشترین مشکل جامعه بود. قوم حضرت لوط، با مهمانان خود عمل زشت لواط را انجام می دادند تا مردم از مهمان شدن بترسند. به گفته‌ی قرآن، حضرت لوط علیه السلام ازدواج با دختران خود را به آنان پیشنهاد کرد؛ اما آنان نپذیرفتند. ازدواج، دارای خصوصیات و آثاری است که در لواط و زنا وجود ندارد، از جمله :

۱. مودّت و رحمت و انس. ۲. تشکیل نظام خانواده.

۳. فرزند و بقای نسل. ۴. همخوانی با فطرت و انسانیت

متأسفانه امروزه نیز دنیای غرب، (برای ایجاد جاذبه و...) عمل زشت همجنس‌بازی را رسمی و در بعضی کشورها به آن جنبه‌ی قانونی داده است. قوم لوط، علاوه بر لواط، اهل قمار، هرزه‌گویی، توهین، مزاحمت برای عابرین و کشف عورت در انظار عمومی بودند.

امام صادق علیه السلام در فلسفه‌ی تحریم لواط فرمودند: لواط، علاقه‌ی خانوادگی میان زن و شوهر را کم، نسل و فرزند را منقطع و آمیزش جنسی طبیعی را از بین می‌برد و فسادهای بسیار زیادی را بدنبال دارد. در اسلام، کیفر همجنس‌بازی و لواط (چه فاعل چه مفعول)، اعدام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لعنت خدا بر مردانی که خود را مانند زنان ساخته و در معرض مردان هوسباز قرار می‌دهند.

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ..... طه ۸۷

بگفتند هرچند ما رسته ایم ولی عهد را خویش نشکسته ایم

به ما گفت این کافر سامری که می‌کرد با لفظ خود ساحری

زری را که چون بار، پشت شماست در آتش گذارید کاری سزااست

خودش نیز افکند در بطن نار طلاهای خود را برون از شمار

گفتند ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم ولی از زینت آلات قوم بارهائی سنگین بر دوش داشتیم و آنها را افکندیم و [خود] سامری [هم زینت آلاتش را] همین گونه بینداخت پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد و [او و پیروانش] گفتند این خدای شما و خدای موسی است و [پیمان خدا را] فراموش کرد مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زیانی ندارد... طه ۸۷ تا ۹۶

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ۹۵ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ۹۶

بدان سامری کرد آنکه ندا چسان فتنه ای بُد که کردی به پا

بگفتا که پی برده ام من عیان به چیزی که از دیگران بُد نمان

دیدم رد پائی از جبرئیل ندیدند آن را بنی اسریل

از آن ردّ پا توشه ای ساختم در آن پیکر سرد انداختم

به چشمم مزین شد این گونه کار که این بود دستوری از نفس خوار

گناهکاران برای فرار از مجازات، به بهانه‌هایی چون اجبار و اکراه و فشار

خارجی پناه می‌برند. مال حرام، خرج کار حرام می‌شود. مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ (زیور

آلاتی که فرعونیان از راه ظلم بدست آورده بودند و به ارث به بنی اسرائیل

رسیده بود، سرانجام خرج ساخت بت و گوساله شد) چه بسا جلوه‌ها،

زیورها و اموال دنیا که برای انسان وزر و وبال است. أَوْزَاراً

## هالیوودِ سامری، هجوم به خانواده و دین

**الف، خانواده :** در شروع قرن بیستم میلادی صنعت سینمای هالیوود شکل گرفت و به مرور استودیوها شروع به کار کردند که این امر به شدت سینمای جهان را تحت تاثیر خود قرار داد چون نه تنها ایالات متحده بازار فیلم خانگی خود را داشت بلکه این سینما، کشورهای دیگر را نیز با محصولات خود تغذیه میکرد، همین مسئله باعث شد تا فیلمسازان آمریکایی نسبت به ساخت فیلمهایی در رابطه با خانواده خیلی حساس شوند. البته هالیوود در کنار مضامین بشری و خانوادگی، بسته به افکار به خصوص مدیران استودیوها و کمپانیهای بزرگ خانوادگی، به دیگر موضوعات نیز علاقه نشان میداد.

ادیسون، مخترع برق و موسس اولین استودیوی فیلمسازی جهان: من درباره استفاده از سینما رویاهای درخشان بسیاری داشتم و میخواستم بدانم که آیا میشود از طریق سینما هر آنچه را که لازم است جهانیان بدانند به آنها آموزش داد؟ یک یادگیری درخشان و هدایت شده. ولی زمانی که سینما تبدیل به ابزار سرگرمی و تبلیغاتی شد من به این بازی پایان دادم چون رویاهای من در این زمینه به حقیقت نپیوست.

فیلمهای هالیوودی در اواسط قرن بیستم پر از صحنه هایی در ارتباط با سبک زندگی خانواده بود ولی همه آنها در یک مورد مشترک بودند و آن این بود که همه این فیلمها تصویرگر درگیری های موجود میان اعضاء

خانواده بودند؛ سپس نقش سنتی زن و مرد در چهارچوب خانواده به شدت دستخوش تغییر شد، زنان در خارج از خانه مشغول به کار شدند و اقتدار اقتصادیشان افزایش یافت.

گسترش افکار فمینیستی، قانونی شدن ازدواج همجنس بازها در برخی کشورهای غربی همگی از جمله عوامل مهمی بود که مفهوم کلی خانواده در این کشورها را تغییر داد. بسیاری از افراطگراها بر این عقیده بودند که خانواده نهادی است که در آنجا حقوق فردی بالاخص حقوق زنان به عنوان مادر و همسر مورد تجاوز قرار میگیرد.

این طرز فکرها، سینمای غرب را نیز به شدت تحت تاثیر قرارداد، آنچنان که فیلمسازان این سینما آثار زیادی در چهارچوب چنین نوع تفکری ساختند که همگی زنان را به سمتی ترغیب میکرد که خود را از این همه بی عدالتی نجات دهند و برای رسیدن به حقوق مساوی در کنار مردان و یا حتی بیش از آن از هیچ تلاشی فرونگذارند، حتی نادیده گرفتن احساسات مادرانه شان.

نتیجه چنین دیدگاه غیرمسئولانه ای بنیان خانواده را بیش از پیش تضعیف کرده و باعث ترویج طلاق، خشونت و بی قیدی در مسائل اخلاقی و جنسی شده است. در میان افراد جامعه بیشتر از همه؛ نوجوانان، افراد افسرده، بزرگسالان روان پریش و ناسالم به آسانی تحت تاثیر روایت هالیوود از زندگی میشوند. این گونه فیلمها مردم را در برابر

برهنگی، اعمال غیراخلاقی، خشونت، خونریزی، قتل و مرگ واکسینه میکند. آنها نمیدانند که مصرف مواد، قتل و خونریزی، جنایت و در نهایت مرگ شاید در فیلمهای هالیوودی با فرصتی دوباره همراه باشد ولی احتمالاً پرده آخر زندگی واقعی خواهد بود.

### **ب، هجمه سامری بر رسانه های دینی**

سالها است که محتواها و پیامهایی از طرف خودی و غیر خودی عرضه میگردند که نتیجه آن جدایی و حتی تضاد با باورهای دینی و بعضاً ایرانی است. رسانه ی سامری برای دستیابی به هدف شوم خود با استفاده از دروغ، تحریف حقایق، پخش منکرات و شایعات، خرافات و .... دین را نشانه رفته است و رسانه های وطنی هم گوی سبقت را از دشمنان خارجی در پیش گرفته و با اهداف بیگانگان همسان شده اند. برای مبارزه با این جنگ نرم و مقابله با اهداف شوم آنها می فرماید: باید از میان شما طایفه ای باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نماید (آل عمران ۱۰۴)

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

ز بین شما مردم اهل دین	کسانی که هستند داناترین
سزد مردمان را همی بر صلاح	نمایند دعوت به خیر و فلاح
کنند امر بر کار نیک و دگر	بدارند از کار بد بر حذر

## نقش رسانه‌ها، بی‌ثباتی و شایعات دروغ و خبرهای نادرست

رسانه‌ها در طول تاریخ نقش بسیار مهمی را در زندگی بشر ایفا کرده‌اند. رسانه همواره مانند ابزاری با دو کارکرد مثبت و منفی مورد استفاده قرار گرفته است.

**کارکردهای متضاد رسانه** امروزه ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای از چنان تنوع، تعدد و شمولیتی برخوردار است که در هیچ دوره تاریخ بشری این‌گونه نبوده است. به هر میزان که ابزارهای ارتباطی تعدد و تنوع یافته و شمول و فراگیری آن بیشتر شده، درصد خطا و اشتباه یا دروغ به همان میزان نیز افزایش یافته است. در گذشته خبر خطا و دروغ، یک جامعه کوچک را دچار تشویش و اضطراب می‌کرد، ولی امروزه دامنه آن بسیار فراتر از شهر و کشور شده به همه مناطق جهان گسترش یافته است. یک خبر دروغ درباره ترور رئیس‌جمهوری در یک کشور، می‌تواند اضطراب را در جامعه جهانی به وجود آورد و بازارهای مالی و اقتصادی را متلاطم کند.

فن‌آوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای روز، چنان پیشرفته است که می‌تواند حقایق را تغییر دهد و یک منطقه آرام را در تصاویر ماهواره‌ای که به همه جهان ارسال می‌شود، به شکل منطقه ناآرام، گرفتار خشونت، کشتار و نابودی نشان دهد و یا برعکس، منطقه‌ای ناآرام را به منطقه آرام به تصویر می‌کشد. رسانه‌ها می‌توانند کشوری را به آشوب بکشانند و

موجبات خشم عمومی، غارت و کشت و کشتار را فراهم آورند؛ چنانکه همین رسانه‌ها می‌توانند کشوری ناآرام را به آرامی برسانند و امنیت و ثبات را به آن برگردانند.

**شایعات بی‌اساس و اراجیف خبری** یکی از اصطلاحات قرآنی درباره شایعات و اخبار بی‌اساس در جامعه، اصطلاح اراجیف است. خداوند بصراحت در آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب می‌فرماید: **لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ، مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَ قُتِلُوا نَفْتِيلًا . سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**

کنون گر منافق کسان دورو	۶۰	بد اندیش مردان بیمار خو
کسانی که اندر مدینه مدام		به هرگونه نیرنگ و تدبیر و دام
قلوب همه مؤمنان به رب		هراسان نمودند هر روز و شب
اگر خود نشویند زین کار دست		نگردند با مؤمنان هم نشست
بر انگیزدت حق، برای جدال		درآئی تو با این کسان در قتال
مسلط بگردی بر اموال و جان		به فرمان و دستور رب جهان
وز آن پس کنار تو، قوم ذلیل		نمانند جز روزگاری قلیل
که هستند این مردمان پلید	۶۱	ز درگاه حق رانندگان بعید



هر آنجا که گشتند پیدا و یافت      ببايست بر قتل ایشان شتافت

که این سنتی هست از کردگار ۶۲      که در هر زمانی بود برقرار

بدانید هان سنت ذوالجلال      دگرگون نگردد ز حالی به حال

**اراجیف رسانه ای :** خبرهای موحش، بیهودگان و سخنهاي دروغ و بی‌اصل، به خبرهای نادرست و شایعات دروغ و بی‌اساس، اراجیف می‌گویند؛ چون موجب اضطراب و تزلزل در افراد جامعه و شنوندگان خبر می‌شود و آنان را به تشویش انداخته و به سمت و سوی تحرکات بی‌جا و حرکت‌های برخاسته از هیجان که بیرون از عقل و حقیقت است می‌کشاند. در آیه ۶۰ احزاب از دو گروه خطرناک در جامعه یاد کرده است. گروه نخست همان **منافقان** هستند که به اسلام اعتقاد و ایمان قلبی ندارند ولی به زبان و در ظاهر ادعای مسلمانی می‌کنند و این‌گونه خود را در میان مسلمانان مخفی کرده و برای منافع و اعتقادات خود برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند.

گروه دوم، **مرجفون** یا خبرسازان دروغین و شایعه پراکنان هستند که با ایجاد شایعات و خبرهای دروغ و نادرست و بی‌اساس، جوّ امنیتی جامعه را به هم می‌ریزند و با جنگ روانی، جامعه و نظام اسلامی را تهدید می‌کنند. **مرجفون** از نظر قرآن یک گروه سازمان یافته همچون منافقان هستند. همان‌طوری که منافقان به عنوان یک جریان اجتماعی و ستون پنجم

دشمن عمل می‌کنند و از درون جامعه اسلامی به آن ضربه می‌زنند، مرجفون نیز می‌توانند افزون بر منافقان شامل گروه‌های مسلمانی باشند که خواسته و یاناخواسته در این حرکت و جریان مشارکت می‌کنند. بر اساس همین آیات کسانی هستند که به جبهه جهاد نمی‌روند و در سنگرهای جهادی مشارکت نمی‌کنند، بلکه در شهر باقی مانده و با شایعه سازی و شایعه پراکنی به تقویت دشمن و تضعیف روحیه امت می‌پردازند. آنان در شایعات خویش، توان نظامی و جنگی دشمنان را بیش از آنچه هست به تصویر می‌کشند و دل‌های آنان توده‌های مردم را می‌لرزانند. آنان نه تنه‌به‌بزرگ‌نمایی از توان دشمن می‌پردازند بلکه با کوچک‌نمایی از توان امت اسلام واقعیت را دگرگونه جلوه می‌دهند و روحیه مومنان و توده‌های مردم پشت جبهه را تضعیف می‌نمایند و زمینه پیروزی دشمن و شکست مومنان را فراهم می‌آورند.

### توضیح آیات احکام شرعی ارجاف و حکم مرجفون

**۱. اتمام حجت و تهدید:** نخستین گامی که علیه دو گروه منافقان و مرجفون مطرح شده است، اتمام حجت است. در حقیقت، از آنجایی که در اسلام، اصل، هدایت مردم است و هرگز پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امت اقدام به کیفر و تنبیه نمی‌کنند. مگر آنکه اتمام حجت صورت گیرد، در اینجا نیز نسبت به مرجفان و خبرسازان لרزه‌افکن و شایعه‌سازان و شایعه

پراکنان، اتمام حجت صورت می‌گیرد و به دلیل آن که جامعه اسلامی همواره بزرگ‌ترین ضربه‌ها را از شایعه سازان خورده است، خداوند آنان را به شدت تهدید می‌کند که آماده مجازات دنیوی و اخروی باشند .

**۲. تسلط همه جانبه و قلع و قمع مرجفون :** لَنْغْرِیَنَّكَ کنایه از تسلط

همه جانبه، یعنی که رهبری با توطئه‌کنندگانی که با جنگ سرد و شایعه‌سازی، ایجاد دلهره می‌کنند برخورد کرده و آنها را قلع و قمع می‌کند.

**۳. طرد اجتماعی و تبعید:** خداوند در جمله آخر آیه می‌فرماید: لَنْغْرِیَنَّكَ

بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ. این جمله را می‌توان به دو گونه معنا کرد :

**الف:** چنان تو را بر آنان می‌شورانیم که همگی قلع و قمع شوند و جز مدت کمی نتوانند در کنار بمانند .

**ب:** چنان آنان را تار و مار می‌کنیم که جز تعداد کمی از آنان در مجاورت

تو باقی نمانند. به هر حال، قلع و قمع مرجفون به عنوان یک جریان سامان یافته از وظایف رهبری و امت است که به امداد و حکم الهی انجام می‌گیرد .

بنابراین، جریان‌ها و رسانه‌هایی که شایعه‌پراکنی می‌کنند باید سرکوب و

قلع و قمع شوند تا به شکل یک جریان و تشکیلات عمل نکنند و جامعه را به سوی فتنه سوق ندهند. این کار می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که

اشخاص این جریان از جامعه طرد شوند و در مناصب مختلف اجتماعی

نقشی نداشته باشند. کنار گذاری آنان از دایره نقش‌های اجتماعی و

مناصب دولتی و اجتماعی از شیوه‌هایی است که در این آیه به آن توجه

داده شده است. این عمل می‌تواند با تبعید این افراد به جاهای مختلف انجام گیرد تا دیگر نتوانند سامان یافته عمل کنند و ارتباط‌گیری داشته باشند. پس یک مفهوم از عدم مجاورت می‌تواند به معنای طرد از مناصب دولتی و اجتماعی باشد به یک معنای دیگر همان تبعید است که دیگر مجاور و همسایه پیامبر صلی الله علیه و آله نباشند و در مرکز حکومت حضور نداشته باشند که بتوانند تهدیدی به شمار آیند .

از آنجایی که امروزه ارتباط‌گیری ساده‌تر و از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد، گاهی بستن این رسانه‌ها و یا محدودسازی آنها برای عدم امکان ارتباط‌گیری باید در دستور کار قرار گیرد نه آنکه ابزارهای ارتباطی برای مرجفان فراهم آید و زمینه فتنه و شایعه‌سازی و تزلزل روحی و روانی جامعه و افراد آن در اختیار مرجفون قرار گیرد. این نوع برخوردها از سوی رهبری و امت بر اساس انتقام شخصی یا هوس بازی نیست، بلکه به عنوان حکم الهی و سنت و فرمان خداوندی است.

**۴. ایجاد ترس در مرجفان:** رهبری و دولت اسلامی و امت مسلمان باید با مرجفان به گونه‌ای برخورد کنند تا آنان و دیگران به دنبال فتنه و آشوب نباشند و باید اقداماتی انجام داد که مرجفان از هرگونه شورش و فتنه‌گری و شایعه‌سازی دست بردارند. پس ترس از اقدام انقلابی مسلمین باید در آنان ایجاد شود.

**۵. ایجاد امنیت جامعه در برابر مرجفان:** از نظر اسلام بلکه عقل و فطرت انسانی، امنیت و آرامش بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا اساس سعادت مردم و جامعه از جمله اهداف برپایی جامعه و دولت می باشد. بنابراین، باید علیه هر عاملی که موجب اختلاف در امنیت جامعه می شود، مبارزه و مقابله کرد. پس خداوند در همین آیات بیان می کند که امنیت جامعه یک سنت الهی است که خداوند حافظ این سنت است و مقابله با اخلاطگران امنیت نیز یک واجب شرعی و سنت و قانون الهی است: **وَقَتُّلُوا تَقْتِيلًا سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ**

**۶. مهدور الدم بودن مرجفان:** خداوند در آیه ۶۱ سوره احزاب خداوند می فرماید که هرگاه به این مرجفان دست یافتید آنان را بکشید. در حقیقت حکم قضایی مرجفان مهدور الدم بودن است. البته بعضی مفسران تمام این سخت گیری ها را در مورد اذیت کننده مومن که در آیات قبل بود، می دانند، ولی به نظر می رسد این همه تهدید و اعلام مهدور الدم بودن برای کسانی است که قصد اخلاط در امنیت جامعه و شکست نظام را دارند، نه مزاحمان ناموس مردم. (تفسیر نور، قرائتی، ذیل آیه)

پس باید گفت که سعه صدر و تساهل و تسامح در برابر مرجفان اندازه ای دارد و اگر اتمام حجت تاثیری نداشت و دوباره به اعمال خود ادامه دادند، می بایست به حکم قضایی دستگیر و مجازات شوند. از آنجایی که **مفسد فی الارض** تلقی می شوند حکم آنان قتل است.

مرجفان به سبب آنکه امنیت مردم را به هم می‌زنند، دیگر امنیت جانی ندارند و مهدور الدم هستند (أُخِذُوا و قُتِلُوا)

**۷. لعن مرجفان:** امت اسلام باید مرجفان را لعن کنند و آنان را از جامعه طرد کرده و از خود دور سازند. اینکه خداوند می‌فرماید اینان ملعون (طرد شده) هستند، به این معناست که امت نیز باید آنان را طرد کنند و اجازه ندهند هیچ‌گونه ارتباطی با جامعه اسلامی داشته باشند. پس شعار مرگ بر مرجفان و خبرسازان شایعه پراکن یکی از شعارهای قرآنی است.

**۸. عدم تاثیر مرور زمان نسبت به مرجفان:** اجرای حکم خدا در مورد فتنه‌انگیزان حق ستیز، به زمان و مکان و مرز محدود نیست: و شامل مرور زمان نمی‌شود: اینما ثقفوا اخذوا.

**۹. عدم امنیت قضایی برای مرجفان:** برای فتنه‌انگیزان و اخلاص‌گران امنیت جامعه، هیچ جایی نباید محل امن باشد. بنابراین، فرار فتنه‌انگیزان حتی به خارج از کشور، نباید مانع برخورد با آنان شود. همچنین در دستگیری مرجفان، همه مردم باید بسیج شوند: اینما ثقفوا اخذوا.

**۱۰. شدت و ذلت برای مرجفان:** از آنجایی که دشمنان در جنگ نرم همانند دشمنان در جنگ سرد باید کشته و مجازات شوند، خداوند حکم مرجفان را قتل قرار داده است؛ اما از آنجایی که نقش جنگ روانی و جنگ مرجفان بسیار زیانبارتر و خطرناکتر از حمله نظامی است و گاه مشروعیت و فلسفه نظام اسلامی را تهدید و پایه ثبات آن را سست می‌کند، خداوند

سخت‌گیری و شدت عمل را نسبت به آنان فرمان می‌دهد و می‌فرماید که مرجفان باید به شدت و با ذلت مجازات شوند و به بدترین شیوه به قتل برسند: **قتلوا تقتیلاً.**

**۱۱. حکم قطعی و سنت الهی:** از نظر قرآن مقابله با مرجفان و جهاد علیه

فتنه‌گران، یک سنت الهی در همه ادیان بوده است و اختصاصی به اسلام ندارد. از همین رو آن را به عنوان یک سنت الهی مطرح می‌کند **سنه الله**

**۱۲. عدم تغییر حکم:** قانون اعدام فتنه‌انگیزان و اخلال‌گران، تبدیل‌ناپذیر

است. از همین رو خداوند می‌فرماید: **وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا** و هرگز

در سنت الهی تبدیلی نیست. سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به مفهوم راه و

رسم و روشی است که آن حضرت به فرمان خدا آن را به کار می‌گرفته و

همواره براساس آن عمل کرده است؛ چرا که با شیوه‌ای که یکی دو بار

انجام گیرد، سنت گفته نمی‌شود، بلکه سنت به آن شیوه‌ای گفته می‌شود

که همواره جریان دارد. با این بیان منظور آیه این است که :

خدا مقرر فرمود تا در برخورد با کسانی که با نفاق‌گرایی و اراجیف‌خبری و ایجاد

تزلزل و نگرانی در جامعه، به حقوق و امنیت مردم تجاوز می‌کنند، پس از

روشنگری و هشدار سخت به آنان، اگر از کارشان دست برنداشتند و بر

تجاوزکاری‌شان پافشاری کردند، به این سبک رفتار گردد و آنان را به شدت و

سختی و خواری و مذلت مجازات کرده و به قتل برسانند.

**( حالا خود قضاوت کنید رافت و گذشت نظام را نسبت به رسانه ها و روزنامه**

**های مغرض و سامری وطنی )**

## آداب روزنامه نگاری در مفاهیم دینی

### تأکید بر اموری چون

۱. جدال به احسن و پرهیز از جدال به باطل در هنگام تهیه خبر
۲. انتخاب بهترین شیوه نگارش و محتوای مناسب
۳. پذیرش نصیحت و تأکید بر اندرزگویی و نصیحت مردم به خیر و نیکی و عفو و دیگر فضایل اخلاقی
۴. سخن حکیمانه و پرسشهای خردمندانه در هنگام تهیه و تدوین خبر  
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ  
أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر ۱۸)

کسانی که چون حرف حق بشنوند      نکوکار گردند و صالح شوند

همین بندگانند تا کردگار      هدایت بفرمودشان آشکار

به تعداد هرچند ایشان کمند      خردمند مردان این عالمند

امام خمینی (ره) مطالب بسیاری را در اصول و سیاست های روزنامه

نگاری و اخلاق آن بیان داشته است که همگی آنان مبتنی بر آموزه های  
وحيانی اسلام است.

**۱- امانت داری:** اصل امانت داری از اصول مهم در عرصه رسانه ها و

اطلاع رسانی است. امانت داری از احکام عقل عملی است و همه انسان

ها آن را به عنوان یک اصل اخلاقی پذیرفته و قبول دارند.



خداوند از مؤمنان می خواهد تا در همه امور اصل امانت داری را رعایت کنند. **وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ** (مؤمنون ۸) و (معارج ۳۲)

**به پیمان و عهد و امانات خویش گرفتند راه وفا را به پیش**

این امانت می توان حقیقت یا واقعیتی باشد که در اختیار انسان قرار می گیرد نعمت های خداوند و چگونه استفاده کردن آن و ..... (نساء ۵۸)  
**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً**

**چنین داده دستور یکتا خدا امانت اگر هست نزد شما**

**ببایست بر صاحبش پس دهید به وجهی نکو پیش رویش نهید**

**چو در بین مردم برانید حکم به انصاف و با عدل خوانید حکم**

**خداوندتان می دهد نیک پند مگر بهرتان اوفتد سودمند**

**خداوند باشد سمیع و بصیر بدانند همه رازهای ضمیر**

هرگونه خیانت در امانت کاری خلاف اصول اخلاقی است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**

**الا مؤمنان با رسول و خدا انفال ۲۷ خیانت نورزید هرگز شما**

**میان امانت، خیانت خطاست بدانید، پرهیز از آن سزاست**

از جمله این خیانت‌ها می‌تواند شهادت دروغ و کتمان حقیقت یا واقعیتی باشد که در اختیار آدمی است و شخص با سکوت و عدم بیان آن، در آن امانت خیانت می‌کند. عدم ذکر منابع خبری نیز از مصادیق خیانت در امانت است. **فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِيَ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ**

به آنکه امین است نزد شما بقره ۲۸۳ امانت سپارید مال و بها

بترسید از خشم پروردگار خیانت نوزید هرگز به کار

نگرید خائن چو گشتید امین شهادت نسازید کتمان چنین

که هرکس شهادت نماید نهان گنهکار باشد به دل بی گمان

ز هر کار آگه بود کردگار چه پنهان بود کار یا آشکار

**۲- صداقت و راستگویی:** اصل راستی و صداقت از دیگر اصول اخلاقی است که می‌بایست در کار روزنامه نگاری و خبرنگاری مورد توجه قرار گیرد. اسلام دروغ را از مصادیق گناهان کبیره دانسته و آن را کلید همه گناهان برمی‌شمارد. صداقت موجب افزایش اعتماد عمومی به رسانه و توجه بیشتر بدان می‌شود. خداوند از مؤمنان می‌خواهد که همواره و در همه حال با صادقین و راستگویان باشند. اگر خبر و مطلبی است که احتمال صدق و کذب در آن می‌رود، خبرنگار مسلمان جز به صدق خبری را نمی‌گوید و همواره با صداقت و راستی با خبری مواجه می‌شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه ۱۱۹ آل عمران ۷۱

الا مؤمنان به پروردگار

که دارید ایمان به روز شمار

بترسید از کردگار مهین

بگردید با صادقان همنشین

**۳- استقلال:** رسانه می بایست از هرگونه وابستگی به گروه ها و جناح ها و احزاب برکنار باشد؛ زیرا وابستگی فکری و مالی موجب می شود تا منفعت گرایانه و طرفدارانه اخبار را تحریف و کتمان کند و یا تغییر دهد و یا از صدور اخباری جلوگیری کند و توانایی روشنگری رسانه خود را کاهش دهد و این گونه ضربات خطرناکی به خود و آرمان مردم وارد سازد. هرگروه و جناحی افکار و رفتارهای خاصی دارد که گرایش به آنها موجب می شود تا رسانه نتواند حقایق و واقع را چنان که هست ببیند و یا تحلیل و یا گزارش کند. **وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ** (بقره ۵۳) و (روم ۳۲)

زمانی که از لطف کردی خدا

به موسی کتابی و فرقان عطا

که شاید بدین لطف یکتا اله

هدایت بیابید بر راست راه

**۴- حقیقت محوری:** حقیقت همواره آن چیزی نیست که در جهان حضور دارد؛ زیرا بسیاری از حقایق، همچنان تحقق نیافته است. جهان عدالت خواه هنوز آرمانی است که تحقق نیافته است. بسیاری از حقایق، رنگ واقعیت به خود نگرفته است. آرمان های اسلامی و انسانی

از جمله حقایق است که می بایست همواره در اطلاع رسانی مدنظر قرار گیرد و بر آن تأکید شود تا از یادها نرود. آزادی حقیقی، رهایی انسان از کفر و شرک و هواپرستی، تحقق عدالت فراگیر و همه جانبه از حقایق هستی است که می بایست در رسانه ها اطلاع رسانی و به عنوان آرمان گوشزد شود. **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**

**۵- وقایع نگاری:** رسانه مؤظف است ضمن پاسداشت آرمان ها و حقایق به وقایع نگاری پردازد و توصیف مناسب و تحلیل درست از واقعیت های جهان و جامعه و انسان ارایه دهد. گزارش های قرآنی همواره بر این دو امر مبتنی بوده است؛ زیرا با گزارش از وضعیت موجود جامعه خواهان تغییر و تحول می شود و از انسان ها می خواهد تا واقع بینانه مسایل را درک کرده و مبتنی بر حقایق عمل کنند.

**۶- ساده نگاری:** قرآن بر بیان ساده و آسان و روان مطالب تأکید دارد. شیوه ای که قرآن در پیش گرفته، اطلاع رسانی شفاف و ساده و آسان از حقایق و واقعیت های هستی و انسان است. (نور ۳۴ و ۴۶) **تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ** این است آیات کتاب روشنگر (قصص ۲)

**۷. جذابیت:** خبر و یا مطلب می بایست جذاب باشد و مخاطب خود را جذب کند. آیات قرآنی از این شیوه برخوردار است. اصولاً نبأ یا خبر

مطلبی است که توجه انسان را به خود جلب می کند و او را به امری خاص که برای او جاذبه دارد آگاه می سازد.

وقتی حضرت آدم علیه السلام انباء می کند، توجه فرشتگان را جلب و جذب می کند و یا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از قیامت اخبار می دهد از چنین خاصیتی برخوردار است. **وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره ۳۱) ( آل عمران ۴۴)**

خداوند چون خوان خلقت نهاد به آدم همه اسم ها یاد داد

سپس اسم ها را به جمع ملک بیان کرد یکتا خدا تک به تک

بفرمود آنگه که اسماء و نام بیان می نمائید اینک تمام

بیان می نمائید اینک شما اگر راستگوئید در ادعا

**۸. وفاداری:** خبر می بایست وفادار به اصول انسانی و اخلاقی جامعه باشد چنان که می بایست به واقعیت وفادار باشد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ... مائده ۱**

الا مؤمنان به پروردگار بمانید بر عهد خود استوار

**۹. فراگیری:** اخبار باید از عنصر فراگیری و عمومیت برخوردار باشد؛ زیرا اخبار شخصی و جزئی نمی تواند مفید فایده ای باشد مگر اینکه خبر به

گونه ای تنظیم شود که حاوی اطلاعاتی مفید باشد و دیگران بتوانند از آن در زندگی سود برده و آن را سرمشق عمل خویش قرار دهند.

**۱۰. انصاف:** در اخبار می بایست رعایت میانه روی و انصاف را داشت. انصاف نوعی عدالت است با این تفاوت که حالت رأفت و عطوفت و احساسات و عواطف در آن بیشتر خودنمایی می کند. **مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ**

گروهی از آنها در اعمال خویش میانه روی را بگیرند پیش

ولی اکثر آن کسان در ضمیر به بدکاری خویش هستند اسیر

انصاف ویژه انسان است و انسان ها به سبب حالت رأفت و عطوفت در هنگام عدالت نوعی ایثار دارند. از این رو در دعای توفیق الطاعه امام زمان ارواحنا فداه سخن از انصاف از سوی امت در ارزیابی عملکرد دولتمردان به میان آمده است.

**۱۱. صراحت و روشنی:** اطلاع رسانی می بایست به دور از هرگونه اما و اگر باشد و سعی شود تا محکمت خبر و قول سدید در آن رعایت شود. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب ۷۰) و (نساء ۹)**

از ایزد بترسید بر راستی حقیقت بگویید بی کاستی

**۱۲ . اصلاح گری:** دوری از فساد به عنوان نوعی ظلم آشکار می بایست در دستور کار رسانه ها باشد. مبارزه با فساد و افساد در هر شکلی امری است که در آموزه های قرآنی بر آن تأکید شده است. هر کسی در هر سطح و توان می بایست در اصلاح فساد در جامعه بکوشد و هنجارها و ارزش ها را جایگزین فساد و تباهی کند.

قَالَ يَا قَوْمِ ..... إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود ۸۸)

که منظور من هست تنها همین      که اصلاح سازم شما را چنین  
چو توفیق خواهم ز پروردگار      بکردم توکل برآن کردگار  
به درگاه لطفش بپردم پناه      بجز راه یزدان نبودست راه

**۱۳.** بنابراین، مسئله رسانه از جمله روزنامه نگاری نیز می بایست به عنوان یک فعل انسان کمال گرا و هدفمند در این چارچوب و براساس این معیارها و ملاک ها انجام گیرد.

### **محورهای اساسی و معیارهای رسانه ی مثبت**

**۱۴- عدالت محوری و عدالت خواهی:** خداوند در آیات قرآن ظلم را به سبب آن که خروج از سنت و قانون کمالی عدالت است امری قبیح و مکروه معرفی می کند و هر موجودی را به سبب ظلم، موجودی خارج از

سنت و قوانین حاکم بر هستی معرفی می کند. از نظر قرآن، ماموریت پیامبران این است که مردم را با عدالت حاکم بر هستی آشنا کرده و از آنان بخواهند که در چارچوب کتاب و قوانین حاکم بر هستی، زندگی خود را سامان دهند و عامل به عدالت باشند.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید ۲۵)

رسولان خود را خدای جهان      فرستاد با معجزاتی عیان  
کتابی عطا کرد و میزان نهاد      که مردم گرایند یکسر به داد

رسانه ای ارزشی است که در چارچوب این سنت و قانون الهی حاکم بر جهان و انسان حرکت کند و همواره در چارچوب عدالت و در راستای تحقق ارزش های عقلانی و وحیانی گام بردارد.

**۱۵- ستم ستیزی و دفاع از مظلوم:** از آن جایی که عدالت خواهی و حرکت بر مدار عدالت، به معنای گریز از ظلم و ستم است، انسان مومن و مسلمان عقل نهاد، انسانی ستم ستیز است و می کوشد تا دیگران را به عدالت بخواهند و از هرگونه ظلم و ستم باز دارد. از این رو همواره درکنار عدالت خواهان و علیه ظالمان است و در دفاع از مظلوم و رهایی او، از جهاد مالی، جانی و علمی کم نمی گذارد. رسانه ارزشی رسانه ای است که



همواره در چارچوب ستم ستیزی و دفاع از مظلوم گام برمی دارد و می کوشد تا مردم را نسبت به مصادیق و مفاهیم ظلم آگاه کرده و آنان را در مسیر عدالت کلان هستی قرار دهد و دستگیر مظلومان و دشمنان ظالمان باشد وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (شوری ۳۹) وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۴۱

کسانی که چون ظلم و بیداد شوم بر آنان بیارد ز هر سو هجوم

ز پرهیزکاران مؤمن به رب نمایند یاری و نصرت طلب

اگر بر کسی ظلم گردد تمام کند دادخواهی بر انتقام

نزیبند که او را نکوهش کنند باید بر انصاف کوشش کنند

**۱۶. استکبارستیزی و دفاع از مستضعف:** خداوند از مؤمنان می خواهد

در همه جا و به هر شکل ممکن علیه مستکبران باشند و در کنار

مستضعفان با مال و جان و زبان به دفاع برخیزند. از این رو به مسلمانان

اعتراض می کند که چرا برای رهایی مستضعفان دست به سلاح نمی برند

و علیه مستکبران به جنگ نمی پردازند و آنان را نیست و نابود نمی کنند.

قرآن عدالت خواهی مسلمانان را جهانی می داند بطوری که یک مسلمان

می کوشد تا در هر جا و در هر شکلی ظلمی را دید نابود سازد و کاری به

مذهب و رنگ و دین و نژاد و ملت مستضعفان ندارد و هرجایی که

مستضعفی بود برای دفاع از او به جنگ می پردازد و در این راه شهادت را

افتخار می داند. وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا

کنون پس چرا در ره ذوالجلال نساء ۷۵ نسازید هرگز جهاد و قتال

اگرچه که هستند جمعی اسیر ز مرد و زن و کودکان صغیر

که در مکه در چنگ کفار خوار اسیرند و گویند ای کردگار

رها ساز ما را از این قید و بند ز شهری که مردان آن ظالمند

کسی را به یاری ما کن گسیل که این سان نمانیم خوار و ذلیل

**۱۷. اخلاق محوری:** از مهمترین راهبردها و سیاست های یک مسلمان

آن است که همه زندگی اش را در چارچوب اخلاق سامان دهد؛ زیرا

پیامبر صلی الله علیه و آله مأموریت خود را اتمام مکارم و محاسن اخلاقی می داند و

خداوند او را به خلق عظیم می ستاید. وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ و راستی

که تو را خویی والاست (قلم ۴) از این روست که او اسوه حسنه مردمان

شده است لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب ۲۱)

به پیغمبر حق کنید اقتدا پسندیده کاریست نزد خدا

هرآن کس که او هست امیدوار به دیدار یزدان و روز شمار

## خدا را همیشه کند ذکر و یاد      دل خویش بر مهر ایزد نهاد

یک رسانه ارزشی رسانه ای است که اخلاق محور باشد و در تحکیم مکارم و محاسن اخلاقی در جامعه و تبلیغ و گسترش آن بکوشد. رسانه ای که اصول اخلاقی را رعایت نکند و در مسیر امر به معروف و گسترش هنجارها و ارزش ها عمل نکند و به اشاعه منکر و فحشا پردازد، رسانه غیراخلاقی است. از نظر اسلام هرگونه اشاعه فحشاء و گسترش منکر جرم و عملی ضد اخلاقی و گناه دانسته شده است. **الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** توبه ۶۷

دورویان چه مرد و چه زن هر طرف      نمایند یاری هم در هدف

همه مردمان را به رفتار بد      نمایند وادار بر کار بد

بدارند باز از عملهای نیک      به هر کار زشتند با هم شریک

چو از یاد بردند یزدان راد      خدا نیز بُرد این کسان را زیاد

که حقا دورویان همه فاسقند      همه زشت کردار و نالایقند

**إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** (نور ۱۹)

کسانی که دارند میلی چنین      که در بین افراد مؤمن به دین

رواجی بیابد عیان و صحیح

عملهای زشت و مرام قبیح

به پاداش اعمال بد می دهیم

به دنیا و عقبی عذابی الیم

و لیکن نباشید آگه شما

کز آن فتنه آگه باشد خدا

**۱۸. توحید محوری:** توحید محوری می بایست در دستور کار قرار گیرد.

هرگاه این اصل نادیده گرفته شود همه بنیادهای دیگر فرو می ریزد. در

این چارچوب باید همواره رسانه اصل توحید را در نظر داشته باشد و در

تبلیغ و گسترش این اندیشه بکوشد تا جامعه ذکر و یاد خدا را در همه

اعمال و اندیشه ها مدنظر قرار دهد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا**

**كَثِيرًا ۴۱ وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا احزاب ۴۲**

نمایید ذکر خدا بی شمار

الا مؤمنان به پروردگار

پرستید او را به شوری تمام

بخوانید او را به هر صبح و شام

**مصادیق ظلم حاکم بر جهان و وظایف رسانه ها**

**۱۹- کفر و شرک** موعظه، یکی از راههای دعوت به حق است و هیچ کس

از آن بی نیاز نیست. یکی از نامهای قرآن، موعظه است. **قَدْ جَاءَتْكُمْ**

**مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ** و در کتابهای حدیث، فصلی مخصوص موعظه به

چشم می خورد. لذا یکی از رسالت های رسانه موعظه می باشد. **وَ إِذْ قَالَ**

**لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ**

به فرزند خود گفت لقمان به پند لقمان<sup>۱۳</sup> لب از شرك گفتن به یزدان ببند  
که ظمی بزرگست این کار زشت نباید برایش شریکی نوشت

۲۰- آواره سازی مردم از سرزمین خود به کسانی که همواره و مظلومانه  
مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده  
است... أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ  
لَقَدِيرٌ (حج ۳۹ و ۴۰)،

بلی مُسْلِمَان راز یکتا خدا رسیدست رخصت برای غزا  
که دیدند از دست دشمن ستم فتادند در بحر اندوه و غم  
خداوند پیروز اندر جهاد تواند که یاری اسلام داد  
حمایت رسانه از (مظلومان مورد تهاجم)، کسانی هستند که به ناحق از  
خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ  
دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ  
بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ  
كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

همه مؤمنان به پروردگار که آواره گشتند خود از دیار  
براندند يك نکته را بر زبان که یکتاست پروردگار جهان  
اگر رخصت جنگ ندهد خدا که تا رفع گردد زیان و بلا  
نه ماند صوامع نه دیر و کنشت نماند از آنها بجز خاك و خشت

هرآن مسجد و خانه ای کاندرا آن نمایند تسبیح رب جهان  
 بگردند نابود خود سربه سر کز آنها نماند نشان و اثر  
 کسی کاو دهد یاری کردگار بود یاورش نیز پروردگار  
 همانا تواناست پروردگار خدا راست بی انتها اقتدار

رسانه ی ارزشی در این موارد نمی تواند بی تفاوت باشد.

**۲۱- اختلاف افکنی و تفرقه در میان مردم** مردم (در آغاز) امتی یگانه و

یکدست بودند (و در میان آنها تضاد و درگیری نبود. سپس در میان آنها اختلافات بوجود آمد،) **كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** (بقره ۲۱۳)،

همه اهل عالم يك امت بُدند همه يك گروهی و ملت بُدند  
 پس از آن، رسولان ز پروردگار فرستاده گشتند در روزگار  
 كه بر نيك مردان بشارت دهند بدان را به دل ترس اندر نهند  
 بر آنان فرستاد، برحق كتاب كه گردند داور به وجه صواب  
 كه در آنچه دارند مردم جدال برانند حكمی به عدل و كمال  
 ولی مردمان بر طريق خلاف نمودند در آن كتاب اختلاف

برای تعدی بر دیگران      فکندند شبهه در آیات آن

پس از آن، خدا از لطف خویش      کسی را که او بود مؤمن به کیش

ز ظلمات آن شبهه بیرون رهند      به سوی هدایت هم او را براند

بلی هرکسی را که ایزد بخواست      هدایت نماید به آیین راست

رسالت رسانه وحدت آفرینی میان افراد و ملت هاست.

**۲۲- اخلال گری و فتنه انگیزی در جامعه** دیگر رسالت رسانه جلوگیری

از فتنه است نه دامن زدن به آن برای رسیدن به مقصود دنیایی و شیطانی

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ

وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ توبه ۴۷

اگر هم دورویان برای غذا      بگردیده بودند یار شما

به غیر از خیانت نکردند کار      بکردند حيله برون از شمار

هرآن سعی کاندرا توان داشتند      گیاهی ز نیرنگ می کاشتند

بکردند بس فتنه ها جستجو      که هستند بدطینت و زشتخو

بدانید جاسوسهایی کنون      میان شمايند از خصم دون

ز کردار آن مردم دون پست      خداوند گیتی بسی آگه است

**۲۳- بهره کشی از مردم** از وظایف رسانه حقدار آگاهی بخشی و

جلوگیری از استثمار مردم می باشد وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ

جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ / أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّيْكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ دخان ۱۸. ۱۹

بلی پیش از ایشان به گذشته یوم      همی آزمودیم فرعون و قوم  
 بر آنان خداوند منت نهاد      رسول بزرگی چو موسی بداد  
 به فرعونیان گفت آن مردِ راد      به من واگذارید کار عباد  
 که هستم شما را رسولی امین      نمائید بر گفته من یقین

**۲۴ - استکبار ورزی و استضعاف مردم** رسانه در مقابل ظلم استکبار و  
 به ضعیف کشاندن مردم مسئولیت دارد. وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ  
 بِهَذَا الْقُرْآنِ وَ لَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ  
 رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ  
 اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (سبا ۳۱)

بگفتند کفار اندر جواب      نیاریم ایمان به قرآن کتاب  
 به دیگر کتب نیز کافر شویم      که تنها بر آیین خود می رویم  
 گر آن ظالمان ستم پیشه کار      بیایند در پیش پروردگار  
 ببینی که با یکدیگر بر جدل      به گفتار آیند در آن محل  
 ضعیفان بگویند بر رهبران      به گردنکشان و گروه سران  
 نبودی گر اغویتان در میان      بگشتیم مؤمن به رب جهان

**۲۵ - افراط در انتقام** رسانه به مانند یک قاضی در برابر وقوع ظلم رعایت  
 انصاف را دارد. ذَلِكَ وَ مَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ  
 لَيُنْصَرَّنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ (حج ۶۰)



سخنهای حق خودهمین ست و بس که اینک شما راست در دسترس  
هرآن کس بر او ظلم رفته تمام همان قدر باید کشد انتقام  
دگر بار چون ظلم بر وی رود خداوند پشت و پناهِش شود  
غفورست یزدان و بخشد گناه که بر ملک بخشش خداهست شاه

در تفسیر: مشرکان در ماه محرم گفتند: چون مسلمانان جنگ در این ماه  
را حرام می‌دانند، ما به آنان هجوم ببریم زیرا آنان از خود دفاعی نمی‌کنند.  
لکن این آیه می‌فرماید: دفاع از خود واجب است، در هر ماهی که باشد.

**۲۶- القاب زشت به مردم دادن** رسانه برای حقوق مردم و گروه‌ها و  
احزاب که در مسیر حق هستند احترام قائل است وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ  
لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ  
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (حجرات ۱۱)

مجوئید عیب هم اندر سرشت مخوانید هم را به القاب زشت  
چو مؤمن شود کس به دیدار رب چه زشت ست فاسق نهندش لقب  
ستم پیشه باشد کسی کز گناه نکردست توبه به یکتا اله

**۲۷- بدعت‌گزاری و سنت‌گذاری های زشت و نابهنجار** رسانه در  
انعکاس واقعیت و حقایق از هیچ تلاشی فروگزار نباشد فَبَدَّلَ الَّذِينَ  
ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ  
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (بقره ۱۵۹ اعراف ۱۶۲)

پس از آنکه این کارها روی داد      ستمکار مردان باطل نهاد  
 کلام خدا را به دیگر کلام      نمودند تبدیل بر میل و کام  
 فرستاد ایزد عذابی چه سخت      برآن مردم ظالم تیره بخت  
 سزای عملهای زشت و پلید      کز آن قوم کافر به گردون رسید

در آیات ۱۶۱ و ۱۶۲ اعراف، مشابه این آیه و آیه‌ی قبل تکرار شده و کلمه‌ی رجز به معنای عذاب، بیماری طاعون و...

**۲۸- رفتارهای ناشایست در حق دیگران** رسانه بایستی از ادبیات خوب و نیکو برخوردار باشد و از کلمات زشت و مشمئز کننده دوری کند. لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً

ندارد خدا دوست آن بنده را <sup>نساء ۱۴۸</sup> که دشنام گوید به بانگ رسا  
 مگر آنکه دیدست از کس ستم      برفته بر او جور و رنج و الم  
 نباشد همه گفته‌ها را خدا      که دانا به خلق است آن کبریا

این آیه به مظلوم، اجازه دادخواهی و فریاد می‌دهد، نظیر آیه‌ی ۴۱ سوره شوری که می‌فرماید: وَ لَمَنْ اَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ و هرکس پس از ستم دیدن، یاری جوید و انتقام گیرد، راه نکوهشی بر او نیست. افشای زشتی‌ها را بارها قرآن منع کرده و از گناهان کبیره شمرده و وعده عذاب داده است.

**۲۹- تبلیغات سوء** رسانه راه گشاست به سوی معروف، نه مانع از آن.  
الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ  
(اعراف ۴۵؛ هود ۱۸ و ۱۹)

کسانی که از راه رب بشر	بدارند افراد را برحذر
کسانی که جویند آیین کج	در آن نیز ورزند اصرار و لج
ندارند ایمان به روز جزا	ندارند باور به یکتا خدا

راه خدا، راه توحید، تسلیم، ایمان، هجرت و جهاد است. ستمگران، با ایجاد شبهه و وسوسه، با تبلیغ و تضعیف، با ایجاد بدعت‌ها و خرافات و نیز مقابله با رهبران حق و یأس‌آفرینی‌ها و کارشکنی‌های دیگر، می‌خواهند راه خدا را ببندند یا در آن تغییر و انحراف به وجود آورند.

**۳۰- تجاوز از حدود و قوانین و مقررات** رسانه بایستی قانونمدار باشد و مقررات را رعایت کند و از مسیر و حد تعیین شده پا را فراتر نگذارد. وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره ۱۷۸)، ۲۲۹، ۲۳۱؛ مائده ۴۵)

الا اهل باور به پروردگار	که دارید ایمان بر کردگار
چو قتلی دهد روی بهر جزا	چنین است حکم قصاص از خدا

که آزاد کس را به آزاد کس      بود بنده را نیز يك بنده بس  
 در این حکم، زن را بجای زنی      توانی که چوب قصاصش زنی  
 به قاتل اگر حکم بخشش گذشت      ولی دم از خون او درگذشت  
 چه گیرد دیت یا نگیرد از او      چنین بخششی هست خوب و نکو  
 ولی دم از او اگر دیه خواست      دهد قاتل آن مال بی کم وکاست  
 دهد آن دیه در کمال رضا      به خشنودی آن را نماید ادا  
 که این حکم از سوی پروردگار      بود رحمت و سادگی بهر کار  
 پس از اینکه این حکم گشتی بیان      هرآن کس بیچید گردن از آن  
 به قاتل تعدی بدارد روا      عذابی الیم است او را سزا

قانون قصاص در جامعه، سبب نور و هدایت است. همان‌گونه که در  
 آیهی دیگر می‌خوانیم: **وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ** و برای شما در قصاص  
 حیات و زندگی است.

**۳۱- تحریف حقایق** رسانه در مقابل انعکاس سخنان تحریفی مسئولیت  
 دارد. **فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ**  
**رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ** (بقره ۵۹؛ اعراف ۱۶۲)

پس از آنکه این کارها روی داد      ستمکار مردان باطل نهاد  
 کلام خدا را به دیگر کلام      نمودند تبدیل بر میل و کام  
 فرستاد ایزد عذابی چه سخت      برآن مردم ظالم تیره بخت

سزای عملهای زشت و پلید      کز آن قوم کافر به گردون رسید

تحریف و تغییر، گاهی آشکار است، و گاهی با حفظ قالب لفظ، محتوا و روح يك موضوع را عوض می‌کنند، نظیر حيله‌ی بنی‌اسرائیل برای گرفتن ماهی روز شنبه.

**۳۲- تحقیر مردم** رسانه از تهمت و افترا جهت خوار و تحقیر مردم پرهیز می‌کند. **وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَ لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (هود۳۱)**

نگویم خزاین به دست منست	به گنج الهی مرا هست دست
به دعوی نمی گویم آری ز غیب	مرا اطلاعست بی شك و ریب
نگویم ملك هستم از آسمان	که همچون بشر گشته ام این زمان
بر آن مؤمنانی که با عشق و ذوق	بریزند از دیده ها اشك شوق
نگویم نداده خدا برتری	بر این مؤمنان ز زشتی بری
بر آنهاست داناتر ایزد بسی	که آگه تر از او نباشد کسی
(کنون گر که من نیز طعنه زنم	کنم جامه ای از تمسخر تنم)
ستم پیشه گردم به دور زمان	شوم چون شما من هم از ظالمان

**۳۳- توهین به مقدسات و تخریب اماکن مذهبی** رسانه ها در ارتباط با جلوگیری از تخریب اماکن مذهبی و ابنیه تاریخی و .... رسالت بزرگی دارند

ولی با تاسف در دهه ی اخیر با تحریف خبر و شهادای مدافعین حرم را مدافعین بشار می خواندند و این جنایتی نا بخشودنی است. زیرا که رسانه ها به نوعی همراه داعش و جانیان آمریکایی و وهابی بودند. وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره ۱۱۴)

چه کس هست ظالمتر از آن کسی که ورزد در این کار کوشش بسی  
 که تا مردمان را کند منع باز مبادا به مسجد کنند نماز  
 کند سعی و ورزد بسی اهتمام که ویرانه گردد مساجد تمام  
 نباید که این مردم ناسپاس به مسجد درآیند جز با هراس  
 به دنیا بر این قوم ذلت دهیم عذابی گرانتر به عقبی نهیم

در طول تاریخ، تخریب مساجد و یا جلوگیری از رونق آنان بارها به دست افراد منحرف و طاغوت‌ها صورت گرفته است. از تخریب بیت المقدس و آتش زدن تورات به دست مسیحیان گرفته تا ممانعت قریش از ورود مسلمانان به مسجد الحرام، نشانه‌ای از همین تلاش‌هاست. امروز نیز از يك سو شاهد تخریب مساجد در کنار قبور ائمه بقیع علیهم السلام به بهانه مبارزه با شرك هستیم و از طرف دیگر ویرانی مساجد تاریخی، همانند مسجد بابر در هند که نشانگر قدمت مسلمانان در شبه قاره هند

است، به چشم می‌بینیم. اینها همه حکایت از روحیه‌ی کفرآلود طاغوت‌ها و جاهلانی دارد که از یاد و نام خداوند که در مراکز توحید طنین انداز می‌شود، وحشت دارند.

**۳۴- تخلفات اقتصادی** رسانه‌ها و مسئولین و مقاماتی که حامی مفسدان اقتصادی هستند و به نوعی در نوشته‌ها و سخنان خود توجیه می‌کنند، خود مفسدان فی الارض می‌باشند. **وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ**

پس ای قوم هرگه تجارت کنید هود ۸۵ همه کیل و وزنش رعایت کنید

به مردم نه چیزی فروشید کم فساد و جنایت نورزید هم

فساد امت‌ها، در هر دوره و زمانی متفاوت است که باید به آن توجه کامل داشت، فساد قوم لوط، انحراف جنسی و فساد قوم شعیب، کم‌فروشی و فساد اقتصادی بوده است.

**۳۵- تفرقه افکنی** رسانه‌ها در ارتباط با جنگ نرم و به بهانه ساخت اماکن

مذهبی و در اصل ضربه زدن به وحدت مردم، در اطلاع رسانی به مردم

رسالت سنگینی دارند. **وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ**

**الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا**

**إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ** (توبه ۱۰۷ و ۱۰۹)

یکی مسجدی را بنا ساختند	گروهی دورو طرحی انداختند
به قصد ضرر ساختند آن مکان	که بر دین اسلام آید زیان
در آن مسجدی که نبی هست باز	که مردم نیابند بهر نماز
نفاقی برانند بین عباد	فقط قصدشان بود کفر و عناد
که هستند خود دشمن مؤمنان	که باشد کمینگاه آن دشمنان
که با کردگار و نبی جنگ کرد	همان کس کزین پیش کرده نبرد
که غیر از نکویی چه داریم فکر؟	دمادم نمایند سوگند ذکر
بر این گفته خام باشد گواه	دروغست این حرف و یکتا اله

**۳۶- روابط نامشروع** رسانه ها در مورد جلوگیری از اشاعه فساد و برهنگی و تهاجم فرهنگی از طرف دشمن مسئول هستند. وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْاَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنَ مَثْوَايَ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ (یوسف ۲۳)

بنای هوس با مه نو گذاشت	چو بانوی خانه به میلی که داشت
به یوسف بگفتا مراد از هوس	همه دربها را ببست و سپس
که از بهرت آماده و مضطرم	بگفتا که بازآ، نشین در برم
به سوی خداوند آرم پناه	بفرمود یوسف که از این گناه
در نعمت خویش بگشاده است	عزیزم مقامی نکو داده است
نخواهد کند مفلح و رستگار	ستم پیشگان را یکی کردگار



**۳۷- سازشکاری با دشمنان** رسانه ها برای رسیدن مردم به استقلال در زمینه های مختلف (سیاسی اقتصادی فرهنگی و...) و مبارزه با دشمنان بایستی تلاش کند **وَ لَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَ مَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَ مَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَ لَئِنْ اتَّبَعَتِ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ** (بقره ۱۴۵)،

بر اهل کتاب ای پیمبر بدان      تو هرگونه حجت بیاری عیان

نسازند از قبله ات پیروی      دلایل بیاری و گر بس قوی

تو هم نیز از قبله آن کسان      اطاعت نخواهی نمود این زمان

که برخی از اقوام جنس بشر      نگردند تابع ز قومی دگر

اگر بعد از آنی که از سوی حق      به علم و به دانش شدی مستحق

از افکار آنها کنی پیروی      به دنبال اهواء ایشان شوی

در این حال هستی ستمکار و خوار      خود از ظالمینی سیه روزگار

این آیه، از عناد و لجاجت اهل کتاب پرده برداشته و سوگند یاد می کند

که هرچه هم آیه و دلیل برای آنان بیاید، آنها از اسلام و قبله‌ی آن پیروی

نخواهند کرد. چون حقیقت را فهمیده‌اند، ولی آگاهانه از پذیرش آن سر

باز می‌زنند. تهدید و هشدارهای قرآن نسبت به پیامبر، به منظور جلوگیری

از بروز و رشد غلوگرایی و نسبت ناروای خدایی به اولیاست.

**۳۸- غصب اموال دیگران** رسانه ها در رسیدن مردم به حق خود و اموال

مردمی که در معرض خطر از طرف چپاولگران می باشد بایستی اطلاع

رسانی کند یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ

تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا نساء ۲۹

چو ایمان به دلهایتان بردمید      نه اموال هم را به ناحق خورید

مگر با تجارت ز روی رضا      شود سود و نفعی نصیب شما

مبادا که ای مؤمنان به دین      بریزید خود خون هم بر زمین

همانا که یزدان بود مهربان      رحیم است بر بندگان هر زمان

(نخواهد که با قتل و ظلم و فساد      شود پُر ز ظلمت سراسر بلاد)

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسِيرًا ۳۰

پس آن کس چنین سازد از دشمنی      کند ظلم در حق یک مؤمنی

بزودی بیفتد به سوزنده نار      به قهر خداوند گردد دچار

چه سهل است بر رب والامقام      که از ظالمان برکشد انتقام

**۳۹- فسادگری** رسانه ها در حقیقت خبر و موضوعات بایستی حساس

باشند و در مقابل سخنان بی اساس موضع بگیرند. بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ

يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (یونس ۳۹ و ۴۰)

نمایند انکار چیزی کز آن      ندارند علمی به دور زمان  
 که خود باطنش را نفهمیده اند      نه چیزی بجز ظاهرش دیده اند  
 پس آن مردمانی کزین پیشتر      نمودند تکذیب رب بشر  
 بین ای پیمبر چگونه هلاک      بگشتند آن ظالمان روی خاک

۴۰- فسق و فجور رسانه ها اصلی ترین وظایفشان امر به معروف و نهی  
 از منکر می باشد. وَ سَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ  
 فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا  
 تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (اعراف ۱۶۳ و ۱۶۵)

پرس ای پیمبر ز قوم یهود      در آن قریه خود داستانش چه بود  
 که بر حکم تعطیل شنبه چرا      نمودند ظلم و تعدی روا  
 که در روز شنبه چو آن ماهیان      بگشتند نزدیک ساحل عیان  
 بجز روز شنبه به روز دگر      ز ماهی نبودی در آنجا اثر  
 بکردیمشان امتحان چون ز آز      در کفر و عصیان نمودند باز  
 فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ  
 ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

هرآنچه بر آنها بدادیم پند      بردند از یاد و غافل شدند  
 بدادیم ما ناصحان را نجات      چه در دور دنیا چه بعد از حیات  
 براندیم بر ظالمان هم عذاب      سزاوار آن فسق گشته عقاب

**۴۱- قضاوت باطل** رسانه در ارتباط با قصاص بایستی حکم خدا را در نظر بگیرد نه این که تابع قوانین ناقص جهانی باشد. وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده ۴۵)

به تورات این گونه حکم قصاص	بیان گشت بهر جزا و تقاص
که گر کشته گردید شخصی کنون	بریزید از قاتلش نیز خون
و بینی به بینی و چشمی به چشم	از این بیش هرگز مگیرید خشم
قصاص یکی گوش، گوش ست و بس	به دندان ستانید دندان کس
که هر زخم را نیز پروردگار	بکردست حکم قصاص آشکار
به جای قصاص ار، رضا شد کسی	کز آن بگذرد هست بهتر بسی
گذشتش چو کفاره وی شود	گناهان او این چنین طی شود
هرآن کس دهد حکم، خلف خدا	ستمکار باشد به هر دو سرا

**۴۲- کتمان حق** رسانه گاهی به عنوان یک شاهد و گواه در مقابل بی عدالتی و تهمت ها و ... محسوب می شود. أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره ۱۴۰)

اگر نیز در مورد انبیا  
 که پیغمبران خدا آن حنیف  
 نمائید همواره این ادعا  
 رسول گرامی نبی شریف  
 و اسحاق و یعقوب و هم اسمعیل  
 و اسباط آن مرسلین جلیل  
 به دین و به آیین در آن روزگار  
 یهودی بگشتند یا که نصار  
 بدانید این را که یکتا خدا  
 چنین داده دستور اینک مرا  
 که این گونه پاسخ دهم در سخن  
 شما نیک دانید یا ربّ من ؟  
 چه کس هست ظالم تر از آن نفر  
 ستم پیشه تر نیست از او دگر  
 که کتمان کند آنچه را کبریا  
 بگفته است در مورد انبیا  
 خدا نیست غافل که در کار خویش  
 چه راهی و نیت گرفتید پیش  
 این آیه، خطابی دیگر به اهل کتاب است، آیا این ستمگری نیست که  
 واقعیّتی را که بدان واقفید بپوشانید و این حقیقت روشن تاریخی را بر  
 عامّه مردم کتمان کنید و چنین وانمود کنید که همه پیامبران، تابع  
 یهودیّت یا نصرانیّت بوده‌اند؟ ولی بدانید که خداوند از آنچه شما انجام  
 می‌دهید غافل نیست.

**۴۳- مجادله و مغالطه** رسانه گاهی در بحث و جدل و بی عدالتی بایستی  
 حالت میانجی را داشته باشد. وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا  
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ  
 فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام ۶۸)

چو دیدی گروهی همه طعنه      زن در آیات رانند هرزه سخن  
تو خود، روی برتاب و می کن حذر      که گردند داخل به بحثی دگر  
فراموشت از ساخت شیطان پست      در آن حلقه بحث آری نشست  
پس از آنکه ذکر کلام خدا      به روی زبان راندی، ای مصطفی  
دگر با چنان ظالمان پلید      مبادا درآئی به گفت و شنید  
بیشتر موارد و مصادیقی که از آیات و رسالت رسانه ها بیان شد، در  
روزنامه نگاری و رسانه می بایست مورد توجه قرار گیرد وگرنه مصادیق  
ظلم بسیار است که در آیات قرآن بیش از ۱۲۰ مورد بیان شده است.

## منابع خبری در فقه عالی اسلام

اسلام به مساله منابع خبری اهتمام ویژه ای دارد؛ زیرا اسلام متن و علوم محور است. مباحث الفاظ و حجت از جمله مباحثی است که در فقه رسانه کاربرد دارد. در مباحث از مسایلی چون اوامر و نواهی، عام و خاص، مجمل و مبین، مشتق مطلق و مقید و مفاهیم بحث شده است. در مبحث حجت، از دلیل شرعی که از آن به حجت و یا اماره یاد می شود، سخن از ظواهر الفاظ کتاب و سنت مطرح شده است. بحث خبر متواتر و خبر واحد در این مبحث از مباحث اصول فقه بیان می شود.

**منابع خبری اهل رسانه می تواند بسیار متنوع و متعدد باشد :**

**۱-مشاهدات:** خداوند در آیات بسیاری به مساله ابزارها و منابع شناختی اشاره می کند. در انسان همه ابزارها و قوای مورد نیاز برای شناخت و تشخیص حق از باطل بیان شده است. انسان از این امکان برخوردار است که هر آنچه در درون و بیرون خود می گذرد بشناسد و دریابد و تحلیل نماید. این بدان معناست که انسان از توانایی معرفت و شناخت برخوردار است و البته انسان هایی هستند که ابزارهای شناختی چون گوش و چشم و بینی و مانند آن را دارا می باشند ولی قوه قلب که مرکز تحلیل داده هاست را از کار انداخته اند و نمی توانند از ابزارهای شناختی و داده های آن استفاده کنند. (بقره ۷ و ۱۰ و ۷۴ و ۸۸ و ۹۳) (اعراف ۱۹۵ هود ۲۰)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ  
عَذَابٌ عَظِيمٌ \* فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ  
بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

نهاده خدا مهر بر قلب و گوش      دو چشمانشان را شده پرده پوش  
همانا که از سوی یزدان پاک      برایشان عذابی است بس دردناک  
به دل‌های این مردم تیره بخت      مرضها نهفتست بسیار سخت  
فزاید خداوند دائم بر آن      بر آنها عذاب‌یست سخت و گران  
عذابی بر آنهاست در پیش رو      که هستند بسیار ناراست گو

مشاهدات به عنوان بخشی از منابع اطلاعاتی و خبری اهمیت بسیاری  
دارد. از این رو در قرآن از سفر در جهان و سیاحت در آن برای مشاهده  
و دریافت حقایق هستی سخن بسیار گفته شده و از مردم می‌خواهد تا  
در آفرینش بنگرند و تفکر نمایند. (آل عمران ۱۳۷) (انعام ۱۱، یوسف ۱۳۹) **قَدْ خَلَتْ  
مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ**

مللهای بسیار قبل از شما      چشیدند طعم هلاک و فنا  
نمایید گردش به روی زمین      ببینید افراد کاذب به دین  
چسان جمله گشتند یکسر هلاک      برفتند در ظلمت تیره خاک  
این آیه، به اهمیت جامعه‌شناسی و شناخت اصول عزت و ذلت جوامع  
اشاره دارد. سنّت‌هایی که در اقوام پیشین وجود داشته، مانند :



**الف:** حقّ پذیری که سبب نجات و سعادت آنان شده است.

**ب:** تکذیب حقّ که موجب هلاک و نابودی آنها شده است.

**ج:** آزمایشات الهی برای آنها وجود داشته است.

**د:** امدادهای غیبی برای حق طلبان بوده است.

**ه:** به ستمگران فرصت و مهلت داده شده است.

**و:** مقاومت مردان خدا سبب رسیدن به هدفهای والا شده است.

**ز:** توطئه کفار و خنثی سازی آن از جانب خداوند.

**۲- اخبار اهل وثوق:** بخشی از اخبار به سبب تواتر و تعدد منابع اهل

وثوق از درجه اعتبار بسیاری برخوردار است و می تواند در حکم

مشاهدات قرار گیرد و براساس زندگی و تحرکات خود را سامان داد. از این

روست که روزنامه و رسانه های زنجیره ای شکل می گیرد که همه آنها یک

خبر را در اشکال گوناگون تکرار می کنند تا تواتر دروغین ایجاد کنند. در جنگ

امروز، جنگ روانی و نرم بر اساس تواتر سازی صورت می گیرد. بنابراین،

زمانی تواتر ارزش دارد که از سوی منابع خبری دارای وثاقت به دست

آید. اما خبر واحد را اگر دارای وثاقت باشد می توان به عنوان اخبار معتبر

پذیرفت و به آن ترتیب اثر داد .

خداوند گزارش می کند که حضرت سلیمان (علیه السلام) به خبر واحد پرنده ای

به نام **هدهد** (پوپک) توجه می کند و از او می خواهد تا خود برای کسب

اطلاعات دقیق تر به ماموریت برود. وَ تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى  
الْهُدَىٰ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (نمل آیات ۲۰ تا ۲۳)

سلیمان ز مرغان پرسید حال      بفرمود از احوال آنان سؤال  
بگفتا که رفتست هدهد کجا      مگر غائب است او ز درگاه ما  
لَأَعَذَّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۲۱  
عذابی بزرگ است او را ز من      سرش را جدا می نمایم ز تن  
مگر آنکه علت کند آشکار      دلیلی بیارد بر انجام کار  
فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ  
يَقِينٍ ۲۲

پس از اندکی مکث هدهد رسید      به درگاه آمد ز راهی بعید  
بگفتا مرا هست اکنون خبر      به چیزی که از آن ندیدی اثر  
ز ملک سبأ دارم یک پیام      کنون گوش می کن ز من این کلام  
إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَ أُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ۲۳  
بدیدم زنی را به ملک سبأ      در آن سرزمین بود خود پادشا  
زمام امورش همی بُد به دست      به تخت پُر از شوکتی می نشست

اما اگر خبر واحد از اهل وثاقت نباشد مانند کسی که اهل فسق و فجور  
است و از تقوای عقلانی و الهی برخوردار نمی باشد، می بایست ضمن  
توجه یافتن به اصل خبر، هرگونه انتشار خبر را متوقف بر تحقیق و

تفحص از منابع معتبر و موثق کرد. ... **إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ**. .... اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک و ارسی کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید (حجرات ۶)

اعزام کارشناس خبر می تواند بسیار کارساز باشد. کارشناس می بایست از زیرکی خاصی برخوردار باشد و همه جزئیات و تحرکات پیرامون حادثه و رخداد خبری را تحقیق کرده و از دور و نزدیک تحت نظر قراردادده و واکنش های دوست و دشمن را درباره خبر، تحلیل و ارزیابی کند و حتی در مقام مسئولیت انسانی و اسلامی، باحضور در میان دشمنان، واکنش های ایشان را مراقبت و تحلیل کرده و در صورت نیاز به دور از آگاهی آنان از موقعیت خود، راهنمایی مثبتی را ارایه داده و افکار و رفتارهای آنان را تغییر دهد.

خداوند گزارش های چندی در این باره ارایه کرده است. از جمله در داستان حضرت موسی (علیه السلام) گزارش می کند که خواهر موسی علیه السلام از سوی مادرش ماموریت می یابد تا طفل داخل صندوق را تعقیب کند و از دور مراقبت نماید تا واکنش های فرعون و فرعونیان را ارزیابی کرده و رفتار مناسبی به عنوان یک گزارشگر زیرک و باهوش از خود در موقعیت های خاص بروز دهد.

این گونه است که خواهر ضمن ماموریت خبری، از دور کودک و رفتار فرعونیان را مراقبت می کند و با زیرکی و تیزهوشی کاری می کند تا کودک به نزد مادر باز گردد. **وَ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۱۱ (قصص ۱۱ تا ۱۳)**

چو مادر به خواهر بگفتا برو  
 به دنبال آن طفل راهی بشو  
 برفت و ز دورش بدید و شناخت  
 بسویش دوید و دل خود بباخت  
 نبد هیچ فرعونیان را خبر  
 که این زن که باشد چه دارد نظر  
**وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ  
 يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ۱۲**

خدا کرده بودی به موسی حرام  
 ز هر دایه ای شیر خوردن به کام  
 (بکردند فرعونیان جستجو  
 مگر دایه یابند از بهر او)  
 که آن خاله گفتا به بی دانشان  
 که آیا شما را دهم ره نشان ؟  
 شما را نشان می دهم يك نفر  
 که او می شود دایه این پسر  
**فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ  
 وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۳**

بدین گونه موسی بگردید باز  
 در آغوش مادر، بخفتی به ناز  
 که روشن شود دیده مادرش  
 غم و حزن یکسو نهد از برش  
 بداند که قول خدا هست راست  
 به جا آورد وعده بی کم و کاست

## ولی اکثر خلق آگه نیند همه عمر خود را به غفلت زیند

همچنین خداوند گزارش می کند که حضرت سلیمان (علیه السلام) هدهد را ماموریت می دهد تا به عنوان یک کارشناس خبر که اطلاعات نخستینی را به دست آورده و در این زمینه آگاهی دارد به عنوان نخستین خبر رسان در این حوزه، نامه ای را به سوی ملکه سبا ببرد و واکنش های آنان را ارزیابی و تحلیل نماید و گزارش کند.

**۳- شایعات:** شایعات هرچند که نمی تواند یک منبع مناسب برای خبر باشد، ولی نمی توان از کنار شایعات بی توجه گذشت؛ بنابراین می بایست به شایعات به عنوان یک احتمال نگریست و با آن همانند خبر فاسق برخورد کرد. پس لازم است که از طریق منابع موثق و معتبر این شایعات بررسی و تحقیق و تفحص شود؛ زیرا شایعه، خبری است که فاش شده ولی صحت و نادرستی آن معلوم نباشد. در آیات قرآنی بیان شده که در صورت عدم امکان مشخص کردن صحت و سقم شایعه می بایست آن را به مسئولان و کارشناسان ارایه کرد تا از هرگونه آثار مخرب آن جلوگیری به عمل آورد. **إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ** (نساء ۸۳)

چرا این منافق کسان دورو که هستند این گونه ناراست گو

سخنها بیارند روی زبان  
 که از خصم باید داشت نهان  
 آنچه باشد خبر از خوشی و ظفر  
 چه باشد ز بیم و شکست و خطر  
 و حال آنکه پرسیده بودند اگر  
 ز پیغمبر و اولیاء دگر  
 همی چاره کردند در کارتان  
 زمین می نهادند آن بارتان  
 اگر رحمت و فضل یکتا خدا  
 نمی گشت شامل به حال شما  
 بجز عده اندکی حق پرست  
 همه راه جستید از ابلیس پست

در حقیقت کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند  
 دسته‌ای از شما بودند آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید بلکه  
 برای شما در آن مصلحتی [بوده] است برای هر مردی از آنان [که در این  
 کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است و آن کس از  
 ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد  
 داشت. چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان  
 نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است. لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ  
 ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ نور ۱۲

پس ای جمع مؤمن چه مرد و چه زن سزاوارتر این بدی در سخن  
 که چون از دورویان شیطان سرشت شنیدید آن تهمت خام و زشت  
 شما را بشد بیشتر حُسن ظن بگفتید باشد دروغ این سخن

لَوْ لَا جَاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۱۳

چرا پس دورویان برآن زشت کار اقامه نکردند شاهد چهار

چو آنها ندارند هرگز گواه همه کاذبانند نزد اله

خداوند در این آیه، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب‌پذیری آنان در برابر شایعات، توبیخ می‌کند. مراجعه به کارشناسان و اهل فن از وظایف هر کسی است که گرفتار فتنه شایعه و یا اخباری از منابع ناموثق و نامعتبر است.

پرسش از اهل ذکر و خبرگان وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل ۴۳)

ز تو پیشتر جز کسانی که ما بر ایشان بکردیم وحی عطا

نگشتی پیامبر کس دیگری که بر مردمان سازد او رهبری

(که قومت پرسند هر دم چرا فرشته نباشی تو ای مصطفی)

پرسید آن را خود از اهل ذکر هرآنچه نیابید آن را به فکر

و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم

پس اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی جويا شوید.

و راسخون در علم و دانش وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرُّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ

کسانی که دارند اندر ضمیر آل عمران ۷ تمایل به باطل طریق و مسیر

از این آیه ها خود اطاعت کنند به تأویل آنان عنایت کنند

و مسئولان و رهبران مرتبط با امور مربوطه **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ**

**وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** (نساء ۵۹)

پس ای مؤمنان با رضا و قبول اطاعت کنید از خدا و رسول

همین گونه با رغبت و با رضا اطاعت نمایید اولی الامر را

پرسش از افراد خبره و عالم به علم و اولی الامر را وظیفه کسانی می داند

که گرفتار امری چون شایعات و شبهات و متشابهاات و منازعات شده

اند. **روزنامه نگار مانند هر عضو رسانه نیز می بایست در این مورد به این اصل**

**عمل کند.**



پیشخوان روزنامه ها - عناوین روزنامه ه...  
pishkhaan.net



تیراژ روزنامه ها چقدر است؟  
eghtesadonline.com



پیشخوان روزنامه ها - عناوین روزنامه ه...  
pishkhaan.net



ویتترین روزنامه ها/ هشدار مسئولانه «آر...»





## سیاست های خبری رسانه های اسلامی

اخباری که از سوی رسانه های اسلامی انتشار می یابد می بایست در چارچوب سیاست های مشخصی باشد؛ زیرا اگر سیاست های خبری مشخص نباشد، می تواند به جای یک ابزار روشنگری، اطلاع رسانی و دانش افزایی و رشد و کمال فرد و جامعه به عنوان یک ابزار مخرب باشد.

**۱- اطلاع رسانی شفاف:** اطلاع رسانی باید شفاف و به دور از هرگونه شائبه باشد. این نوع اطلاع رسانی می تواند از هرگونه تردیدها و ایجاد شبهه جلوگیری کند. سیاست های دولت اسلامی در عصر نبوی نشان داد که هرگونه اطلاع رسانی شفاف می تواند عرصه را بر هرگونه شایعه پراکنی تنگ کند و اجازه ندهد تا در جنگ روانی و جنگ نرم از فقدان اطلاع رسانی شفاف در عرصه ملی سوءاستفاده شود.

## ۲- روشنگری:

اطلاع رسانی می بایست در راستای دانش افزایی و بصیرت بخشی و روشنگری به جامعه باشد و هرگونه شبهه و شایعه ای را از آن بزدايد و فتنه را خاموش و خفه نماید. اصولاً پیامبران وظیفه خود را روشنگری و ایجاد بصیرت در مردم می دانند و مردم را با قوانین، حقوق، توانایی ها و اهداف ابتدایی و میانی و غایی زندگی و جامعه آشنا سازد وَ مَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ ۱۹ وَ لَا الظُّلُمَاتُ وَ لَا النُّورُ ۲۰ وَ لَا الظُّلُّ وَ لَا الْحُرُورُ ۲۱

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَالْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۲۲ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۲۳ (فاطر ۱۹ تا ۲۳) و حدید ۲۵؛

کجا مرد بیناست مانند کور      کجا بوده ظلمت همانند نور

نبودست سایه چنان آفتاب      نباشند مانند هم در حساب

کسانی که با علم خود زنده اند      هم از نور ایمان دل آکنده اند

نباشند یکسان چو آن مردگان      که در چنگ نفسند چون بردگان

سخنهای حق را بدور از خطا      نباشند آن را که خواهد خدا

کسی را که در گور رفته فرو      نشاید نبوشنده سازی تو، او

تو هستی بر این امر تنها سفیر      که بر عامه خلق گردی نذیر

رسانه ها موظف هستند با اطلاع رسانی خود موجبات بصیرت و رهایی از

غفلت را در جامعه فراهم آورند. لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ

غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق ۲۲)

دریغاکه ای جاهل ای تیره بخت      چه غافل بُدی از چنین روز سخت

ترا پرده انداختیم ز کار      که گردد حقایق ترا آشکار

چو چشم بصیرت تو را گشت باز      کنون گشتی آگه ز اسرار و راز

(به او گفته می‌شود:) همانا از این صحنه در غفلتی (عمیق) بودی، پس

پرده (غفلت) تو را کنار زدیم و امروز چشمت تیزبین شده است.

۳- **جریان آزاد اطلاعات :** همه انسان ها از این حق برخوردارند تا از حقایق آگاه شوند و از گفتمان های دیگر اطلاع یابند. از این رو اسلام شرایطی را فراهم می آورد تا حتی دشمنان با حضور در میهن اسلامی با امکانات اسلامی و در امنیت کامل از گفتمان اسلامی عدالت محور و استکبارستیز و ظلم ستیز آگاه شوند و با توحید و حکمت آفرینش آشنا شوند و سبک زندگی اسلامی را بشناسند . **وَ إِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ (توبه ۶)**

گر از مشرکان به یکتا اله  
 یکی از تو خواهد امان و پناه  
 بخوبی پناهِش ده ای مصطفی  
 که تا بشنود آیه های خدا  
 پس از آنکه بر او براندی سخن  
 از آیات یکتا رب خویشتن  
 پس آنگاه او را به منزل رسان  
 که این مشرکانند، نادان کسان  
 اسلام با هرگونه استبداد رای و گفتمان مخالفت می کند و خواهان جریان آزاد اطلاعات است تا همگی از حقایق هستی آگاه شوند و در یک فضای عادلانه به تفکر و انتخاب برخیزند. **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفُورًا (انسان ۳) (حدید ۲۵؛ سوره کافرون)**

به انسان نشان داده پروردگار  
 ره حق و باطل چنین آشکار  
 کنون گر بخواهد، کند شکر رب  
 و یا که بیوید به کفر و شغب

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ كَافِرُونَ ۶

**شما پس همان شرك گيريد پيش كه توحيد من نیز از آن خویش**

هدایت، چند گونه است: گاهی هدایت فطری است **فَأَلَّهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا** نوع دیگر، هدایتی است که از طریق تحصیل، تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه به دست می آید. و نوع سوم هدایتی است که از راه تبلیغ و ارشاد انبیا و اولیا صورت می گیرد.

**۴- مبارزه با دشمن حق و عدالت:** از سیاست های اسلامی در عرصه اطلاع رسانی، حمایت از جریان توحید و ایمان و عدالت و مبارزه با کفر و بی عدالتی و ظلم و استکبار است. بنابراین، هرگونه اطلاع رسانی می بایست در راستای آگاهی بخشی به مردم و ایجاد شناخت نسبت به ظالمان و مستکبران و تقویت اهل حق و ایمان و عدالت باشد.

**۵- جنگ روانی :** جنگ روانی مبتنی بر تسلط بر فکر و قلب است. بنابراین، نقش رسانه در این حوزه بسیار روشن و حساس است. سیاست های رسانه اسلامی می بایست به گونه ای تنظیم شود که ضمن مقابله با جنگ روانی دشمن از طریق شایعات بتواند با اطلاع رسانی دقیق و شفاف و روشنگری با جوامع دیگر بشری را با حقایق اسلام و قرآن و جامعه اسلامی آگاه سازد و امکان تسلط و تسخیر اذهان و قلوب را برای ولایت ایمان فراهم آورد.

## جنگ نرم از منظر قرآن

جنگ نرم به معنای ایجاد شک و تردید در دلها و اذهان . در جنگ نرم، به جای ابزارهای جنگی متعارف چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگی تاثیرگذار بر فکر و اندیشه و عواطف و احساسات انسانی استفاده می شود. جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، نفوذ، دروغ، به وسیله شایعه پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد، ...

توان تاثیرگذاری و نفوذ در دیگران بدون استفاده از روشهای تهدید، تطمیع و یا فشار و زور. استکبار معتقد است باید در عصر کنونی چهره سخت قدرت را کنار گذاشت و در عوض، ابزار قدرت نرم را به کار گرفت، و باید با اعمال قدرت نرم، کاری کرد که جامعه هدف همان چیزی را بخواهد که ما می خواهیم.

به بیان روشن تر، طرف مقابل باید به گونه ای متقاعد شود که به میل و خواست خود و با خشنودی تمام، تن به هدف مورد نظر ما بدهد و در نهایت اظهار رضایت بیشتری هم بکند.

ماهیت جنگ نرم بسیار پیچیده و به قدرت نرم هر شخص یا واحد سیاسی مربوط می شود، از این رو ویژگی های گوناگونی دارد که طرفین درگیر در جنگ می توانند برای تاثیرگذاری و نفوذ بر اراده طرف مقابل از آنها بهره گیرند.

**خواسته دشمن در مبارزه:** در جنگ روانی و نرم دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آن ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها، پایه ها و ارکان اساسی یک کشور؛ دشمن به سراغ این ها می آید که این ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. چرا که در طول تاریخ، همین اعتقادات پاک و الهی ملت ها بوده است.

**ابعاد جنگ نرم از منظر قرآن:** یکی از شیوه های جنگی، جنگ نرم است که جنگ روانی شاخه ای از آن به شمار می آید. این شیوه جنگی، از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و همواره از سوی انسان ها در جنگ ها به عنوان یک ساز و کار موثر مورد توجه بوده است.

تنها تفاوتی که می توان در میان جنگ های نرم در دوران گذشته و عصر معاصر یافت، تفاوت در ابزارها و روشهای آن است. براساس این فرضیه می توان به سراغ آموزه های قرآنی رفت و تحلیل قرآن را از جنگ نرم و مسایل و مباحث مربوط به آن را استخراج کرد.

**جنگ نرم و حدود و مرزهای آن** دشمن در جنگ نرم تلاش دارد میان آحاد مردم تردید، بدبینی، و اختلاف ایجاد کند. آموزه های قرآنی به جنگ نرم در حوزه دشمن شناسی و مقابله با دشمن، توجه داشته و از دو زاویه و دید مختلف نگریسته است. الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ

الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى  
عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (بقره ۱۹۴)

البته در این آیه و آیات دیگر بر این مهم توجه و تاکید شده که مومنان به حکم تقوای الهی، از هرگونه رفتارهای ضد اخلاقی و عقلانی که هنجارها و ارزش های اساسی بشریت را تضعیف میکند و یا از میان برمیدارد باید پرهیز کنند.

اسلام این سنت ماه هابی که جنگ در آن حرام است را پذیرفت و در هر سال چهار ماه را آتش بس اعلام نمود، ولی دشمن همیشه در کمین است تا از فرصت ها سوء استفاده کند و چه بسا با خود فکر کند که چون مسلمانان در این ماهها موظف به رعایت آتش بس هستند، پس به آنها حمله کنیم. این آیه می فرماید: اگر مخالفان شما در این چهار ماه به شما هجوم آوردند، شما نیز در برابرشان بایستید و در همان ماهها با آنان بجنگید و ماه حرام را در برابر ماه حرام قرار دهید. زیرا حرمت خون مسلمانان و حفظ نظام اسلامی از حرمت این ماهها بیشتر است، و هرکس حرمت ها را شکست باید مورد قصاص قرار گیرد. سپس به عنوان يك قانون کلی می فرماید: هرکس به شما تجاوز کرد، به همان مقدار به او

تعدّی کنید. و تقوا داشته باشید و بیش از مقدار لازم قصاص نکنید و بدانید که خداوند با متّقین است.

۱. همه‌ی زمان‌ها یکسان نیستند، حرمت بعضی ماهها باید حفظ شود.
- ۲- در اسلام بن‌بست وجود ندارد. حفظ اسلام و جان مسلمان‌ها بر حفظ احترام مکان‌ها و زمان‌ها مقدّم است. *فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ*
۳. اسلام، دین تجاوز و تعدّی نیست، ولی تجاوز دیگران را نیز نمی‌پذیرد.
۴. حتّی در برخورد با دشمنان، عادل باشیم. *فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ*
۵. سیستم قانون‌گذاری باید به نحوی باشد که موجب یأس مسلمانان و جرأت کفّار نگردد و اصل مقابله به مثل به همین خاطر است.
۶. رعایت تقوا حتّی به هنگام جنگ، از اصول تربیتی اسلام است *اتَّقُوا*
۷. *اللّه* اگر در جنگ از مرز عدالت خارج نشوید، از امدادهای الهی برخوردار خواهید بود. و گمان نکنید عدالت و تقوا پیروزی شما را به تأخیر می‌اندازد.

بنابراین خطوط قرمزها و محدودیت‌هایی را برای این مقابله به مثل در همه حوزه‌ها از جمله جنگ نرم معین کرده که مومنان نمی‌توانند از آن مرزها گذر کنند و همانند دشمنان خدا و دین، عمل نمایند؛ به عنوان نمونه قتل و غارت بی‌گناهان و زنان و کودکان در فرهنگ ضد بشری



دشمنان اسلام صورت میگیرد ولی مومنان مجاز نیستند این گونه رفتار کنند و مقابله نمایند .

در جنگ نرم نیز دشمنان به شیوه های زشت و ناپاکی رو می آورند که حریم های انسانی و نیز قداست و کرامت بشری را میشکنند و به تهمت و افتراهای ناموسی و همانند آن رو می آورند، در حالیکه مومنان براساس آموزه های اسلامی و محوریت تقوای عقلانی و عقلایی و شرعی نمیتواند در جنگ نرم از آن ها بهره گیرند.

## ویژگی های جنگ نرم

**۱. هویت زدایی و ایجاد هویت جدید :** جنگ نرم، در پی تغییر قالب های ماهوی باورها، ارزش ها و رفتارهای جامعه هدف، و ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی آن است، تا ماهیت بومی و ملی اولیه آنها را بزدايد و مدل های جدید هویتی را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگزین نماید .

**۲. تدریجی، آرام و نامحسوس :** جنگ نرم، آرام، تدریجی، خزنده، زیرسطحی، نامحسوس و رمزآلود است. این جنگ آن چنان مرموز، پیچیده و پوشیده است که بسیاری از مردم حتی خواص و نخبگان جامعه آن را تشخیص نمی دهند.

**۳. تصویرسازی با استفاده از نمادها :** طرفین متخاصم در جنگ نرم،

با استفاده از نمادها، تصویری مطلوب و جذاب از خود ارائه می‌کنند و حریف خود را مأیوس، شکست‌خورده و ضعیف به تصویر می‌کشند.

**۴. ماندگاری و پایایی آثار** در جنگ نرم، آثار، پیامدها و نتایج، ماندگار و پایا است و به راحتی بازگشت‌پذیر نیست.

**۵. ایجاد جاذبه و استخدام عناصر دشمن** طرفین متخاصم در جنگ نرم، با ایجاد جاذبه کاذب و شیرین، چنان عمل می‌کنند که نیروهای درون جامعه هدف، خواسته یا ناخواسته، در استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم درآمده و از این طریق بتوانند، شدت بیشتری به تاثیرگذاری خود برطرف مقابل، ببخشند.

**۶. تحریک افکار و عواطف** مهندسان جنگ نرم می‌کوشند با نمادسازی، اسطوره‌آفرینی و خلق ارزش‌های نو و جدید، در افکار و باور کشور هدف نفوذ کنند و با تحریک عواطف و احساسات، بسترهایی را برای خلق بحران فراهم می‌آورند، که برخی از اهم این بسترها عبارتند از:

افزایش آسیب‌ها و تقویت ضعف‌ها	داشتن تنوع روشی
تردیدافزایی و بدبین کردن	بحران آفرینی‌های مکرر
استفاده از فضای مجازی و به روز بودن	تحمیل فریبده رفتار

**روش شناسی و رفتار شناسی دشمنان** خداوند در تحلیل روش شناسی و رفتار شناسی دشمنان اسلام و توحید، به این نکته توجه میدهد که دشمنان اسلام، به سبب همدلی و مشابهت و همانندی در فکر و

اندیشه، یکسان و همانند هم عمل میکنند قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مَثَلًا قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ بقره ۱۱۸ مردم نادان اعتراض کردند که چرا خداوند با ما سخن نگوید، یا معجزه‌ای (و کتابی مطابق میل ما) بر ما نمی‌آید؟ پیشینیان هم به مانند اینان (به نادانی) چنین سخنان می‌گفتند؛ دل‌هایشان (در ناهمی) به هم شبیه است.

**به نادانی و جهل هم پیش از این کسانی بگفتند قوی چنین**

**که دل‌هایشان هست بر هم شبیه به نادانی و جهل، قوم سفیه**

از این رو بخش زیادی از آیات قرآنی به گزارش‌های تاریخی از رفتارهای دشمنان و تحلیل علل، عوامل، اهداف و مانند آن اختصاص یافته؛ زیرا با تحلیل آن امور به آسانی می‌توان رفتارهای دشمنان عصر حاضر را تحلیل و ارزیابی کرد. و توصیه‌های مناسب برای مقابله و مواجهه با آن ارائه داد. دشمنان اسلام و توحید هرچند که از نظر ظاهری و نژادی و قومیت‌ها متفاوت هستند، ولی همگی آنان از عنصر مشترک انسانیت سود می‌برند که می‌تواند رفتارها و شیوه‌های آنان را یکسان نماید. همین تشابه قلوب که در آیه مطرح شده، به ما این امکان را می‌دهد تا بتوانیم از پیش، رفتارهای آنان را پیش‌بینی کنیم و بر اساس آن، ساز و کارهای مقابله را فراهم آوریم و اجازه ندهیم تا دشمن به اهداف پست و پلید خود دست یابد.

**ابزارهای جنگ نرم** فرهنگ و تمدن بشری همان گونه که به سوی کمال پیش می رود در ابزارها نیز کمال می یابد و نواقص و کمبودهای آن جبران میشود. در گذشته **داستان سرایی** و **افسانه سازی** از شخصیت های پهلوانی از دیگر ابزارهایی بود که در جنگ نرم میان تمدنها و اقوام و ملل بسیار مورد بهره برداری بوده. و اقوام و ملل دیگر را تحقیر کرده و به سخریه می گرفتند تا جایی که شخص از انتساب به قوم و قبیله ای شرم میداشت **و يَقُولُونَ إِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ** صافات ۳۶ (طور ۳۰ انبیاء ۵ حاقه ۴۱)

**بگفتند آیا به گفتار خام که این شاعر مست گوید مدام**

**بشوئیم دست از خدایان خویش؟ نگیریم هرگز چنین کار پیش**

اتهام شاعری از آنروزه میشد که آموزه های آنان را در حد سخنانی برای تحریک عواطف و احساسات پایین آورند و به مردم بقبولانند که آموزه های آنان بیرون از دایره عقلانیت میباشد و نمیتواند عامل خوشبختی و سعادت ایشان و دستور درست زندگانی بشر باشد.

**افسانه سرایی** **وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ**

**هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ** انفال ۳۱

**بر آن قوم کز راه باطل رود** **گر آیات یزدان تلاوت شود**

**بگویند آن را شنیدیم باز** **در آن راهی از معجزه نیست باز**

**که ما هم اگر میلمان خواستی** **چنین چیز گفتیم بی کاستی**

چنین آیه هایی که سازی بیان      برانی همیشه به روی زبان  
نباشد جز افسانه ای بیشتر      از آنها که بودند زین پیشتر

و آیات ۲۴ نحل و ۵ فرقان بر آن دلالت میکند.

در جهان امروز، ابزارهایی که برای جنگ نرم مورد استفاده قرار می گیرد از تنوع و تعدد بسیاری برخوردار است. لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (مومنون ۸۳)

به ما و به اجداد ما، عده ها      چه بسیار دادند زین وعده ها  
فسانه است اینها ز پیشینیان      که بر ما نمایند آن را بیان

روزنامه ها، تلفن های همراه، ماهواره ها، رسانه های همگانی و اینترنت و شبکه جهانی آن، در کنار ابزارهای دیگر، مهم ترین ابزارهای جنگ نرم است که در بسیاری از کشورها و ملت ها تأثیرات مخرب خود را گذاشته و زمینه را برای تسلط جهانخواران و دشمنان مردم فراهم آورده است.

**روش های شیطانی در جنگ نرم** جنگ میان حق و باطل، ایمان و کفر، عدالت و ظلم، جنگی دایمی است. چون ادله و برهان الهی در مورد تقدم آدم (علیه السلام) خاکی بر جن آتشی را ابلیس شنید و مأمور به سجده اطاعت و ولایت از وی شد، زیر بار نرفت و کفر ورزید و عصیان نمود. پس کینه آدم (علیه السلام) را به دل گرفت و جنگ با وی را آغاز کرد.

براساس گزارش های قرآنی، جنگ نخست میان ابلیس و آدم(علیه السلام) جنگ نرم بود. بنابراین باید ابلیس را به عنوان مبتکر و مبدع جنگ نرم دانست. از آن جایی که بر اساس آموزه های قرآنی، اولیای جنی و انسی ابلیس، به عنوان شیاطین در جنگ میان حق و باطل و ایمان و کفر شراکت مستقیم و جدی دارند، بازخوانی روش ها و شیوه های شیطانی در جنگ نرم می تواند مؤمنان را ضمن آگاهی بخشی از وضعیت و روش های دشمن، مهیای شناسایی راه های مقابله نماید.

**روش های جنگ نرم** در قرآن تغییرپذیری و متأثر شدن، درباره **بلعم باعورا** و **سامری** گزارش شده. مهم ترین روش ها روش **افک** و **افتراء**، روش **شخصیت سازی**، روش **تخریب شخصیت**، روش **شایعه سازی**، روش **تهدید**، روش **تحریم** و مانند آن است. در روش **افک** و **افتراء**، دشمنان تلاش می کنند تا جایگاه رهبران و مسئولان هر جامعه و نظامی را از مقام بالا، شخصیت های کامل و سالم و الگوهای مهم دیگران پایین آورده و تنزل دهند.

**ترور شخصیت** بعنوان مهم ترین روش در جنگ نرم مورد توجه و تأکید قرار می گیرد. در طول تاریخ این گونه رفتارها از سوی دشمنان درباره پیامبران بسیار به کار رفته گزارش شده. اتهام دزدی و بهره گیری از قدرت و ثروت برای مقاصد شخصی، بهره کشی از دیگران برای مقاصد پست

دنیوی و هواهای نفسانی از جمله این امور است که همواره از سوی دشمنان استفاده شده است.

در مرحله دوم، اگر ترور شخصیت رهبران، شدنی نشد به سراغ خانواده و بستگان نزدیک وی می روند که از جمله معروف ترین این وقایع می توان به ترور شخصیت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) از طریق افک و بهتان به همسر وی اشاره کرد که در آیه ۱۱ نور گزارشی از آن آمده است **إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ**

همانا گروه دورویان و پست	که بر «عائشه» تهمت بد زدست
نمایند با خویشتن این گمان	رسد آبروی شما را زیان
چنین نیست بلکه بیابید خیر	ثوابی ببینید برتر ز غیر
دورویان بیابند بی شک عقاب	به پاداش اعمال خود در حساب
هرآن کس که شد منشأ افترا	عذابی عظیم است بر او سزا

(همانا کسانی که آن بهتان را بستند (و به عائشه تهمت کار ناشایست زدند که رسول و مؤمنان را بیازارند) گروهی همدست از (منافقان) شما هستند؛ نپندارید ضرری از آن به آبروی شما می رسد بلکه خیر و ثواب نیز (چون بر تهمت صبر کنید از خدا) خواهید یافت؛ هر یک از آنها به عقاب گناه خود خواهند رسید؛ و آن کس از منافقان که رأس و منشأ این

بهتان بزرگ گشت هم او به عذاب بزرگ معذب خواهد شد.  
دشمنان یهودی چون نتوانستند عیسی (علیه السلام) را بی شخصیت کنند، با بهره گیری از افک و بهتان، کوشیدند تا دامن پاک دوشیزه ای چون حضرت مریم سلام الله علیها را بیالیند و شخصیت کاریزماتیک آن بزرگوار را هدف گیرند (مریم ۸۲) **كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا**  
چنین نیست، بلکه به زودی پرستش آن خدایان باطل را انکار کنند و به خصومت آنها برخیزند.

**نماند چنین تا زمان ابد**      **که بلکه یکی روز خواهد رسد**  
**که از آن خدایان بتابند روی**      **خصومت نمایند بی گفتگوی**  
**شخصیت سازی :** دشمنان می کوشند تا رقیبانی از درون همان جامعه برای شخصیت های اصلی و رهبران جامعه ایجاد کنند. در این کار با گزینش کسانی که قابلیت هایی را در اختیار دارند، با روش جایگزین سازی می کوشند تا جا به جایی در سطوح رهبری را فراهم آورند و با کم ترین هزینه، بیش ترین سود را ببرند. **(علامه خواندن حسن خمینی توسط هاشمی رفسنجانی آماده سازی شخصیت سازی و بهره برداری از آن یک نمونه ی روشن بود برای رسیدن به اهداف در آینده)**



در داستان حضرت موسی (علیه السلام) فرعون کوشید تا نخست با ساحران  
(اعراف ۱۱۵ تا ۱۱۷ و شعراء ۴۳ تا ۴۵) قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَنْتَ تُقَيِّمُ وَ إِنَّمَا أَنْتَ نَكُونُ  
نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۱۱۵

به موسی بگفتند آن ساحران      که اکنون فراز آی در این میان  
عصابت تو می افکنی یا که ما      که باشد نخستین نفر؟ می نما

و سپس با بلعم باعورا (اعراف ۱۷۶) به اهداف خود برسد و جایگزینی  
برای آن حضرت علیه السلام بسازد که از نظر او همتر از شخصیتی موسی (علیه  
السلام) بودند. وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ  
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ  
الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۱۷۶

اگر میل می داشت یکتا خدا      بر او نعمتی خاص می شد عطا  
و لیکن فروماند از این مقام      که از نفس خود راه جستی مدام  
بود در مثل همچو يك سگ که گر      نمائی تو تعقیب او در گذر  
و یا واگذاریش بر حال خویش      به هر حال عوعو کند کم و بیش  
بلی این مثل حال آن مردم است      که بر کذب آیات یازند دست  
بر ایشان بخوانید این داستان      فزاید مگر عبرتی نو از آن

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با معرفی دو نفر به عنوان همتراز ایشان  
تلاش شد با شخصیت سازی دیگران، جایگزینی برای آن حضرت معرفی

کنند و قدرت را با انتقال به آنان مدیریت و مهار کنند و قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروة بن مسعود) نازل نشد؟ (زخرف ۳۱)

**دگرباره گفتند یکتا خدا      نگفتست قرآن خود را چرا**

**بر آن دو نفر مرد خاص و شهیر      که هستند در این دو شهر کبیر**

در جهان معاصر نیز با اهدای جوایز بین المللی چون صلح نوبل و حقوق بشر و شخصیت سازی از طریق رسانه ها، همانند سازی و شخصیت سازی برای رهبران صورت می گیرد .

**روش ارتداد** از روش های جنگ روانی، بازی با ارزش های جامعه با ایمان و ارتداد نسبت به آن است. برخی از دشمنان از کافران و منافقان، با بهره گیری از این شیوه می کوشند تا تردید و دودلی را در جامعه بیفکنند. از این رو گاه با ابزار ایمان و همدلی و همراهی ظاهری با مسئولان و مردم، و سپس اظهار کفر و بی ایمانی نسبت به آن می کوشند تا مردم را دچار تردید نسبت به آموزه ها و ارزش ها و باورهای خود کنند. همراهی با شخصیت های اجتماعی و رهبران و تایید مواضع آنان و سپس مخالفت با آنان، بسیاری از سست ایمان ها و بیمار دلان را به تردید می افکند و زمینه اختلاف و تفرقه را فراهم می آورد. قرآن

گزارش میکند که در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنان از این روش بسیار سود میبردند. **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا** (نساء ۱۳۷ و ۱۳۸)

**کسانی که گشتند مؤمن، نخست ولی باز کافر بگشتند و سست**  
**دگرباره مؤمن شده بر طریق ولی باز در کفر گشته غریق**  
**به هر شیوه‌ای هم برآن کفر خویش فزودند هر لحظه افزون ز پیش**  
**دگر هیچ وقتی و در هیچگاه نیامرزد ایشان یگانه اله**  
**هدایت نسازد به راه درست کسی را که این گونه اعمال جست**

دشمنان کوشیدند تا برای تاثیرگذاری بیش تر، مدت زمانی را در ظاهر ایمانی به سر برند و سپس با نفوذ در لایه های اجتماعی و وجیه المله شدن، توانستند با بازگشت و ارتداد خود ضربه های استواری به ایمان اشخاص سست ایمان بزنند.

**شایعه سازی:** این روش حتی در میدان جنگ برای کاهش روحیه سربازان به کار می رود. در جنگ احد دشمنان با شایعه کشته شدن پیامبر (صلی الله) تلاش کردند تا موجب اختلاف و فرار و از هم پاشیدگی ارتش اسلام شوند. **لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا** احزاب ۶۰

کنون گر منافق کسان دورو      بداندیش مردان بیمارخو  
 کسانی که اندر مدینه مدام      به هرگونه نیرنگ و تدبیر و دام  
 قلوب همه مؤمنان به رب      هراسان نمودند هر روز و شب  
 اگر خود نشویند زین کار دست      نگردند با مؤمنان هم نشست  
 برانگیزدت حق، برای جدال      درآئی تو با این کسان در قتال  
 مسلط بگردی بر اموال و جان      به فرمان و دستور رب جهان  
 وز آن پس کنار تو، قوم ذلیل      نماند جز روزگاری قلیل

در این آیات از نقش تخریبی شایعه و آثار آن در شکست ارتش ها سخن گفته شده و از مومنان خواسته شده تا در دام شایعه سازی دشمن قرار نگرفته و به عنوان عامل دشمن به شایعه پراکنی اقدام نکنند و در حقیقت آب به آسیاب دشمن نریزند

روش **تهدید** و **تحریم** از دیگر روش هایی است که در جنگ نرم بسیار مورد توجه است از طریق ترساندن و ارباب است. فراهم آوری تمام قدرت های نظامی و غیرنظامی از نظر عده. عده می تواند موجب ترس و هراس دشمن شود و امکان هرگونه واکنش و عکس العمل درستی را از آنان سلب کنند. **وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ**

مهیا نمایند بهر نبرد	انفال ۶۰	هرآنچه که آن را توانید کرد
ز اسب سواری و آلات جنگ		بسازید بر دشمنان راه تنگ
که تهدید سازید خصم خدا		همه دشمنان را به دور قضا
یکی قوم دیگر، کز آن، دشمنان		نباشید آگه شما مؤمنان
که تنها خداوند داند نکو		که هستند آنان شما را عدو
به راه خداوند هرچه دهید		هرآن چیز در راه ایزد نهید
دهد اجر آن را یگانه اله		نگردد ستم بر شما هیچگاه

**بصیرت زایی و بصیرت افزایی :** قرآن مهم ترین روش دشمن در جنگ نرم را روشی می داند که هدف از آن قرار دادن مخاطب پیام ها در غفلت، جهل و تحلیل نادرست و نارواست. در این روش، دشمن خبری دروغ را می سازد و از زبان افراد مختلف تکرار می کند تا برای توده های مردم بلکه خواص نیز باورپذیر باشد. همین روش را در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ احد با شایعه سازی و شایعه پراکنی کشته شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آزمودند به طوری که در یک لحظه همه لشکر اسلام از جنگ بازماند و حتی بسیاری از خواص به سبب باورکردن آن از صحنه جنگ گریخته و در پی عافیت رفتند. باورپذیری از طریق تواتر سازی خبر دروغین و شایعه، شیوه ای است که حتی خواص را فریب می دهد. شبکه های عنکبوتی که هر خبری را از یک دیگر تکرار می کند، باورپذیری را آسان می کند. به عنوان نمونه وقتی روزنامه های زنجیری و شبکه عنکبوتی رسانه های

ماهواره ای و اینترنتی یک مطلب را در اشکال مختلف تصویرسازی می کنند، باورپذیری آن آسان می شود. در این روش از غرقه سازی که در علوم روان شناسی اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد، به خوبی استفاده می شود. غرقه سازی مخاطب از طریق همه رسانه های شنیداری و دیداری می تواند مردم را در حالی از غفلت قرار دهد که از تفکر درباره ماهیت خبر و صدق و کذب آن بازماند.

یکی از روش های رویارویی با دشمنان، **مقابله به مثل** است که از سوی خداوند در جنگ نرم مورد توجه و تاکید و از سوی معصومان (علیهم السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به کار گرفته شده است، تشدید مجازات است. در تاریخ موارد بسیاری را می توان یافت که از جمله برخورد شدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عاملان جنگ نرم و دستور قتل آنان است. البته آن چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آن فرمان می دهد، فتک و ترور و یا اغتیال نیست؛ زیرا ترور و فتک از نظر اسلام و ایمان حرام است.

جواز قتل عاملان و فعالان در جنگ نرم به معنای جواز ترور نیست. از جمله افراد و فعالان در جنگ نرم که آن زمان به شکل سرود و شعر و ابزارهای آن انجام می شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکم قتل وی را صادر کرده بود، می توان به کعب ابن اشرف اشاره کرد که یکی از سرسخت ترین دشمنان اسلام بود.

او در اشعارش پیامبر اسلام را هجو می کرد و مشرکان و عرب را به جنگ با وی تحریک می کرد. پس از جنگ بدر وی به عنوان فرستاده بزرگ یهود به سوی قریش، به مکه آمد و قریش را برای جنگ با مسلمانان و خونخواهی کشتگان بدر تحریک کرد و چون در اشعارش پیامبر (صلی الله علیه و آله) را هجو می کرد و به اصحاب وی و مسلمانان ناسزا می گفت، اهل مکه ترسیدند از اینکه حسان بن ثابت شاعر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در رد اشعار کعب، متعرض مکیان شود و علیه مردم مکه شعر بسراید. لذا از کعب ابن اشرف خواستند از مکه خارج شود. کعب از مکه خارج شد و در میان اقوام عرب شبه جزیره می گشت و تخم کینه و دشمنی نسبت به پیامبر و اصحابش را در میان آنان می پاشید و چون در یثرب اقامت گزید، در اشعارش زنان مسلمان را مورد تعرض قرار می داد و شرف و کرامت ایشان را پایمال می کرد و به آنها ناسزا می گفت و در جهت ایجاد شورش در مدینه منوره تلاش می کرد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) با یارانش درباره قتل وی مشورت کرد و مسئولیت این عمل مهم را محمد بن مسلمه، ابونائله سلکان بن سلامه بن وقش، عباد بن بشر بن وقش، حارث بن اوس بن معاد، ابو عبس بن جبر به عهده گرفتند. و در ماه ربیع الاول سال سوم هجری قتل شاعر یهود و مشرکان در محلی نزدیک پناهگاه و قلعه وی به نام شعب العجوز در خارج یثرب صورت گرفت. (طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۵؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۴۳)

## هیاهوگرایی (کف و سوت) در برابر منطق

هیاهوگرایی یکی از روش های است که دشمنان اسلام و قرآن در جنگ روانی برای دست یابی به اهداف خود در پیش می گیرند. از آن جایی که دشمنان اسلام دارای منطق عقلانی نیستند به جای پاسخ گویی به پرسش ها و نیز تبیین مواضع و افکار و اندیشه های خویش به هجو و توهین یا هیاهو و غوغاسالاری رو می آورند. در قرآن گزارش های بسیاری را از رفتار دشمنان حق و اسلام آورده است که در حوزه روش شناسی رفتار دشمنان حق در برابر سخنان حق پیامبران قرار می گیرد. در این گزارش ها آمده که نمرود در برابر استدلال های حضرت ابراهیم (علیه السلام) و فرعون در برابر منطق قوی و برهانی حضرت موسی (علیه السلام) به چرندگویی و هیاهوسالاری توسل جستند.

هنگامی که مشرکان مکه، نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رفتارهای منطقی و عقلانی و عقلایی وی را در عبادت می دیدند، به جای این که رفتار عبادی خود را نقد کنند به کف و سوت پناه می برند تا هم اجازه ندهند کلمات نماز شنیده شود و هم خود را نشان دهند و مردم ساده و ظاهربین را به سوی خود بکشانند. در آیه ( انفال ۳۵ ) وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

نمازی که در کعبه خوانند چیست؟ بجز بانگی و کف زدن هیچ نیست



همه مردمان را ز بیت خدا برانند و سازند از هم جدا

پس اکنون عذاب خدا را کشید چو گشتید کافر، سزایش چشید

در روز عاشورا نیز دشمنان امام حسین علیه السلام بارها برای این که سخنان حق آن بزرگوار شنیده نشود، به هیاهو سالاری رو آوردند و با سوت و کف و کرنا و هلله اجازه ندادند تا سخنان آن بزرگوار شنیده شود و مردم از آن متأثر شوند و یا راه حق را ببابند.

**مخاطبان جنگ نرم :** مخاطبان جنگ های نرم گروه های مختلف جامعه هستند ولی بیشترین تاثیر را در میان افراد و اقشار جامعه، گروه هایی چون سست ایمان ها، دو چهرگان، خواص مغرور، بیمار دلان و مانند ایشان می پذیرند. از این رو خداوند از مومنان می خواهد تا با تقویت توحید خویش، ربوبیت خداوندی را در همه چیز احساس کنند و دلگرم به حضور و قدرت الهی در هر کاری باشند.

**هدف از جنگ نرم :** تردید در شیوه زندگی و نظام سیاسی، ایجاد بدبینی نسبت به مسئولان، ایجاد اختلاف و تفرقه برای تسلط بر جامعه و منابع آن از جمله اهداف جنگ نرم می باشد. در این روش دشمن به سادگی و آسانی بی آن که حتی هزینه های سنگین نظامی و جانی و مالی را تحمل کند، با بهره گیری از احساسات و عواطف جامعه می کوشد تا مقاصد شوم خود را تحقق بخشد.

## قرآن و ضرورت آمادگی دائمی برای جنگ نرم و سخت : حفاظت از

منافع مادی و معنوی فرد و اجتماع در آموزه های دستوری قرآن مورد توجه بوده و تاکید شده. میتوان به آموزه های دستوری قرآن به جنگ های روانی و ترساندن دشمن از هرگونه تحرکات مخرب و ایجاد تنش در جامعه اشاره کرد. بسیاری از آیات قرآن که به شکل انذار وارد شده نوعی جنگ روانی را مدنظر دارد. در انفال ۶۰، **تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛**

**که تهدید سازید خصم خدا همه دشمنان را به دور قضا**

در حقیقت قرآن آمادگی نظامی را که به دو شکل شمار کمی نظامیان آموزش دیده و آماده و تهیه تجهیزات نظامی پیشرفته صورت می گیرد، به عنوان عوامل موثر در حوزه جنگ روانی مورد ارزیابی و تحلیل قرار می دهد و به نقش بازدارنده آن اشاره می کند. روشن است که آمادگی در همه جهات می تواند دشمنان را از تجاوز به مرزهای جغرافیایی و معنوی مسلمانان باز دارد.

در آیات قرآن با تاکید بر جنگ روانی این مسئله نمایانده می شود که انسان ها به طور طبیعی گرایش به روحیه تجاوزگری دارند و برای خاموش کردن و از میان بردن بسترهای مناسب آن باید همه امکانات پیشرفته و سلاح های بازدارنده فراهم آید. هدف از تهیه نفرات و تجهیزات آن است که به دشمن هشدار داده شود که هرگونه جنگ و دامن زدن به آن نه

تنها برای او منافع اقتصادی و یا معنوی نخواهد داشت بلکه منافع مهم تری از دست خواهد داد.

در حقیقت قرآن بیان میکند که آمادگی نظامی مسلمانان نه برای تهاجم و تجاوز بلکه برای دفاع از منافع امت است به گونه ای که رویارو نشدن دشمنان با چنین مسلمانان آماده ای به نفع دشمنان خواهد بود. آمادگی نظامی به گونه ای باید باشد که هم دشمنان ظاهر و آشکار از هرگونه تجاوز و جنگی پرهیز کنند و هم دشمنان پنهان و منافقان، هوس حمله و تجاوز به حقوق مسلمانان واقعی و همکاری با دشمنان را نکنند؛ زیرا منافقان هرگاه مسلمانان را از نظر دفاعی و آمادگی، ناتوان ببینند هوس همکاری با دشمنان را در سر می پرورانند، ولی آمادگی مسلمانان، منافقان را وای دارد تا برای منافع زودگذر خود هم شده از همکاری با دشمنان پرهیز کنند. بنابراین هدف از آمادگی همیشگی، جلوگیری از تجاوز و حمله دشمنان شناخته شده و ناشناخته به حریم امت و جامعه اسلامی است.

**ابعاد آمادگی نظامی و جنگ روانی:** یکی از مهمترین ابزارهای بازدارنده از هرگونه تجاوز دشمنان، جنگ روانی است که با کمترین هزینه بیشترین بهره و منافع به دست می آید. آیات قرآنی در همه مواردی که با دشمنان مشرک و منافق و کافر سخن می گوید از حربه جنگ روانی بهره می برد. در آخر این آیات ما با کلمات تند و انذار و هشدارهای سختی مواجه می

شویم که روحیه دشمن را خرد می کند. خداوند پس از بیان هر مطلبی که درباره دشمنان اسلام است آنان را به عذاب سخت، بدبختی، بدفرجامی و آتش دوزخ و مانند آن مژده می دهد و بیان می کند که رفتار دشمنان نه تنها برای آنان نفعی نخواهد داشت بلکه موجبات بدبختی آنان را فراهم می آورد

تخطئه و درهم شکستن روحیه آنان، از اهداف این جنگ روانی است. دشمن پیش از آن که واقعا با عذاب آخرتی مواجه شود، از هجوم بی وقفه آیات کوبنده، نابود و سست می گردد و روحیه تهاجمی و هدفمند خود را از دست میدهد. دشمن در می یابد که به جای آن که منفعتی از حمله به دست آورد، همه چیزش را از دست داده است. توهم و تخیل از دست دادن، وی را به کنجی می کشد و توان حرکت و تهاجم را از او سلب میکند. خرد کردن روحیه دشمن و ایجاد جنگ روانی، اصل راهبردی بسیاری از آیات قرآن است.

**اصل هراس انگیزی و باز دارندگی :** برای رسیدن به این هدف، قرآن به مسلمانان شیوه های دیگری می آموزد تا به کمک آن جنگ روانی را تشدید کنند و با متزلزل کردن روحیه دشمن، هرگونه تحرک تنش آفرین و خشونت باری را از آنان سلب نماید. از آن میان می توان به ساخت هرگونه ابزار و ادوات جنگی و غیرجنگی که نقش دفاعی و بازدارندگی را

دارند، فراهم آوری توان و نیرو است. توان شامل هرگونه ابزار و آلات بازدارنده و یا هجومی و یا دفاعی است. ازاین رو تنها به سلاح اشاره نشده. تهیه هر چیزی که قدرت امت و دولت اسلامی را افزایش میدهد امری لازم و ضروری است و باتوجه به شرایط مکانی و زمانی تغییر میکند.

ممکن است چیزی در زمانی ابزار جنگی مناسبی باشد ولی در عصر دیگری نه تنها مفید نباشد بلکه زیانبار به قدرت اسلام و مومنان باشد.

### **در زمانه ما رسانه ها به عنوان یکی از ابزارهای جنگی قوی مطرح**

**هستند**، بنابراین بر امت است که از این توان نیز برخوردار گردند. چنان که فراهم آوری نفرات و نیروی انسانی زبده و کارآمد امری است که هرگز نباید آن را دست کم گرفت. در زمانی نیروی زبده کسی است که سوار بر اسب، تیراندازی می کند و در زمانی دیگر کسی است که در پس شبکه جهانی اینترنت و یا حوزه خبری و رسانه ها به جنگ روانی می پردازد. فراهم آوری و آموزش نیروی زبده به معنای آن است که در همه زمینه ها (توان و نیرو) از آمادگی لازم و بازدارنده برخوردار باشیم.

در همه این ابزارها و نیروها آن چه مهم و اساسی است اصل هراس انگیزی و ایجاد بازدارندگی است. (مجمع البیان، ج ۳ ص ۲۱۱ و جامع البیان مجلد ۴ جلد ۴ ص ۷۲۲) آگاهی از نقاط ضعف و قوت دشمن یا امور دفاعی، جزئی از این آمادگی است که مفسران در بیان این آیه آورده اند.

آیات دیگری از قرآن بر این جنبه از آمادگی دفاعی تاکید دارند آیه ۴۹ نساء؛ زیرا از لوازم مصونیت یافتن از دشمن، شناخت دقیق موقعیت جغرافیایی و توان و قوت و قدرت دشمن است. **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا**

نمی بینی آیا که آنان چسان نمایند دعوی پاکي جان  
همانا که تنها یگانه خداست که پاکیزه سازد کسی را که خواست  
به اندازه رشته ای از رطب به کس هیچ ظلمی نکردست رب

چنانکه شناخت نقاط ضعف و اختلاف فکری و یا روشی نیز از ابزارهای مهم است که در ایجاد قوه بازدارندگی نقش مهمی را ایفا می کند. رزمایش های مختلف در حوزه های موثر و کاربردی، از دیگر ابزارهای جنگ روانی است. افزون بر این که در این رزمایش ها، نیروهای نظامی با توان و امکانات خود به صورت علمی آشنا می شوند و مهارت آنان افزایش می یابد، تاثیر مهمی در روحیه دشمن نیز به جا می گذارد. نمایش قدرت و توان نظامی به معنای ایجاد رعب و هراس در دل دشمن است تا فکر تجاوز را به ذهن خود راه ندهد. برخی از مفسران در بیان شدت عملی که در آیه ۱۲۳ توبه آمده : مراد از آن ضرورت نمایش قدرت و روحیه جنگاوری سپاهیان اسلام است. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ**

سزد با خشونت بریزید خون      بیابید چون کافران را کنون  
نمایید آغاز این را دگر      ز هرکس شما راست نزدیکتر  
ببایست بیندتان تیز چنگ      که ترسیده گردند در روز جنگ  
همانا بدانید پروردگار      بود یاور قوم پرهیزکار

بنابراین بر دولت و امت اسلامی است که به روش های جنگ نرم و جنگ روانی آشنا شوند و با به کارگیری شیوه های نوین، هرگونه تحرک را از دشمن سلب کنند. تحقق این هدف جز با آشنایی با ابزارهای عصری ممکن نیست. از این رو گفته شده که باید فرزند زمان خویش بود و کسی که به زمانه خود آگاه است و ابزارهای آن را می شناسد هرگز دچار تردید نمی شود، در عمل درمانده نخواهد شد.

**جنگ نرم، جنگ اندیشه ها و رسانه ها :** جنگ نرم برخلاف جنگ سخت که بر جسم و بدن و فیزیک متمرکز است، بر جان ها و اندیشه ها و قلب ها متمرکز می شود. از این رو، ابزارهای جنگی در آن نیز بسیار متفاوت می باشد. در این راستا به سبب کاربرد بسیار زیاد و قوی رسانه در این جنگ، آن را جنگ رسانه ها نامیده و برخی دیگر نیز به سبب تأثیرگذاری بر روان مخاطب آن را جنگ روانی گفته اند

با این همه نمی توان جنگ نرم را محدود به این امور کرد، چرا که جنگ نرم، جنگ همه جانبه ای برای تسخیر قلوب، جان ها و اندیشه هاست.

بنابراین از همه ابزارها از جمله رسانه استفاده می کنند تا مدیریت شخص و یا جامعه را در اختیار گیرند و او را همدل و در نهایت همراه خویش سازند. به سخن دیگر، هدف از جنگ نرم، نه تسلط بر جسم ها بلکه جان هاست؛ چنان که جنگ نرم نه حذف فیزیکی بلکه همدلی و همراهی روحی مخاطب و تسخیر قلوب و همراه کردن آن با دشمن پیشین است. شاید بهترین تعبیر در بیان هدف در جنگ نرم، همان واژه **اولیاء** است. می توان گفت که هدف از جنگ نرم از سوی هر دو رقیب دیرین، تبدیل دشمن به **اولیاء الله** یا **اولیاء الشیطان** است. خداوند در آیات بسیاری توجه می دهد که مومنان باید همواره مواظب باشند تا از اولیاء الله به اولیاء الشیطان تبدیل نشوند، چرا که جنگ امت اسلام و امت کفر با رهبری **ائمہ الایمان** و **ائمہ الکفر** همواره ادامه خواهد داشت تا این که امت اسلام بر امت کفر غلبه کند.

جریان کفر می کوشد تا خود را به عنوان یک پدیده و جریان غالب بر جوامع بشری مطرح کند و در این راه از همه توش و توان خود بهره می گیرد. این جریان سعی دارد تا به عنوان یک پدیده که نمای اصلی جامعه است مطرح باشد به گونه ای که دیگر جریان های فکری و رفتاری اصولاً دیده نشود یا به چشم نیاید. براین اساس از همه روش ها برای خودنمایی و چیرگی بهره می برد و فتنه جویی و شبهه افکنی و زشت و باطل را زیبا و حق جلوه دادن را به عنوان مهمترین اصول چیرگی به کار می گیرد.



خداوند از مومنان می خواهد تا مواظب فتنه گری های این جریان باشند و با ایجاد مرزهای شفاف میان خودی و غیرخودی اجازه ندهند تا همان گونه که با شبهه سازی، جریان فتنه و کفر را قوی جلوه می دهند، با فروپاشی مرزها میان خودی و غیرخودی، اهل کفر خود را به عنوان اولیاء مومنان مطرح سازند

با نگاهی به آیات قرآن از جمله آیه (۲۸ و ۱۷۵ آل عمران) (۷۶ و ۹۸ و ۱۳۹ و ۱۴۴ انساء) و (۵۱ و ۷۵ و ۸۱ مائده) به سادگی به دست می آید که دشمن در برنامه جنگ نرم می کوشد تا مومن را از اولیاء الله و اولیاء المومنین بودن به ولی ابلیس و اولیاء شیطان تبدیل کند. لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۲۸

نباید که افراد مؤمن به دین بگیرند از کافران همنشین

که هرکس نماید بدین گونه کار نباشد دگر دوست با کردگار

مگر آنکه خواهید تا بر حذر بمانید از شر آنها دگر

شما را خداوند از قهر خویش بترساند ای مؤمنان همچو پیش

سرانجام هرکس در این سرگذشت به یکتا خدا می کند بازگشت

با توجه به قدرت بی انتهای الهی در آیات قبل، جایی برای پذیرفتن سلطه کفار نیست. بِيَدِكَ الْخَيْرُ، تُولِجُ اللَّيْلَ، لَا يَتَّخِذِ ... در این آیه سیمای

سیاست خارجی، شیوهی برخورد با کفار، شرایط تقیّه و جلوگیری از سوء استفاده از تقیّه بیان شده است. تقیّه، به معنای کتمان عقیده‌ی حقّ از ترس آزار مخالفان و ترك مبارزه با آنان به جهت دوری از ضرر یا خطر مهم‌تر است. تقیّه، گاهی واجب و گاهی حرام است. خداوند به مومنان هشدار می‌دهد که هدف از ولایت و دوستی از سوی کافران، چیزی جز ولایت اطاعت از ملت و آیین کفر ایشان نیست **وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ**

**بدان ای پیمبر نصار و یهود بقره ۱۲۰ ز کارت نخواهند خشنود بود**

**مگر آنکه زان دین کنی پیروی      که ایشان نمایند زان رهروی**

**بگو ای پیمبر که آیین راست      به تنهایی آئین یکتا خداست**

**پس از آنکه حق شد ترا آشکار      خداوند دیگر ترا نیست یار**

**گر از دین آنها اطاعت کنی      هواهای ایشان اجابت کنی**

در اینجا یهودیان و مسیحیان به سبب اینکه نوعی کفر را در پیش گرفته اند، در برابر جریان تاریخی ایمان و اسلام قرار داده شده اند و به مومنان هشدار داده می‌شود که ایشان جز به دست کشیدن از آیین حق، ایمان، عدالت و اسلام، خشنود نمی‌شوند و این جنگ تا رسیدن به این نتیجه از سوی آنان ادامه خواهد داشت.

آیه ۲۰ کهف بر این نکته تاکید می شود که جریان کفر جنگ و دشمنی خود را به اشکال مختلف تا حذف فیزیکی و یا حذف فکری جریان حق و عدالت ادامه می دهد و می کوشد تا این گونه گفتمان غالب بر جامعه بشری گردد و به عنوان یک پدیده اجتماعی بر جامعه چیره و مسلط باشد.

**روش های فریب شیطانی** با نگاهی به نخستین جنگ نرمی که در جهان از سوی قرآن گزارش شده می توان دریافت که شیطان از روش های گوناگونی برای رسیدن به هدف خود یعنی تبدیل اولیاء الله و عبادالله فطری به اولیاء الشیطان، بهره می جوید که فریب و تزئین از مهمترین آن هاست. آیه ۲۰ اعراف **فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ**

چو بودند در خوردنش ناشکیب      دو تن را همی داد شیطان فریب

که اندام زشتی که بودی نهان      به ناگه شود فاش و گردد عیان

به آنها بگفتا، خدای بشر      شما را بکردست نهی از شجر

مبادا که همچون ملك در جهان      شود زندگانیتان جاودان

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا شرمگاهشان را که از آنها پوشیده بود در نظرشان آشکار کند.

**مخاطب شناسی در جنگ نرم** مخاطب شناسی در همه ابعاد، از مهمترین مقدمات تاثیرگذاری تبلیغات و وسوسه ها و فریب هاست. اگر مخاطب به درستی شناخته نشود نمی توان بر او تاثیرگذار شد. اولین چیزی که شیطان در دل کافران می آراید، اصالت بخشی به زندگی دنیا و خواسته های مادی و نفسانی است **زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا** (بقره ۲۱۲)

مقامات ناچیز دنیای پست	به چشمان کفار زیبا نشست
که لب بر تمسخر گشایند چند	نمایند بر مؤمنان ریشخند
کسانی که در خیل تقوی درند	به روز قیامت بسی برترند
کسی را که خواهد یگانه خدا	دهد رزق و روزی بی انتها

وقتی زینت های دنیا برای شخص اصالت یافت، شیطان براساس همین زینت های اصالت یافته، وارد زندگی او می شود و او را به اولیای خود تبدیل می کند. هر انسانی در دام چیزی از این زینت ها می افتد و کمتر کسی است که راه نجاتی از این زینت ها برای خود می تواند بیابد.

**آراستن، ابزار قوی شیطان** سوره آل عمران ۱۴، عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان و فرزندان و همیان های زر و سیم و اسبان ممتاز و چارپایان و زراعت در چشم مردم زینت داده شده و همه اینها متاع زندگی این جهانی هستند، درحالی که بازگشتن گاه خوب، نزد خدا است.

بنابراین در جنگ نرم، شیاطین می کوشند از زن دوستی، مال دوستی، فرزند دوستی و مانند آن بهره برند و به اهداف و مقاصد خود دست یابند. **زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ۱۴**

بلی شهوت نفس آراستن      بسی میل فرزند و زن خواستن

زر و سیم در کیسه کردن تمام      نشان دار اسبان نیکو خرام

بسی کشتزاران و گرد رمه      چه زیباست در چشم مردم همه

متاعیست اینها به دار الفنا      که تنها دو روزی بیابد بقا

فقط هست در پیش یکتا اله      مقامی بلند و نکو جایگاه

عشق و علاقه به زنان و فرزندان و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهار پایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته‌های نفسانی است، در نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره‌ای گذرا از زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است.

جلوه کردن دنیا در نظر انسان، گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملق صورت می‌گیرد. از طریق اوهام شخصی: **يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا وَ فَرَّاهُ حَسَنًا** و از سوی شیطان: **زُيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ** و از طرف اطرافیان متملق **زُيِّنَ**

لِفِرْعَوْنَ سُوءِ عَمَلِهِ مَصَادِقَ جَلُوهَاي دُنْيَا كِه دَر آيِه ذِكْر شُدِه، بَا تَوَجَّه  
بِه زَمَان نَزُول آيِه اسْت و مِي تَوَانَد دَر هَر زَمَانِي مَصَادِقِ جَدِيدِي دَاشْتِه  
بَاشَد. طَلَا و نَقْرَه، كَنَايِه اَز ثَرُوت اَندُوزِي، و اسْب كَنَايِه اَز مَرْكَب و  
وَسِيلَهِي نَقْلِيَّه اسْت.

شَيْطَان دَر اَيْن مِيان مِي كُوشَد تَا هَر آنچِه زَشْت اسْت زِيبَا جَلُوه دِهَد و  
حَتِي زِيبَايِي هَاي طَبِيعِي رَا چَنان دَر دَل مَرْدَم مِي اَفزَايِد تَا رَاه اسْرَاف دَر  
پِيش گِيرِنْد و اَز هَدَف اصْلِي بَا ز مَانَد و غَافِل شُونَد. قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي  
لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ

پس از آن بگفتا به یکتا خدا حجر ۳۹ چو گمراه کردی ز راهت مرا

همه چیزها را به روی زمین دهم جلوه در چشم آدم چنین

که گمراهشان سازم از راه راست بجز مخلصی را که عبد خداست

خداوند کسی را گمراه نمی کند، لیکن اگر کسی با اراده خود راه انحراف را  
برگزیند، خدا او را به حال خود رها می سازد و این رها کردن بزرگترین کیفر  
و قهر الهی است.

ابلیس نیز چون با اراده خود تکبر و لجاجت کرد، خداوند او را به حال  
خود رها کرد و مراد از جمله أَغْوَيْتَنِي نیز همین معناست؛ یعنی اکنون که  
بخاطر لجاجتم مرا از مدار لطف خود خارج کردی و به حال خودم  
واگذار می کنی و چنین و چنان خواهم کرد.

در جنگ نرم، کاربرد آراستن و زینت کردن، بسیار مهم و اساسی است به این معنا که حق و باطلی را درهم آمیزند و باطل را چنان زیبا جلوه دهند که دل ها را بفریبند و به سوی خود جلب و جذب کند. روشی که سامری در فریب امت موسی (علیه السلام) به کار برد، روشی است که اکنون در جنگ نرم بسیار کارآمد نشان داده می شود. از این رو شیطان پرستی، کفرگویی، خداستیزی، زن بارگی، بی حیایی، لامبالاتی جنسی و... در فیلم های هالیوودی زیبا جلوه داده می شود، چنان که سامری با گوساله اش کرد. خداوند درباره تسویل (فریبکاری) سامری می گوید: من چیزی دیدم که آنها نمی دیدند مشتی از خاکی که نقش پای آن رسول بر آن بود برگرفتم و در آن پیکر افکندم و نفس من این کار را در چشم من بیار است. قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى . وَ أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى . فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى (طه ۶۸ تا ۷۰)

بگفتیم ترست کنون نارواست که پیروز گردی بر آنها به خواست  
 کنون بر زمین زن ز دستت عصا بگردد بسان یکی ازدها  
 ببلعد همه سحر ایشان ز پس بلی سحر آنهاست نیرنگ و بس  
 هرآن کس که بر راه افسون شتافت ره رستگاری نخواهد بیافت  
 چو دیدند آن ساحران آنچه بود نهادند سر را به خاک سجود

## بگفتند ایمان ما شد فزون      به یزدان موسی و هارون کنون

همین که ساحران فهمیدند کار موسی علیه السلام سحر و جادو نیست، بی اختیار به سجده افتادند و در حالی که صبح از کافران بشمار می آمدند، غروب به جمع شهداء راه خدا پیوستند و با بیان **آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى** اظهار داشتند که کار ما غلط بوده است، و چون فرعون خود را «رب» مردم می دانست، آنها هم کلمه **بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى** را بکار بردند، در جنگ نرم تلاش بر آن است تا چیزها در چشم، چنان آراسته شود که دل ها و جان ها مجذوب گردد و همدلی و همراهی مخاطب با پیام و دشمن به دست آید. این همان تغییر بینش ها و نگرش ها و تحریک و تهییج عواطف و احساسات از طریق آراستن باطل است که در آیات بسیاری بیان شده است.

یکی از شیوه ها در این جنگ نرم این است که در دل مخاطب سوءظن و بدگمانی ایجاد کنند دشمن در جنگ نرم با استفاده از این شیوه می تواند. دل های مؤمنان ضعیف الایمان را سست نماید و بیمار دلان را همراه خود سازد. خداوند به افراد متخلفی اشاره می کند که با رخنه بدگمانی در دل هایشان نسبت به فرجام فعالیت های اسلام و دولت اسلامی دچار تردید شدند و به سبب تبلیغات سوء دشمنان، با آنان همراه



و همدل شدند. وَ أُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَ كَانَ اللَّهُ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۲۱ فتح

بسی وعده های دگر هم خدا      برای غنیمت دهد بر شما  
که قادر نباشید بر آن هنوز      و لیکن خدا داند آن وقت و روز  
به هرچه که اندر جهان پابجاست      توانا و قادر یگانه خداست

حضرت امیرالمؤمنین در خطبه ۶۶ دشمن را از دیدگاه روان شناختی  
بررسی کرده و می فرماید: دشمن دستی برای حمله در پیش و پایی برای  
فرار آماده دارد و با اندکی دقت می بینیم کلام حضرت در امتداد تاریخ هر  
روز تازه و تازه تر است تا به امروز که مصادیق کلام ایشان را در حیطه  
خیر و شر به وضوح می یابیم. و امروز شاهدیم که آمریکا و اسرائیل به  
وضوح دستی در تبلیغات برای حمله نرم به باورهای مردم در پیش و پایی  
برای فرار با شعار دفاع از حقوق بشر آماده دارند و می شنویم و می بینیم  
برجسته ترین و شوم ترین شگردهای خود را در زیباترین ظواهر اعمال  
می کنند. شربت آزادی را در پیاله مسموم اسارت می ریزند و قطره قطره و نه  
یکباره به گلوی غافلان می چکانند به گونه ای که آرام آرام به دام نزدیک می  
شوی و به جای دیدن زیر پای خود که خالی شده است، چشم به آسمان  
توهم می دوزی و آن وقت دیگر چاره چیست جز افتادن و بر نخاستن .  
به هر حال با نگاهی گذرا به شیوه های شیطانی در جنگ نرم می توان  
دریافت که جامعه در چه جاها و از کدام نقطه بیشتر در معرض خطر و

آسیب است و می بایست نسبت به پیشگیری و تقویت این نقاط کوشید و اجازه نداد تا دشمن از این طریق در جنگ نرم پیروز شود و بر جان ها و دل ها و قلوب مردم سلطه یابد.

### **توصیه های قرآن درباره جنگ نرم**

**جنگ نرم، راهبرد اصلی شیاطین** بخش اعظم تاریخ نانوشته بشر اختصاص به جنگ نرم دارد؛ زیرا اگر دولت ها و اقوام به تسلط بر اقوام و ملت های دیگر می اندیشیدند تا قومی را از صفحه روزگار نیست کنند تا ملتی را به بردگی بکشند، ولی بیشتر مردم جدا از دولت ها و ملت ها، به یک جنگ دائمی مشغول بوده و هستند که مبتنی بر تسلط بر اذهان و قلوب می باشد. خصومت میان بشر امری طبیعی است، زیرا در انسان صفات و ویژگی هایی است که پیامد آن خصومت و درگیری و حتی خونریزی و کشتار است.

**گستره جنگ روانی، از ایمن سازی تا هجوم** از آن جایی که حیطة جنگ نرم و ابزارها و روش های آن بسیار گسترده است و از هیچ چیزی فروگذار نمی شود، حضرت خضر به حضرت موسی گوشزد می کند که چگونه می تواند بر کاری صبر و استقامت کند که درباره آن دانشی و اطلاعاتی ندارد:

**وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا** چگونه بر چیزی که احاطه علمی و آگاهی و خبری نداری صبر می کنی؟ (کهف ۱۸)

در حقیقت صبر میوه شیرین آگاهی و دانایی و ایمان است. از این رو حضرت خضر می فرماید که تو هرگز بر چیزی که بر آن آگاهی و خبری نداری نمی توانی صبر کنی و مقاومت نمایی. تو هرگز و ابد نمی توانی بر چیزی که نسبت به آن جهل داری صبر پیشه کنی. بنابراین، صبر و استقامت را می بایست در آگاهی و ایمان جست. لذا خداوند به مؤمنان فرمان می دهد تا برای مقابله با جنگ نرم دشمنان، خود را به سلاح دانش و ایمان مجهز کنند.

**لزوم آگاهی بخشی به مردم از آموزه های دینی** در جنگ نرم اطلاع رسانی و آگاهی بخشی نسبت به اصول دین و شبهه زدایی می بایست در دستور کار قرار گیرد و مؤمنان باید با علم به آموزه های وحیانی قرآن واکسینه شوند تا بتوانند در برابر انواع و اقسام هجوم دشمن مقاومت نمایند و هرگونه تردید و تشکیک دشمن نسبت به آن آموزه ها کارساز نباشد؛ زیرا دشمن نخست به اذهان مردم هجوم می آورد تا بنیادهای بینشی و نگرشی آنان را درهم ریزد و با تشکیک و تردیدافکنی، آنها را از ایمان آوری به مفاهیم وحیانی قرآن باز دارد.

**ضرورت تشریح روش های دشمنان در جنگ نرم** بیان روش های دشمنان در جنگ نرم از جمله بهره گیری آنان از تکذیب و اتهام و افتراء و تمسخر می تواند جامعه اسلامی را نسبت به جنگ روانی دشمن واکسینه نماید.

لذا خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یادآور می شود که دشمنان در طول تاریخ بشریت از این حربه ها برای رسیدن به مقاصد خود بهره گرفته اند و نباید در دام این فریب بزرگ و بازی دشمن افتاد. **قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۳۳**

بدانیم حقا که این کافران      که هستند بر دینت از منکران

سخنهای خامی بگویند چند      که بسیار گردی غمین و نژند

همانا که این ظالمان دنی      نکردند تکذیب تو ای نبی

به واقع بدین گفته ها و نسق      نمایند تکذیب آیات حق

در شأن نزول آیه : دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را امین و صادق می دانستند، ولی می گفتند: اگر او را تصدیق کنیم، قبیله و موقعیت ما تحقیر می شود. گاهی هم می گفتند: او صادق است؛ ولی خیال می کند به او وحی شده، از این روی، این گونه آیات الهی را تکذیب می کردند.

از جمله راهکارهایی است که خداوند به مؤمنان و رهبران می دهد تا در برابر جنگ نرم، خود را مسلح کنند و اجازه تخریب در اصول اعتقادی و مظاهر ایمانی خود ندهند، تبری جستن و اظهار بیزارى از دشمنان و جدا کردن صف خودی از غیر خودی (یونس ۴۱) **وَ إِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ**

چو تکذیبت ای مصطفی کرده اند      بسی افترا بر تو آورده اند

بگو کار من باشد از خویشتن      سرانجام آن هرچه شد مال من  
که کار شما نیز از بهر خود      سرانجام آن نیک و بد، هرچه بُد  
شما یید از کار نیکم جدا      که بیزار هستم ز فعل شما

و اعراض از آنان (مزمّل ۱۱) و طرد گروه های داخلی فشار از منافقان از جمله راهکارهای دیگر است که در قرآن به آن توجه داده شده وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهْلُهُمْ قَلِيلًا ۱۱

همه کاذبان را به من واگذار      کمی ده تو مهلت بدان قوم خوار

هدف از بسیاری از این برنامه ها و به کارگیری این شیوه ها جهت ایمن سازی جامعه و واکسینه کردن آن است که خداوند توصیه می کند. اگر این کار در جامعه ایمانی و قرآنی انجام گیرد، جامعه در برابر جنگ نرم دشمنان ایمن می شود و آن گاه زمینه برای هجوم علیه آنان فراهم می آید، زیرا جامعه ایمانی ایمن سازی شده، این توانایی را دارد که به جنگ نرم دشمنانی برود که پایبند هیچ اصول عقلانی و عقلایی و اخلاقی نیستند و از همه شیوه های پست و فریب و دروغ بهره میبرند تا به اهداف شوم خویش برسند.

جنگ هنوز تمام نشده است فقط گل آن فرق کرده است  
دفاع، پمچان ادامه دارد...



## متشابه سازی و مشابه سازی

در جنگ نرم لازم است تا دشمن به عنوان یک مخاطب شناسایی شود و عنوان دشمن به مخاطب در پیام فکری و فرهنگی تبدیل شود. اصولاً چیزی به نام دشمن در جنگ نرم وجود ندارد، بلکه در جنگ نرم همواره از نوع دوستی، حقوق بشر، دموکراسی و مردم سالاری و مانند آن استفاده می شود تا نوعی همدلی و همراهی در مخاطب برانگیخته شود.

پس از شناسایی مخاطب از طریق دانش هایی چون روان شناسی و جامعه شناسی و مردم شناسی، بر اساس نیازهای مخاطب و اهداف و مقاصد سلطه گران فکری و فرهنگی، متشابه سازی انجام می گیرد.

در متشابه سازی به گونه ای عمل می شود که مخاطب پیام فرهنگی در جنگ نرم، نسبت به پیام ارسالی واکنش منفی و تقابلی نشان ندهد. البته این روش از سوی مؤمنان و کافران مورد استفاده قرار می گیرد؛ زیرا روشی مناسب با خلق و خوی آدمی است. از این رو حضرت ابراهیم علیه السلام در نقد خورشید و ماه و ستاره پرستی با آنان همراه می شود و پس از اعتماد سازی به نقد درونی می پردازد. **فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (انعام ۷۶)**

درخشان ستاره به يك شام تار      بدید و بگفت این بود کردگار  
ستاره چو گردید محو از نظر      به تاریکی محض شد غوطه ور

بگفتا بر آنچه نماید افول نورزم محبت ندارم قبول

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُنَّ لِمَ يَهْدِينِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ  
مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (انعام ۷۷)

چو شب گشت و او دید آن قرص ماه بگفتا همین هست من را اله  
به گردون چو ماه فلك رخ نهفت زبان برگشوده دگرباره گفت  
خدا گر هدایت نسازد مرا روم همچو گمره کسان بر فنا  
ابراهیم علیه السلام هم با ستاره پرستان برخورد کرد، هم با ماه و خورشید  
پرستان. به گفته‌ی بسیاری از مفسران، گفتگوی حضرت ابراهیم با  
مشرکان منطقه‌ی بابل بود.

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي  
بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ۷۸

چو آن شام روشن شد و گشت روز بدیدند خورشید گیتی فروز  
بگفتا همین هست من را اله که تا بنده تر ز اخترست و ز ماه  
پس آنکه که خورشید نابود گشت نهان گشت و تاریک شد کوه و دشت  
بگفتا که ای مشرکان بلاد سپارید این پند من را به یاد  
که بیزار هستم از آنچه شما شریکش بخوانید پیش خدا

همراهی در جهت اعتماد سازی این امکان را به شخص می دهد تا به نقد درونی دین و فکر و اندیشه بپردازد بی آن که واکنش منفی و تقابلی طرف را برانگیزد. **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۷۹**

**کنم رو به اخلاص بر رب پاک که هفت آسمان آفریدست و خاک نخواهم شدن هیچ که همنشین نه با مشرکان و نه کفار دین**

روش دیگری که برای اعتماد سازی در مخاطب در جنگ نرم مورد استفاده قرار میگیرد، متشابه سازی است. متشابه سازی به این هدف انجام میگیرد که مخاطب در شناخت راست و نادرست و حق و باطل در ماند. تردید افکنی و تخریب محتوا از درون از کارکردهای متشابه سازی است. ایجاد شبهات به معنای حق و باطل را در هم آمیختن، از دیرباز مورد استفاده بوده و آثار و کارکردهای خود را به خوبی نشان داده. گام دیگری که در جنگ نرم برای اعتماد سازی و تخریب درونی انجام می گیرد، مشابه سازی است. مشابه سازی یعنی همانند سازی به گونه ای که شخص گمان کند که همان است، در حالی که تنها همانندی آنان، در ظاهر است ولی در محتوا هیچ گونه همانندی وجود ندارد.

در عصر نخست اسلامی، دشمنان اسلام و قرآن از همه روش ها برای تخریب اسلام و قرآن استفاده کردند.



از جمله در متشابه و مشابه سازی می توان به مدعیان دروغین پیامبری و آوردن سوره هایی مانند سوره قرآنی اشاره کرد که از سوی کسانی چون مسیلمه کذاب و سجاح بنت حارث بن سوید انجام گرفت.

مشابه و متشابه سازی از شیوه های مورد استفاده در جنگ نرم است. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها مواجه با کسانی بود که به نام اسلام در میان مسلمانان حضور داشتند و با متشابه سازی، نسبت دادن افک و تهمت و دروغ، مشابه سازی و ساخت مسجد و حتی آیات و روایات می کوشیدند تا مردم کم خرد و بی خرد را با خود همراه سازند.

منافقان هرچند که در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله با هوشیاری آن حضرت نتوانستند به اهداف پلید و شوم خویش برسند، ولی پس از رحلت با مشابه و متشابه سازی توانستند مسیر دولت اسلامی را منحرف کرده و با غصب خلافت، جامعه را به سوی اسلامی سوق دهند که به تعبیر امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پوستین وارونه ای بود که به نام اسلام بر تن امت کرده بودند. نتایج این انحراف در صدر اسلام، شهادت امامان (علیهم السلام) و جنگ ها و فتنه های داخلی و ضعف و سستی اسلام و گرفتاری امت بود که تاکنون ادامه دارد. پس با بازخوانی تاریخ و علت انحراف می توان با بازگشت به اصول، دوباره در مسیر قرار گرفت و از خشم الهی رهایی یافت.

و (نیز بخاطر آورید) زمانی که گفتید: ای موسی! ما هرگز يك نوع غذا را تحمل نمی‌کنیم، پس پروردگارت را بخوان تا از آنچه (به طور طبیعی از) زمین می‌رویاند، از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما (نیز) برویاند. (بقره ۶۱)

بنی‌اسرائیل به جای شکرگزاری از نعمت‌های مَنْ وَ السَّلْوَى، به فکر زیاده‌خواهی و تنوع طلبی افتاده و از غذاهای زمینی خواستند و برای نمونه، تعدادی از آنها مانند: سبزی، خیار، پیاز و سیر را نام بردند. حضرت موسی (علیه السلام) در برابر این درخواست‌ها، ضمن تأسف از این که آنها نعمت‌های نیکو و بهتر را با نعمت‌های ساده عوض می‌کنند، به آنها گفت: اگر بنای کامیابی از اینها را دارید، باید به شهر رفته و با دشمنانتان بجنگید، شما از يك طرف حال جهاد ندارید و از طرف دیگر تمام امتیازات شهرنشینی را می‌خواهید.

سرانجام این قوم با چنین ویژگی‌ها و خصوصیات، به ذلت و خواری افتاده و گرفتار قهر و غضب الهی خواهند شد. تنوع طلبی و افزون خواهی، دامی برای اسیر شدن انسان‌هاست. استعمارگران نیز از همین خصیصه‌ی مردم، برای لباس، مسکن، مرکب و تجملات استفاده کرده و مردم را به اسارت خود می‌کشند.

## مسجد ضرار، همانندسازی با پایگاه دین

خداوند در آیاتی مسجد ضرار را مسجدی می داند که بر پایه ضرر و زیان رسانی به جامعه اسلامی بنا شده است و بر خلاف اسم مشابه مسجد که بر آن نهاده شده بود، مکان کفر بود؛ چرا که بناگذاری آن به دست افراد منافق و کافری بود که به ظاهر اسلام آورده بودند تا در پناه این نام در امنیت باشند و از فواید شهروندی بهره برند ولی هیچ اعتقاد و تعهدی نسبت به امت و جامعه اسلامی و دولت اسلامی نداشتند. هدف از ساخت مسجد از سوی منافقان، تفرقه افکنی میان مسلمانان و توطئه علیه اسلام و دولت اسلامی بود. منافقان در این اندیشه بودند که پایگاهی را در جامعه اسلامی برای خود داشته باشند بی آنکه دولت و امت را حساس کنند. از این رو پایگاهی را به عنوان مسجد می سازند تا با مشابه سازی با مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که مرکز آموزش و پرورش و برنامه ریزی دولت اسلامی بود، آنان نیز پایگاهی را داشته باشند که بدور از هرگونه حساسیت های امنیتی باشد وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضَرَاراً وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ توبه ۱۰۷

گروهی دورو طرحی انداختند  
یکی مسجدی را بنا ساختند  
که بر دین اسلام آید زیان  
به قصد ضرر ساختند آن مکان

که مردم نیابند بهر نماز در آن مسجدی که نبی هست باز

فقط قصدشان بود کفر و عناد نفاق برانند بین عباد

که باشد کمینگاه آن دشمنان که هستند خود دشمن مؤمنان

همان کس کزین پیش کرده نبرد که با کردگار و نبی جنگ کرد

دمادم نمایند سوگند ذکر که غیر از نکویی چه داریم فکر؟

دروغست این حرف و یکتا اله بر این گفته خام باشد گواه

آیه، به داستان مسجد ضرار اشاره دارد که منافقان به بهانه‌ی افراد ناتوان و بیمار یا روزهای بارانی، در برابر مسجد قُبا مسجدی ساختند که در واقع پایگاه تجمّع خودشان بود، و از پیامبر در آستانه‌ی عزیمت به جنگ تبوک، خواستند آنجا نماز بخواند و افتتاح کند. بعد از مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک، آیه نازل شد و نیت شومشان را بر ملا کرد. پیامبر فرمان داد مسجد را آتش بزنند و ویران کنند و محلّ آن را زباله‌دان کنند. طبق بعضی روایات، ساخت مسجد ضرار در مدینه، به دستور ابوعامر بود. وی که پدر حنظله‌ی غسیل الملائکه است، از عابدان مسیحی بود و در قبیله‌ی خزرج نفوذ داشت. با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و گسترش و نفوذ اسلام، او به مخالفت با پیامبر پرداخت و نقش منافقانه در جنگ احد داشت. سرانجام به مکه گریخت و از آنجا به روم رفت و از پادشاه روم برای براندازی اسلام کمک خواست. شگفتا که او رهبر منافقان بود و پسرش حنظله، عاشق اسلام و پیامبر و شهید شد!

هنگام دعوت پیامبر برای نماز در مسجد ضرار، سه مسأله را مطرح کردند: عشق به نماز جماعت، عشق به ناتوانان و عشق به رهبر و نماز او. و هر سه منافقانه بود. منافقان همواره چنین بوده‌اند؛ در برابر موسی، سامری توطئه می‌کند، در برابر مسجد نبوی، مسجد اموی می‌سازند و در برابر علی علیه السلام قرآن بر نیزه می‌کنند. همان گونه که گوساله‌ی سامری را سوزاندند، مسجد منافقان را نیز می‌سوزانند تا درسی برای تاریخ باشد. در کوفه و شام نیز به خاطر پیروزی یزید بر امام حسین علیه السلام مساجدی ساخته شد، که امامان ما آنها را مساجد ملعونه نامیدند!. هرگونه ضرری در اسلام ممنوع است، لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام از جمله:

الف: ضررهای جانی. «لا یُریدُ بِکُمُ العُسْرَ»

ب: ضرر به مردم. «لا تَعَاوَنُوا عَلَی الِاثِمِ وَ العُدْوَانِ»

ج: ضرر به همسر. «لا تُضَارَّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَیْهِنَّ»

د: ضرر به فرزندان. «لا تُضَارَّ وَاِلدَةُ بَوْلِدِهَا»

ه: ضرر به ورثه. «مِنْ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصِی بِهَا اَوْ دَیْنٍ غَیْرِ مُضَارٍّ»

و: آموزشهای مضر. «یَتَعَلَّمُونَ مَا یُضُرُّهُمْ وَ لَا یَنْفَعُهُمْ»

ز: ضرر در معاملات و بدهکاری‌ها. «وَ لَا یُضَارَّ کَاتِبٌ وَ لَا شَهِیدٌ»

ح: ضرر به مکتب و وحدت. «اتَّخِذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا»

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ  
عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

مگر آنکه او مسجدی ساختست توبه ۱۰۹ به تقوا و پرهیز پرداختست

همیشه ز درگاه حق روز و شب رضای خدا را نماید طلب

بود همچو آن کس که روی ریا یکی مسجدی را نماید بنا؟

که نزدیک سیل است و بُنْيَانُش سست به ویرانی آنرا کشاند درست

سرانجام آن خانه از داربست به دوزخ بیفتد به ناری که هست

هدایت نخواهد کند کردگار گروهی بدین سان ستم پیشه کار

آیه‌ی قبل، مقایسه‌ی مسجد ضرار و مسجد قبا بود، و در این آیه مقایسه‌ی بانیان آن دو مسجد است. کلمه‌ی «شفا»، به معنای لبه و کناره، «جُرْفٍ»، به معنای حاشیه‌ی نهر یا چاه که آب زیر آن را خالی کرده و پرتگاه شده است، و «هار»، به معنای سست می‌باشد.

۱- ارزش کارها به نیت آنان است، نه ظاهر اعمال. مسجد قبا برای خدا ساخته شد و مسجد ضرار با انگیزه‌ی تفرقه افکنی! أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ  
۲- بنیاد باطل بر باد است. بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ .

۳- گاهی مسجد، بانیان خود را به قعر دوزخ می‌افکند فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

۴- سوء استفاده از مراکز مذهبی و باورهای دینی مردم، ظلم است.

الظَّالِمِينَ

## مسجدهای ضرار در عصر حاضر

در جهان امروز همین نقش (مسجد ضرار) را برخی سازمان های فرهنگی و پایگاه های خبری و اطلاع رسانی و خانه های سینما و مانند آن به عهده گرفته اند که در شکل سازمان های مردم نهاد به دور از حساسیت های امنیتی، به تخریب و توطئه مشغول هستند. استفاده از مجالس عزای حسینی و دیگر عناوین دینی و مذهبی از مصادیق همانند سازی است که منافقان جدید آن را انجام می دهند تا اهداف شوم و پلید خویش را پیش برند. تخریب مساجد ضرار و مراکز فرهنگی، غوغایی را در میان مردم ایجاد می کند که ای وای حقوق بشر و حقوق مردم و مسلمانی از میان رفته است.

بنابراین، افشاگری و آگاه سازی مردم نسبت به توطئه ها و برنامه ها مقدمه ای بر رهایی از جنگ نرم دشمن و همراه سازی مردم و جامعه است که خداوند در آیه ۱۰۷ توبه بر آن تاکید می کند.



## راهکارهای مقابله با تهدیدات

بی گمان علت اصلی گستاخی دشمنان را می بایست در تفرقه و اختلاف امت و ملت دانست و تا زمانی که مردم از اتحاد و وحدت برخوردار و بهره مند هستند دشمن نمی تواند در ملتی نفوذ کند و از راه حملات و یورش های بیرونی آسیب جدی بر ایشان وارد سازد .

خداوند در آیاتی چند تبیین می کند که اختلاف های کوچک و بزرگی که در امت پدید می آید موجب می شود تا دشمن از رخنه پدید آمده استفاده کند و با بزرگ نمایی و یا بزرگ کردن رخنه برای خود راهی فراهم آورد و به اهداف خود دست یابد. این سنت و قانون الهی است که هر ملتی که در دام اختلاف افتاد، از درون و بیرون تحت فشار قرار گرفته و از میان رفته و جز نام و نشانی از آن ها باقی نمانده است .

در برخی از آیات از برباد رفتن سخن می گوید و می فرماید که اختلافات موجب میشود تا **یذهب ریحکم** این بدترین تعبیر درباره از میان رفتن و نیست شدن است که در فرهنگ قرآن و ادبیات عربی گفته شده بنابراین مهم ترین عامل نه تنها در مقابله با تهدیدات بلکه عامل بازدارنده از حملات، حفظ وحدت اجتماعی و انسجام ملی است. **وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ....** و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و



نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد. به سخن دیگر، آمادگی کامل و در حد نهایی می‌بایست همواره به گونه‌ای باشد که دشمن از هر نظر در وضعیت پایین تر و پست تر باشد تا وسوسه حمله و هجوم به دل را ندهد و همواره از شما در ترس و وحشت به سر برد. شاید بسیاری از تجهیزات هرگز به کار گرفته نشود ولی هر عامل اربابی که بتواند ترس و رعب در دل دشمن افکند می‌بایست از عامل انسانی و غیرانسانی فراهم آید تا در نقش عامل پیشگیرانه عمل کند.

**زنان و جنگ نرم** دشمن به دنبال آن است که با استحاله مدل خانواده، به سبب تغییر سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی، آن را از مسیر کارکردهای خود منحرف سازد تا بدین وسیله جامعه را از مسیر اسلامیت خارج کند. به واقع تنگه احد جنگ نرم، خانواده است و استراتژی خانواده زدایی از جمله مهم‌ترین و کارآمدترین راهبردهای تحقق امپراتوری و دهکده جهانی دانسته شده تا جایی که رؤسای سلطه در این راستا، جهانی سازی سبک زندگی آمریکایی را مورد توجه ویژه قرار داده و از آن به‌عنوان مهم‌ترین استراتژی اجتماعی جهانی سازی یاد نموده و بودجه‌های کلانی را در این راستا به تصویب رسانده‌اند.

رد پای این اعتبارات در تأسیس و تولیدات رسانه‌ها و ماهواره‌های بیگانه مانند شبکه‌های من و تو و فارسی وان، و همچنین در فضای سایبر به وضوح به چشم می‌خورد. اینکه امروز دشمن در میان فرایندهای پیچیده، پر مسأله و تکنیکال جوامع بشری، همه تلاش خود را پیرامون استحاله خانواده متمرکز کرده. جای خوشبختی است که در جنگ نرم با محوریت خانواده زدایی، موضع ما فعال است؛ زیرا مدل خانواده اسلامی به گونه‌ای است که برمبنای نظام حق و تکلیف و در برداشتن عالی‌ترین مفاهیم ارزشی اخلاقی از جمله: ایثار، صداقت، شرافت، عزت، عشق و محبت، نشاط و شادابی قادر است مدرن‌ترین ابزار زندگی مانند سبک جامعه متکامل و متعالی، سبک اقتصاد پویا، سبک ارتباط مترقی، سبک بهداشت روانی مؤثر، سبک فرهنگ متمدن و... را به تصویر کشاند،

غنی‌ترین مدل جامعه (جامعه تمدن‌ساز) را به منصفه ظهور رساند و جامعه مبتنی بر این الگوی خانواده را بر اساس مؤلفه ژئوکالچری به هارتلند، یعنی قلب حیات و تمدن بشری، تبدیل نماید.

جامعه مبتنی بر خانواده اسلامی قدرت بی‌بدیلی در عمارت تمدن بشری داشته تا حدی که قادر است فرایند جهانی شدن را از سقوط به اسفل سافلین به سمت صعود به مدینه فاضله مهدوی رهنمون گرداند.

به نظر می‌رسد **امروزه بی‌توجهی به ابعاد مسأله خانواده،** این نسخه

بی‌بدیل را دستخوش آسیب‌هایی نموده :

**الف.** کم‌رنگ شدن اهمیت تشکیل خانواده

**ب.** استحاله کارکردهای خانواده

**ج.** برخوردار نبودن خانواده از استمرار و استکمال کافی (افزایش نرخ

رشد طلاق و کاهش نرخ رشد ازدواج) در این میان تهدیدهایی در کمین

حوزه مسایل زنان و خانواده است که در سایه راه‌کارهای زیر قابل رفع

باشد:

**۱.** تدوین نقشه جامع خانواده اسلامی - ایرانی

**۲.** ایجاد نگاه استراتژیک و سیستمی به حوزه مسایل خانواده با رویکرد

مبانی اسلامی توجه به عناصر خانواده در ساختارهای مجزا و بی‌ربط به

یکدیگر؛ مانع از ایجاد یک نگاه سیستمی اسلامی به خانواده شده و

منجر به پیدایش اندیشه اومانستی می‌گردد.

**۳.** غنا بخشیدن به حوزه قضا، اعم از سیر دادرسی، قوانین و احکام که

در بسیاری از موارد با تحقق شورای فقهی تخصصی زنان، ضمن پیش

گیری از ایجاد مشکلات، در صورت وقوع مشکل راهگشا خواهد بود.

**۴.** ایجاد یک نهاد مسؤول در راستای فرهنگ خانواده با نگاه استراتژیک

و سیستمی و مشرف به همه دستگاه‌های مربوطه.

**۵.** تدوین پیوست خانواده مبتنی بر نقشه جامع خانواده اسلامی-ایرانی

در سیاست‌ها و برنامه‌های تمام دستگاه‌های کشور (صرف ایجاد یک دستگاه متولی و فراقت سایر دستگاه‌ها از موضوع خانواده مشکلی حل نخواهد شد. پالایش و پایش خانواده از آسیب‌ها و عوارض، مستلزم یک عزم ملی است).

۶. تأسیس یک پژوهشگاه مطالعات بنیادین در حوزه زنان و خانواده فارغ از تحولات سیاسی

۷. تأسیس پژوهشگاه آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی در حوزه زنان و خانواده به دور از سلايق سیاسی

۸. امکان دسترسی زنان به برخی رشته‌های مورد نیاز مانند رشته مدیریت استراتژیک به منظور مشارکت موثر بانوان فرهیخته کشور در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریتی بخصوص در عرصه مسایل زنان و خانواده با رویکرد استراتژیک.

**بزرگترین اهانت غرب به زن** بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت، بزرگترین حق‌کشی که در زمینه مسئله زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن به عنوان یک طرف‌مورد انتفاع، برای استفاده یک طرف‌ذینفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آنها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال می‌کنند.

فرض کنیم اگر در یک جامعه‌ای مسئله آرایش زنان و تبرج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه مقابل آن انجام بگیرد یعنی در یک جامعه‌ای عریانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدائی در دنیا بلند نمی‌شود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند می‌کنند، جنجال می‌کنند؛ این نشان‌دهنده این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال می‌شود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.

در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت می‌شود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر می‌کنند، این است که می‌گویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمی‌خواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت می‌کنند؛ مشکل اساسی این است. تلاش بانوان نخبه جهان اسلام برای احیای این هویت، بزرگترین خدمت به امت اسلامی است چرا که احساس هویت، آگاهی و بصیرت زنان مسلمان، تأثیری شگرف و

مضعف بر جریان بیداری اسلامی و عزت و کرامت امت اسلام خواهد داشت. غربی‌ها، در عمق فرهنگ خود، زن را کالا و وسیله‌ای برای تمتع مرد می‌دانند و همه ابزارها و امکانات خود را برای تحقق این هدف بکار گرفته‌اند اما در حرکتی مزورانه بر این نگاه منحط، ناقص و گمراه‌کننده، نام آزادی گذاشته‌اند همچنان که بر جنایاتی نظیر قتل و غارت ملت‌ها، چپاول ثروت‌های کشورها و لشکرکشی و تحمیل جنگ نیز نام‌های فریبنده‌ای مثل آزادی طلبی، حقوق بشر و دموکراسی می‌گذارند.

اسلام به زن نگاهی عزت‌بخش، کرامت‌آفرین و رشد‌دهنده دارد و برای زن هویت و شخصیتی مستقل قائل است. زن در محیط اسلامی، رشد علمی شخصیتی خلاق، سیاسی می‌یابد و در اساسی‌ترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدم قرار دارد اما همچنان «زن» باقی می‌ماند و به این مسئله افتخار می‌کند. غرب از همین نقطه، سخت‌ترین ضربات را خواهد خورد و در روند تدریجی بروز پیامدهای حوادث اجتماعی، دچار فروپاشی خواهد شد. زن و مرد هر کدام براساس خصوصیات جسمانی خود، در ادامه‌آفرینش، رشد و تعالی انسان و حرکت تاریخ نقش خاصی به عهده دارند که در این میان نقش زن یعنی تداوم بخشیدن به نسل انسان، از نقش مرد مهمتر است. ضوابط اسلام درباره خانواده و محدودیت‌های روابط جنسی را باید از این دید، مطالعه و درک کرد. نقش زنان در تحولات اجتماعی، انقلابها و حرکت بیداری اسلامی نیز، نقشی تعیین

کننده است چرا که هر جا زنان در یک حرکت اجتماعی حضوری آگاهانه می یابند، پیشرفت و پیروزی آن حرکت تضمین شده . این حرکت به شرط آسیب شناسی صحیح و مقابله با خطرات و آفتها، می تواند مسیر کنونی تاریخ را عوض کند.

## عفت و غیرت

خداوند متعال برای اینکه حریم ناموس مسلمانان حفظ شود، نگاه های هوس آلود را از طرف زن و مردم نامحرم، ممنوع اعلام کرده و به رسول اعظم فرموده **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** (نور: ۳۰)

به مردان مؤمن بگو مصطفی پوشند چشم از گناه و خطا

بمانند پاکیزه دامان و نیز نمایند با زشتکاری ستیز

که این کار باشد برایشان صلاح چو جویند پاکی نفس و فلاح

خدا هست آگاه از کارتارن ز کل عملها و پندارشان

جدایی زن و مرد نامحرم، یکی از دستوره های صریح قرآن و رسول خدا است که در سلامت جامعه تاثیر فراوان دارد. بدون تردید حفظ «عفت عمومی» برای پایداری هر جامعه ای ضرورتی انکارناپذیر است و یکی از راه های جلوگیری از نفوذ شیطان و وسوسه های آن، ایجاد حریم میان زن و مرد و رعایت پوشش لازم است تا از نگاه های هوس آلود و تماس

های غیر شرعی جلوگیری شود. سیره رسول اعظم صلی الله علیه و آله در زمینه عفاف برگرفته از معارف قرآن کریم بود. مواردی نقل شده که نشان دهنده اهتمام فراوان آن گرامی به این مسئله است.

**الف- رعایت حریم با نامحرم :** امام صادق (علیه السلام) : هنگامی که آیه ۱۲

ممتحنه [که درباره بیعت زنان است] در فتح مکه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله در کوه صفا بود. دستور داد: طشتی را پر از آب کنند. سپس آن حضرت دست خود را در آن فرو برد و بیرون آورد، آنگاه زنان به عنوان بیعت یکی یکی آمدند و دست خود را در آن فرو بردند (کافی ج ۵، ص ۵۲۶)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ممتحنه ۱۲

الا ای پیامبر چو جمعی زنان	به بیعت بیایند از مؤمنان
تو در آن زمان ای نبی رسول	بدان شرط ایمانشان کن قبول
که مشرک نگردند بر کبریا	نه سرقت کنند و نه کار زنا
مبادا کز اولاد خود بعد از این	بریزند خونی به روی زمین
اگر طفل آنها ز راه زناست	نباید بگویند از شوی ماست
در امر به معروف و کار نکو	نگردند با سیره تو عدو



بدین شرط بیعت کن ای مصطفی بر ایشان تو غفران طلب از خدا  
که یکتا خدای غفور جهان بود در حق بندگان مهربان

شروطی که در این آیه نام برده شده، از اصول اعتقادی و اخلاقی است که زن و مرد، هر دو باید مراعات نمایند. زن جوانی در حجت الوداع به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد تا مسئله ای پرسد. حضرت هنگام پاسخ، متوجه شد فضل بن عباس که جوانی زیباروی و پشت سر پیامبر سوار بر اسب بود- به آن زن نگاه می کند و او هم به فضل خیره شده است. رسول خدا برای جلوگیری از رد و بدل شدن نگاه های هوس آلود، با دست خود سر فضل را به سوی دیگر برگرداند. سپس فرمود: ترسیدم شیطان بین مرد جوان و زن جوان داخل شود (مبسوط شیخ طوسی ج ۴ ص ۱۶۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله میان زنان و مردان نامحرم فاصله ایجاد کنید چرا که تقویت ایمان، آرامش روحی و روانی، سلامت جسمی، استحکام بنیان خانواده، عزت و سربلندی، امنیت بانوان و دوری از افکار ناسالم، برخی از برکات این دستور نبوی است. (کشف الخفاء ج ۱ ص ۲۷۹).

**ب- حفظ ناموس از دید نامحرم** رسول خدا صلی الله علیه و آله: **انی لغیور و الله عز و جل اغیر منی و ان الله تعالی یحب من عباده الغیور من غیورم و خداوند از من غیورتر است و خداوند بندگان غیورش را دوست دارد.** آن حضرت نه تنها نسبت به ناموس خود غیرتمند بود، بلکه برای غیرتمندان ارزش ویژه ای قائل بود.

امام صادق علیه السلام: گروهی از اسیران را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند پیامبر (به خاطر جنایاتی که آنها انجام داده بودند) دستور قتل آنها را صادر کرد به استثنای یک نفر، آن فرد تعجب نمود و عرض کرد چگونه مرا از میان همه آنها آزاد کردی؟! فرمود: جبرئیل از سوی خدا این خبر را به من داده که تو دارای پنج صفت هستی که خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) آن را دوست دارند: الغیره الشدیده علی حرمک، و السخاء و حسن الخلق، و صدق اللسان و الشجاعه غیرت شدید نسبت به ناموست، سخاوت، اخلاق نیکو، راستگویی و شجاعت!

هنگامی که آن مرد اسیر آزاد شده این سخن را شنید اسلام آورد و در زمره مسلمانان شایسته قرار گرفت. رهنمود رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله) در مورد تقسیم کار، هنگامی که آن دو بزرگوار از محضر پیامبر تقاضای تقسیم کار کردند، پیامبر کارهای داخل منزل را به فاطمه (سلام الله) و کارهای بیرون منزل را نیز به علی (علیه السلام) سپرد.

پس از این داوری واقع بینانه، حضرت زهرا فرمود: خدا میداند که چقدر از این تقسیم کار خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، معاف نمود و مرا وادار نکرد که دوشادوش مردان نامحرم به کار پردازم.

## زن در سایه سار ادبیات زن در آئینه انقلاب

از دامن زن مرد به معراج می رسد. این سخن رهبر در باره زنان در واقع مبین فلسفه وجودی زن در نظام آفرینش و جایگاه او در مذهب اسلام است. انقلاب اسلامی بی حضور زنان هرگز شکل نمی گرفت. به طوری که پررنگ شدن نقش و حضور زنان در جنبش های انقلابی سبب شد تا ناظران با هر تفکری نتوانند منکر نقش زنان و تأثیر حضور آنان در شکل گیری بزرگ ترین حرکت سیاسی قرن شوند. جریانی که زن را در تمامی شئون اجتماعی و سیاسی کشور حائز نقش و جایگاه میداند

این نگرش برگرفته از مکتب اسلام است، نگرشی که تعریف زن را تنها در واژه های زیبا و مطیع امر مرد تعریف نمی کند، بلکه زن را موجودی ناطق و انسان زامی داند که از احترام و ارزش خاصی برخوردار است.

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی برای زنان، بازیافتن مقام انسانی شان و خارج شدن از منظر توجهات جنسی است. انقلاب اسلامی شیوه جدید ارزشی و نماد ارزشمندی از حیات زنان در جامعه را ارائه میکند. الگویی که هویت اسلامی متناسب با جایگاه زن را به نمایش می گذارد. زنی که نه تنها مستقل است بلکه دارای مسئولیت در ساختمان حکومت اسلامی نیز می باشد.

## رد پای جنگ نرم در سیمای خرافات

امروزه یکی از بحران‌ها و نکات ژرف و قابل تامل در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، مسأله جنگ نرم و یا به عبارتی تهدید نرم است. جنگ نرم، یک اقدام پیچیده و پنهان متشکل از عملیات‌های فرهنگی، اطلاعاتی و سیاسی توسط قدرت‌های بزرگ برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف است. یکی از مصادیق و شیوه‌های جنگ نرم برای غرق کردن انسان و جامعه در مرداب پندارها و اندیشه‌های باطل و جاهل و البته آغازی برای نفی اصالت فرهنگی جامعه، **خرافات** است که می‌تواند تاثیرات منفی و نابهنجاری چون عقب ماندگی از جهات مختلف، رکود، بی‌هویتی، انحرافات اخلاقی و عقیدتی، شرک، غفلت و... را به همراه داشته باشد. از آن‌جا که جنگ نرم، افکار عمومی و آرمان‌ها و باورهای عمومی را نشانه رفته و یکی از لوازم اصلی در تاثیرگذاری بر افکار عمومی، رسانه‌های جمعی است؛

**خرافات چیست؟** در یک تعریف لغوی، خرافات به سخنان بیهوده، پریشان و نامربوط و هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس است. از بعد هستی‌شناسی، خرافات یعنی محصور شدن در حصارهای پوچ‌گرایی و مادیت؛ محدود شدن هستی تنها در عالم ماده و زمینی و به دست موجود انسانی. به واقع در جهان خرافات، از سرچشمه خداپرستی و نور و قدرت الهی دور می‌شویم و باورها و اندیشه‌های خرافی و باطل و بی‌اساس و زمینی

را جانشین معارف و احکام و هنجارهای الهی می‌سازیم. و به این شکل به تدریج پایه‌ها و نمادهای هویت و فرهنگ دینی و قدرت حسابگری و عالم بودن خداوند را نیز زیر سؤال می‌بریم!

**علت شکل‌گیری خرافات** علت اصلی رواج خرافات و باورهای باطل، نادانی و کمبود اطلاعات است. البته سودجویی و منفعت‌طلبی و تقلیدهای کورکورانه نیز می‌تواند به عاملی برای ترویج خرافات تبدیل شود؛ اما باز هم ریشه اصلی همه این موارد به آگاهی نداشتن و ناآشنایی با عقاید اصیل اسلامی و دینی برمی‌گردد.

### **مصادیق خرافات**

۱. یکی از مصادیق اصلی و قابل توجه خرافه می‌تواند شرک باشد که باعث می‌گردد گوهر گران‌بهای توحید از انسان‌ها ربوده شود. شرک باعث بی‌توجهی و عقیده نداشتن به معاد می‌شود و وجود بت‌ها در اداره عالم موثر و نافع در زندگی قلمداد می‌گردند. عبادت بت‌ها نیز به منظور جلب نفع و دفع ضرر دنیوی انجام می‌شود. یعنی همان هستی‌شناسی خرافات. اما در جاهلیت مدرن امروز، خرافه شرک و بت‌پرستی، تحت عناوین عرفان‌های کاذب و معنویات نوپدید به منصفه ظهور می‌رسد.

۲. فال‌گیری، بخت و طالع بینی، رمالی، نحس خواندن بعضی روزها یا ستاره‌ها، عطسه کردن و... که ترجمان تطیر در اصطلاح قرآن است. یعنی فال بد زدن در مقابل تفأل (فال نیک) که اغلب موجب امیدواری و پویش و حرکت می‌شود. فال بد همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند نوعی شرک به خداوند محسوب می‌شود؛ چرا که آن را مؤثر در سرنوشت آدمی می‌دانند.

۳. تحقیر و پست شمردن زنان و دختران یکی دیگر از نمونه‌های ملموس و غیر قابل انکار خرافات است. در گذشته و عصر جاهلی، این مسأله با زنده به گور کردن دختران، بی‌توجهی و خوار و ذلیل شمردن آنان و... قابل مشاهده و دریافت است که نشانه‌ها و وصف آن در تاریخ اندک و قابل چشم‌پوشی نیست. اما شکل امروزی تحقیر زنان و دختران، برخورد و رفتار با آنان به شکل یک کالا و نه یک انسان است. امروز هویت زنانه از آن رو اهمیت پیدا می‌کند که تنها می‌تواند یک وسیله و ابزار دم دستی برای استفاده ظاهری از جاذبه‌های زن باشد.

**بایدهای رسانه‌ای برای مبارزه با خرافات** یکی از راهکارهای اصلی برای از بین بردن خرافات جاهلی، ارسال فرستادگانی از سوی خداوند بوده. پیامبران را مبعوث کرده و به آن‌ها ماموریت داده تا در مقابل خرافات و مروجان آن بایستند و مردم را نسبت به باورهای غلطی که مبنای عقلی و علمی و دینی نداشته، هوشیار و آگاه سازند و جامعه را به علل و عوامل

اصلی حوادث و با معارف الهی آشنا سازند. سه کارکرد برای رسانه‌ها که عملکرد صحیح آن‌ها خواهد توانست به‌عنوان یک ابزار مؤثر در مقابل جنگ نرم باشد: ۱. نظارت بر محیط ۲. همبستگی ۳. انتقال فرهنگ افکار زمان جاهلیت اولی نکوهش می‌شود و گذشتگان به علت زنده به گور کردن دختران و تحقیر زنان در برنامه‌های معارفی و دینی و تاریخی به نقد کشیده و مذمت می‌شوند غافل از این‌که خواسته یا ناخواسته همین موضوع در زمان حال تکرار می‌شود. با تبدیل کردن زن به یک ابزار جنسی با جلوه‌های بصری و حتی صوتی در فیلم‌ها و پیام‌های بازرگانی یا به صورت مجری و گوینده در رادیو و تلویزیون که تمام ابعاد و توانمندی‌هایش در جلوه‌های زنانه‌اش هضم گردیده و حضورش تنها برای این است تا بار دراماتیک برنامه بالا رود و وسیله‌ای برای جذب مخاطب شود!

### منابع

تفسیر نور، استاد قرائتی المیزان، علامه طباطبایی

نمونه، آیت الله مکارم قرآن منظوم امید مجد

استخراج از رسانه‌های روز و برداشت مؤلف